باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۵۹۶۲

رده‌بندی دیویی: ص ۸۸۵ الف ۳۴۲۲ ۲۹۷/ مرجع □

سرشناسه: انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق.

عنوان قراردادی: صراط النجاة. حاشیه

عنوان: رساله مسئله

شرح پدیدآور:

کاتب:

تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: [بی تا]

صفحه شمار: اج. (بدون شماره گذاری) مصور□ درسی□ گراور یا افست□

زبان: فارسی ابعاد: ۱۶×۱۰ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی□ اهدایی□ خریداری□ ارسالی□

واقف: نامعلوم

تاریخ ثبت:

یادداشتها: عناوین دیگر: رساله عملیه؛ صراط النجات. -

موضوع(ها): ۱. فقه جعفری. - رساله عملیه.

شناسه(های) افزوده: الف. عنوان. ب. عنوان: صراط النجاة.
ع. عنوان: رساله عملیه.

فهرستنگار: [signature]

تاریخ فهرستگاری: دی ۸۷

سوالات از سرکار شریعتمدار اعلم العلماء و افضل الفضلاء
استادنا الزکی کهف الحاج و العماد و الاخیار جناب حاجی شیخ ...

اگرچه تخصص بکبرا اعلم دانسته و تقلید کرده ...

سؤالات از سرکار شریعتمدار اعلم العلماء و افضل الفضلاء

استادنا الزکی کهف الحاج و المعتمر و الاخیار جناب حاجی شیخ

مرتضی الانصاری دام ظله العالی و جواب شافی نافع از ایشان

[illegible] باری از فتاوی صریحه ایشان که از کتاب منظور نظر انور

[illegible] ایشان بازیافت شده بود و بغایت نفع بخشا بود از برای

[illegible] مؤمنین و مؤمنات بنظر قاصر رسید که این مجموعه مختصر

[illegible] است برسد بعموم مؤمنین و مؤمنات نزدیک و دور

[illegible] بر زیادتی شفاعات ایشان و نشر ایشان بلکه باین وسیله

[illegible] بهم بجزای جزیل و اجر مستطیل برسد لهذا مسئلها

[illegible] ایشان را در یکجا جمع نموده مسمی نمود [illegible]

المؤمنین و المؤمنات [illegible] مطلع نموا فقهم جایز است مگر اینکه علم

وچند فصل [illegible] باشی [illegible] در بسیاری از مسایل [illegible]

[illegible] جواز تقلید غیر اعلم مشروط است بعدم علم بموافقت

ایشان حاصل کنی مسئله دو مجتهد مسلم الاجتهاد باشند

اگرچه [illegible] شخص یکی را اعلم داند و تقلید کرد و جمعی دیگر او را

مجتهد و اجتهادش [illegible] محل شک باشد شخص و تشخیص اجتهاد



بنحویکه جایز نباشد عدول بقول او که در وقت حاجت بان عمل کنند

مسئله اقوی جایز نبودن ابقای بر تقلید میت است مطلقا اگر

شود تقلید اعلم حی که لازم است و الا تقلید غیر اعلم کند تا

عمل کند مگر آنکه فتوای غیر اعلم مخالف احتیاط باشد و ا

بلکه شخص اگر این احتیاط موافق فتوای اعلم است

عمل باحتیاط کند و اگر احتیاط را نداند ...

واحدی که عارف باحتیاط باشد مسئله مراد از اعلم ...

در بیرون آوردن حکم الله و فهمیدن آن ...

شناختن اعلم و وجوب رجوع باو بمجرد دادن عدل ...

از ... ظن حاصل شود کفایت میکند ...

... اهل خبره یا جمعی از اهل ...

... اعلم تقلید غیر ...

اجتهاد و تقلید

در تقلید هر یک و اگر علم یا مظنه باورعیت یکی داری تقلید

اورع احوط است بلکه خالی از قوت نیست و اگر یکی اوثق در فتوی

باشد از دو مجتهد مساوی اوثق مقدم است و همچنین اعلم

با عادل مقدم است بر عادل غیر اعلم مسئله شخص مقلد مجتهدی بود که

بقاء بر تقلید میت را جایز یا واجب میدانست بعد از وفات عدول

بمجتهد حی اعلم زمان لازم است در این مسئله اما رجوع بغیر اعلم

در مسئله که اعلم فتوی نمیدهد واجب است مسئله ماذون نیست

بمخالفت احوطهای مطلق کند بلی جایز است رجوع بسایر

مجتهدین احیا با رعایت هر یک که اعلم باشد از دیگران در این

مسائلی که فتوی باحوط مطلق نموده فقهم جایز است مگر آنکه علم

اما با رعایة الاعلم باشد بمخالفت ایشان در بسیاری از مسائل این

که فتوی بر جواز تقلید غیر اعلم مشروط است بعدم علم بموافقت

ایشان حاصل کنی مسئله دو مجتهد مسلم الاجتهاد باشند

اگرچه شخص یکی را اعلم دانسته و تقلید کرده و جمعی دیگر ادعای اجتهاد

مجتهد و اجتهاد شد محل شک باشد شخص و تشخیص اجتهاد

هرگاه جاهل مقصر باشد و عملش مطابق واقع شده باشد باطل
است مگر آنکه فرض شود بعنوانیکه بقصد قربت شده باشد
عملش مسئله هرگاه در بین نماز مسئله رو داد بسبب جهل یا نسیان
و مردد شد شخص در صحت و فساد نماز در آنحال بقول میت
جایز نیست عمل کند پس اگر عارف باحتیاط باشد باحتیاط عمل
کند و الا نماز را قطع کند با تمکن از سؤال و وسعت وقت
و الا عمل بظنه خود نماید و اگر مظنه ممکن نشود باحتمال عمل
کند بقصد سؤال که اگر مخالف برآید اعاده کند پس بعد از
نماز سؤال کرد اگر موافق برآمد صحیح است عملش و الا اعاده
[illegible] حاصل [illegible] باشد جهل یا نسیان
[illegible] مشغول شد نماز
[illegible] مسئله
[illegible]

بقو

بقول مشهور عمل کردن ممکن در وقتیکه موافق احتیاط باشد
یا آنکه فتوای مجتهد حی بدست نیاید و احتیاط هم ممکن نباشد
در اینصورت عمل بمشهور جایز است مسئله تقلید در مسائل
ضروریه لازم نیست و اگر کسی قوه تحصیل اجماع داشته باشد
بطوریکه علماء تحصیل میکنند در آن مسئله نیز تقلید لازم
نیست و در غیر ضروریه که برا و مجهول است تقلید لازم است
مطلقا مسئله در مسائل تقلیدیه اخذ اجمالی کفایت نمیکند
بلکه اخذ تفصیلی ضرور است در تحقق تقلید ملتزم مسئله
تقلید غیر اعلم در مسئله که علم داری موافقت با اعلم جایز
است و در صورت عدم علم بموافقت هم جایز است مگر آنکه علم
اجمالی داشته باشی بمخالفتشان در بسیاری از مسائل در
اینصورت جواز تقلید غیر اعلم مشروط است بفحص تا علم بموافقت
ایشان حاصل کنی مسئله دو مجتهد مسلم الاجتهاد باشند
شخص یکی را اعلم دانست و تقلید کرد و جمعی دیگر ادعای
کند و اجتهاد شد بحل ثلثه باشد بفحص و تشخیص اجتهاد

ایشان لازم نیست بلکه معین است تقلید همان اعلم مسئله
هرگاه عارض شود بر مجتهد جنون یا فسق یا موت یا عدول کند
از مسئله و مقلد عالم نشود بهمان فتوی عمل کند عملش صحیح است
مسئله نیت تقلید شرط صحت عمل نیست و هرگاه شخص شک
کند بعد از عمل که تقلید داشته یا نه عملش صحیح است و اگر قبل
از عمل باشد تقلید کند و اگر در بین عمل مربوطی باشد مثل نماز
اقوی اعاده است با تقلید مسئله هرگاه مجتهد مسئله را
خلاف رأی سابقش بعد عمل گذشته مقلد بین صحیح است و
بر ایشان عدول اما آثار عمل گذشته ایشان مثل طهارت و نجاست
و حلیت و حرمت بر هم میخورد اما در مثل عقود و ایقاعات
خلاف و اشکال است و همچنین است حکم خود مجتهد مسئله
در احکام فرعیه بعقل خود عمل نمیتوان کرد بلکه باید اخذ از مجتهد
جامع الشرائط کرد مسئله هرگاه شخص با قدرت بر تقلید مجتهد
حی باقی باشد بتقلید میت بدون اذن مجتهد حی اعلم و عبادت
کند باطل است عبادتش مسئله اگر کسی تقلید کرد غیر اعلم را

اجتهاد تقلید

با اعلم مطابق یا عدم علم بمخالف بودن ایشان بعد معلوم شد
مخالف بودن ایشان واجب است عدول با اعلم و اگر تقلید کرد اعلم را
در رجوع بغیر اعلم و این غیر اعلم تقلید اعلم را لازم میداند
جایز است تقلید او که تقلید او تقلید اعلم است مسئله نایب
مجتهد که ولایت طفل یا وقف و غیره دارد بموت مجتهدش
منعزل میشود و اگر شخص تقلید کرد کسی را که اخذ بکتاب
مجتهد را تقلید میداند است بعد از وفاتش مجتهد حی اعلم
تقلید میت را جایز میداند و او اخذ کند کتاب مجتهد حی را
مجتهد تقلید [illegible] ندارد اگرچه این مجتهد اخذ کتاب را
تقلید نداند پس این در حقیقت تقلید حی است و واجب نیست
که مقلد بداند مذهب مجتهدش را در معنی تقلید مگر بقاء بر
تقلید که باید مذهب مجتهد حی اعلم را بداند مسئله هرگاه
شخص تقلید کرد اعلم را و حکم مسئله را بعد فراموش کرد و تقلید
دیگری کرد باعتقاد مجتهد خودش و حال آنکه خلاف حکم مجتهدش
بود بعد که فهمید لازم است عدول بمجتهد اول و عملش

صحیح است آنچه گذشته مسئله هرگاه شخص خرید چیزی را که بان
قسم مجتهدش صحیح میداند و فروشنده مثلا مجتهدش صحیح نمی
داند برای مشتری صحیح و فروشنده باطل است مسئله اگر
مختلف باشد تقلید وکیل یا اجتهادش با موکل با علم بان باید وکیل
موافق تکلیف موکل خود عمل کند و اگر جاهل باشد بحال موکلش
بحال خودش عمل کند و واجب نیست استفسار بحال موکلش
بخلاف وصی که عمل میکند بتقلید یا اجتهاد خودش مطلقا مسئله
اگر کسی تقلید کند شخص معینی را بخیال آنکه زید است و بعد معلوم
شود که عمرو است ضرر ندارد مسئله جایز است تقلید دو
بالتساوی ایشان بشرط آنکه مسئله که تقلید کرده عدول نکند
بدیگری و اگر مثلا یکی چهار فرسخ را سفر نداند و روزه مستحبی
را در سفر حرام بداند و یکی چهار فرسخ را سفر بداند و روزه
مستحبی را در سفر جایز بداند شخص چهار فرسخ برود و روزه
مستحبی را بگیرد ضرر ندارد و در اینصورت تقلید هر دو مجتهد
شده است مسئله طریقه اخذ مسائل سه قسم است اول

اخذ

از مجتهد شنیدن دوم از عدل واحد شنیدن که راوی باشد
از قول مجتهد سیم اخذ بکتاب فتوای مجتهد بشرط آنکه سالم و
مأمون باشد از غلط یعنی باید بحسب ظن علی الاقوی و اگر دو عادل
بر خلاف یکدیگر خبر بدهند فتوای مجتهد را اولی توقف و عمل
باحتیاط کردن است مسئله بدانکه عدالت ملکه ایست و حسن
ظاهر یعنی حسن ظاهر کاشف است ملکه را بشرط حصول ظن باشد.
مسئله هرگاه خلاف واقع شود میان کتاب و شنیدن از مجتهد
شنیدن را مقدم دارند و اما در تعارض ناقل با کتاب ناقل
را مقدم بدارند بلی در تقدیم کتاب بر ناقل شفاه ظنی قوی
هست و اگر از مجتهد مختلف بشود یا کتابش را مختلف ببیند
عمل بمؤخر نماید بلی در فهمیدن از کتاب بمظنه کفایت میتوان کرد
و در شنیدن هم چنین است اکتفا میتوان کرد بمظنه مسئله
هرگاه شخص دستش بمجتهد یا کتابش یا ناقل نرسد اصلا
واجب است باحتیاط عمل کند اگر موجب عسر و حرج نشود و اگر شخص
تقصیر نماید در عمل کردن باحتیاط لازم است بر او اعاده یا قضا

واگر ممکن نباشد احتیاط واجبست هجرت از آنجا اگر عسر و حرج
نباشد و الا اخذ بقول مشهور اصحاب میکند ثم الاشهر فالاشهر
بلی باید رجوع کند بموثق خبره بموارد شهرت بدون مسامحه
واگر متعذر باشد بجمیع انها رجوع کند با وثق اموات در فتوی
والا رجوع کند بشهرت بنابر اشهریت و تکلیف ساقط
نمی شود در هیچیک از احوال مزبوره مسئله فتوای علما چه حی
و چه میت مگر موافق احتیاط باشد یا ضروری یا اجماعی یا مستفیض
باشد عمل کند ضرر ندارد اگر چه قدرت بر علم هم داشته باشد
مسئله هرگاه مکلف تقلید مجتهد با شرایط حاضر نداند
اما قطع دارد بانکه عملی که میکند اجزاء و شرایط آن محقق
موجود است و منافیات آن مفقود است فتوی صحت آن است اگر
چه احوط اعاده آن است مسئله شخص بی تقلید مدتی
عمل کرد و تقلیدش را غیر است و عملش بسبب اتفاق فتاوی صحیح
است مسئله بدانکه اعتبار اعلمیت در وقتیست که مجتهد
استنباط مسئله میکند نه در وقتیکه فتوی میدهد

مسئله

نجاسات

مسئله هرگاه یکی تقلید کند مجتهدی را که غساله را پاک میداند
ویکی تقلید کند مجتهدی را که نجس میداند باید اجتناب کند اینکه
نجس میداند از هر چیزی که علم دارد از آن که ملوث بغساله نجس
شده است فصل در نجاسات است مسئله عدد نجاسات
دوازده است اول و دوم بول و غائط حیوان حرام گوشت که خون
جهنده داشته باشد سیم و چهارم و پنجم خون و منی و میته از حیوانی
که خون جهنده داشته باشد ششم و هفتم سگ و خوک صحرائی
نه دریائی هشتم و نهم کافر و شراب است و ملحق است بشراب آب انگور جوش
آمده و مسکرات مایع است دهم و یازدهم و دوازدهم فقاع و
عرق جنب بحرام و عرق شتر جلاله است و احتیاطا هر حیوان جلال
است فصل در باب نجاسات است مسئله چیزی که مشتبه بنجس باشد
اگرچه منحصر هم باشد و چیز طاهری بموضعی از آن برخورد باز طو
نجس نشود مسئله لباس نجس بعد از تطهیرش اگر خورده اشنان
در آن مانده باشد پاک است مگر آنکه درشت باشد که آب نجس در
جوفش رفته باشد ظاهرش پاک و جوفش نجس است مسئله

تعیین نجاسات

در باب نجاسات

لباس نجس هرگاه غیری تطهیرش کند و اطمینانی باو داری در
تطهیرش خوبست والا مشکل است طاهر بودنش مسئله اب گوی
که صد و چاه نمی کند در حال جوشیدنش از چشمهایش اگر نجاستی
بان برسد نجس نمیشود والا نجس میشود اگر کر نباشد اما پاک شدنش
این قسم است که قدری از ان اب بهر قسمی کم کند که از جوششهایش
اب بیاید و [illegible] باشد مسئله هرگاه دست نجس مثلا اب
قلیل [illegible] جاری شود همینکه اب گذشت از ان موضع در دفعه ثانی
پاکست گرچه غساله اش از موضع دیگر از سر انگشت مثلا بچکد
باشد مسئله اطراف [illegible] واحد کند لبس اب
غساله [illegible] اما غیر اطراف ان بغساله
ان موضع که نجس میشود [illegible] باب تسلسل
غساله منفصله محل نجاست نجس است در مرتبه اولی و در مرتبه
ثانی احوط نجاست است مگر غساله استنجا با شرایطش مسئله
از عرق جنب وطی حایض و نحو ان احوط اجتنابست مسئله فضله
طیور هرگاه شک داشته باشی در حرام گوشت یا حلال گوشت

ودنش پاکست اما فضله شپره نجس است مسئله ناخنی مثلا بعد از
سنگ بر روی آن خورد و خون در زیرش مرد بعد فرجه بهم رسانند
اگر خون از استحاله شده است پاکست و اگر صدق خون میکند نجس است
و همچنین است غیر ناخن هم مسئله هرگاه غذائی لای دندان باشد
که در آن خون بیاید و بآن غذا رسد یا دهن پاک نمیشود بنا بر احتیاط
بلی اگر خون بآن نرسد پاکست غیر هم نیست مسئله حنای نجس بستند
اگر جزئی از عین آن حنا بماند بعد از شستن نجس است و اما بعد از تطهیر
رنگ آن پاکست مسئله زمین یا ازاره و غیره تا علم بنجاستش ندارید پاک
اما بمظنه نجس نمیشود لعاب اطفال نجس نیست مسئله خون پشه نجس نیست
مسئله اگر دانه انگوری در غوره باشد که آن را بگیرند و مستهلک شود
در آن بجوش آمدن نجس نمیشود مسئله هرگاه خرمای نارس مجوش شد
در طبخ ضرر ندارد مسئله زمین یا دیوار یا فرش یا لباس شخص نجس
باشد با رطوبت سرایت کند و دیگری وارد بر او شود و بر آنها به
نشیند مثلا بر صاحب خانه لازم نیست که او را اعلام کند مسئله
جمعی طعام میخورند یکی فضله موش مثلا در آن دید واجب نیست

دیگر آنکه اگر کمتر از آن خورد [illegible] الا آنکه [illegible] باشد
[illegible] که خورده [illegible] که [illegible] است [illegible] مسئله
[illegible] اگر کسی که [illegible] بخورد [illegible] اگر [illegible]
[illegible] باشد [illegible] مسئله [illegible]
[illegible] است و [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] بعد از آن [illegible]
[illegible] است
[illegible] طهر [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
[illegible] است [illegible]
جاری [illegible] اگر [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
اما اگر [illegible] شود [illegible]

در شستن ثانیه آنچه [illegible] که غساله [illegible]
[illegible] بشوید [illegible] آب [illegible]
[illegible] باشد و [illegible] که [illegible]
[illegible] با آنچه [illegible]
[illegible] که غساله [illegible] باشد و
با ریشه [illegible] یا ظرفی [illegible] بار خود [illegible] کند
[illegible] بخلاف [illegible] یکبار [illegible] دفعه [illegible]
[illegible] با [illegible]
[illegible] ریشه اگر [illegible]
[illegible] ریشه اگر [illegible]
است در آب [illegible] و بیرون [illegible] حتی [illegible] [illegible]
بزرگ یا حوض [illegible] بالشقاب دو ران جاری کنند و در ته
از آنچه جمع شد ظرف پاک هر دفعه بیرون آورند و [illegible]
پاک بگیرند و دفعه دویم و سیوم همچنین کنند و اگر ته آن سوراخ
باشد که هر دفعه غساله از بیرون رود تماما یا بخوابانند [illegible]

بکرد

[illegible]

علم

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible] مثلا [illegible]

باشد [illegible]

[illegible]

مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible] مثل [illegible]

اگر خون در آب گوشت که می‌جوشد بیفتد نجس می‌کند هر چند

قلیل باشد مسئله [illegible] اگر خونی را [illegible] پاک نیست

پاک نیست مسئله [illegible] نجس شده مثل [illegible]

خود بخود خشک شود [illegible] مسئله [illegible] زمین [illegible]

از آب [illegible] نجس شود مسئله [illegible] زمین [illegible]

کل با آن باشد غیر آب کر یا جاری [illegible] دان نجس کند

دو مرتبه بنا بر احتیاط و ضما و لکن آب [illegible] مسئله

هر گاه [illegible] نجس شود پاک میشود و اگرچه باید

[illegible] مسئله [illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] هر گاه [illegible]

[illegible] پاک شد [illegible]

میشود مسئله [illegible] آب [illegible] کرده در آن [illegible]

بر آن تفصیل یا لحاظ قلیل بود مسئله هر نجاستی بهر آنی دو مرتبه

باید شست الا ظروف کر یا آب قلیل ۳ مرتبه باید شست و

بول در آب جاری یکمرتبه کفایت میکند مسئله بوریائی که ریسمان

دارد هر گاه نجس شود باید هم که ممکن شود فشار بدهند

دو [illegible]

دو دفعه وابولکی کردن تا پاک شود مسئله که خمیر هرگاه
آب نجس خمیر را احتیاط دارد مگر آنکه در تنور [illegible] تمام شود
یا ناپاک شود دیگر در [illegible] کند به [illegible] و همچنین
مسئله آب خرما اگر جوش آید ثلثان که [illegible] شود پاک
[illegible] شود و [illegible] که هم شود پاک [illegible] شود و
[illegible] مسئله [illegible] پای [illegible] هرگاه
[illegible] کند [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه [illegible] زوج
آب نجس شود اگر [illegible] داشته باشد [illegible] نجس هم [illegible]
[illegible] که قطع شود پاک [illegible] شود مسئله زمین [illegible]
[illegible] مسئله خون [illegible]
[illegible] پاک [illegible] شود [illegible] حرام نیست بلکه [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

هرگاه نجس شده بود [illegible] مسئله [illegible] نجس بود [illegible]

باشد [illegible] گرفتار بود [illegible]

کند [illegible] کند [illegible]

از [illegible] باشد [illegible] میشود [illegible]

اگر [illegible] بشود [illegible]

و [illegible] آنکه [illegible]

[illegible]

پاک [illegible] باران بران

بیارد [illegible] ۷ [illegible]

که احتیاج [illegible] ندارد مسئله [illegible] نجس [illegible]

بتابد و خشک کند [illegible] خشک شود [illegible]

پاک میشود [illegible] پاک میکند

اگرچه از [illegible] باشد مسئله آب نجس [illegible] ظرف

با ظرف نجس آب در آن کنند فرق ندارد که بارش باران بیارد

ندارد

بقدری که روی زمین غالب جز آن آب بارش حاصل شود یا لک
میشود مسئله هرگاه احتمال شک در نجس بودن باشد ولی او علم
داشته باشد و نجاسته احتمال تطهیر بدهد و بر مدتی که با و نجس رود
بکشد [illegible] بار رطوبت مثلا از برای تو پاکست مسئله
[illegible] که از [illegible] در بدن هم چنین است
مسئله [illegible] نجس [illegible] دیگر پاکست [illegible] ان
مسئله [illegible] در [illegible] نشار [illegible]
[illegible] کند دو [illegible]
و [illegible] آب [illegible] دران [illegible]
پاک میشود [illegible] پاک میشود با
فرش که سه مرتبه شسته بنابر احتیاط مسئله بارش [illegible]
کم [illegible] لازم ندارد بنا بر دو مرتبه [illegible] بنابر احتیاط
[illegible] نکند مسئله هرگاه در آب [illegible]
[illegible] اطراف [illegible] ظاهر کردن [illegible]
[illegible] حکم نجس ندارد مسئله [illegible]

که مس شود به یا آن شارب [illegible] شود [illegible] که یا آن [illegible]

باشد [illegible] وضو [illegible] مسئله هرگاه [illegible] در موضع [illegible] یا

غسل [illegible] باشد باید [illegible] وضو یا غسل مسئله هرگاه

زیر ناخن [illegible] ازاله [illegible] ناخن که [illegible] خون کند

باشد که [illegible] باید [illegible] وضو یا

[illegible] اگر [illegible] البته

باید [illegible] هرگاه شخص [illegible] کند

مسح [illegible] از [illegible] سر و پای را

را [illegible] دو پا را همراه [illegible]

مسح کرد [illegible] مسح [illegible] کشد اگر

[illegible] مسح کند [illegible] بلندی کعب پا ضرر ندارد

مسئله در مقام تقیه هرگاه پنهان شود و وضو صحیح باشد

که بعد از آن وقت ضرری [illegible] نشود ضرر ندارد مسئله

هرگاه ممکن نشود کفش یا چیزی دیگر را از پا بیرون [illegible]

از روی مسح کند مسئله لازم نیست وضع شستن و مسح [illegible]

باشد

باشد بشرط آنکه دوری موضع مسح غالب بر آن دست نباشد
بلکه دوری آن دست کمتر از آن دست غالب باشد و مسح بر آن کند
یا آنکه [illegible] اگر کسی عضو ماوفه یا زخمی در بدن داشته باشد
و نتواند شستن [illegible] الغسل یا وضوی جبیره اگرچه بخرقه بدان آب [illegible]
کردن بدان آب [illegible] و غیر آن [illegible] باشد یا وسعت وقت
و تمکن [illegible] [illegible] السلکه
منقولست که [illegible] واجب میشود [illegible] [illegible]
حدیث که برطرف [illegible]
[illegible]
برای فرائض وضو [illegible] باشد [illegible]
[illegible] بجاور [illegible]
و از برای هر نمازی باطل کردن آن لازم نیست اگرچه احتیاط آنست
اما اگر در وقت قطع شود [illegible] نماز را در اول وقت بجا آورد
اگر [illegible] نماز [illegible] شود نماز را اعاده کند [illegible] نماز را [illegible] کند
احتیاط آنکه هرگاه [illegible] خارج شود وضو بسازد و از نماز بجا آورد

و اگر کسی که منی او خروج نشود و جنب است غسل [illegible]
غسل کند اگر نماز داخل کرده باشد مثل اینکه بشود است [illegible]
حدث و جنب مرد و زن گرد بدن یا دنبه از آنکه بیرون آید
مسئله هر گاه جنب غسل [illegible] مرتب شود یا مثل کسی که استبرا نکرده
از غسله باشد [illegible] باشد مسح [illegible] اگر کند
در [illegible] کند [illegible] بعد از بول
[illegible] اعاده کند غسل [illegible] برای نماز بعد
گذشته [illegible] مسئله [illegible] با غسل جنب
[illegible] از بول کرده یا [illegible]
مجرا [illegible] مسئله هر گاه [illegible] شک
دارد که وضو ساخته است یا نه [illegible] اگر با وضو است
شک دارد که حدث [illegible] زده یا نه با وضو است و اگر یقین وضو
و حدث هر دو دارد و شک در تقدیم هر یک دارد [illegible]
و اگر در بین نماز باشد نمازش باطل است و اگر بعد از نماز باشد
صحیح است و از برای نماز بعد وضو بسازد مسئله وضو [illegible]

از برای

از برای رفع حدث باشد مثل زیارت و تلاوت و کون بر
طهارت نماز نمیتوان کرد بان وضو چه واجب و چه سنت
مسئله جبیره در موضع مسح مثل موضع غسل است
یعنی رطوبت دست باید مسح کرد بخلاف موضع غسل که اگر
آب جبیره باید غسل نداد [illegible] قصد غسل باشد و نیز
مسح بلکه [illegible] مطهر [illegible] دا آب کند
کفایت نکند [illegible] از موضع دیگر [illegible] مکرر کردن
وضو [illegible] متعدد کرد
و نتوان [illegible] وضو یا غسل
بشوید و چیزی [illegible] مسح کند و احتیاطا
[illegible] کند [illegible] وضو نا [illegible]
وضو [illegible] کرده [illegible] وضویش باطل نیست
شخص [illegible] کند که چند صلوات مثلا فرض شند با طهارت
و وضوی واجب با [illegible] نماز واجب و غیر عبادتی دیگر بان
نمیتوان کرد مسئله پیش از وقت وضوی [illegible]

مستحبست و اگر صبر کند بوقت وضو لباز از احوط است
مسئله اگر شخص تیمم با بدن نجس وضو ساخت صحیح است
باقی آب بود ثانیا نیز همچنین است مسئله شخص بعد از غسل
یا وضو یا تیمم در بعض [illegible] شک دارد که بعض ترک کرده یا نه بعد
شدن مشکوک است [illegible] اگر [illegible] کند ممکن اگر
حاصل کند [illegible] مسئله [illegible] تیمم [illegible] مسئله تیمم بدل
از غسل [illegible] وضو [illegible] دست [illegible]
اول از [illegible] دو [illegible]
پشت دست [illegible] عاجز باشد با
تیمم [illegible] بکند [illegible] نشود [illegible]
تیمم کند و پشت دست صحیح بر زمین مالد و اگر از هر دو
عاجز باشد بر ذراع تیمم کند و اگر از آن هم عاجز باشد پیشانی
را بر زمین بکشد مسئله هرگاه آب ساتیمم ممکن نشود
که اقل غسل حاصل شود بجنابه وضو پس بر قصد تیمم کند
وضو را او اولی این است که با تیمم بر قصد [illegible] بکند

ونماز

و نماز کند و بعد قضا کند نماز را و اشتغاله بغیر تیمم بیش
چیزهایی توان کرد خاک و زمین و رمل و سنگ و غبار
و گل اما تا خاک ممکن شود باید بر خاک تیمم کرد و بعد
زمین و بعد غبار و بعد سنگ و بعد گل اگر نتواند بخشکاند
از [illegible] باید بعد تیمم [illegible] [illegible] و نفس و منافی
نباشد و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشد
و خود [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]
باشد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
با [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشد
باید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشد
شخص جنب با [illegible] مثلا در حیض [illegible] تیمم باشد هر گاه
تیمم کند چیزهایی که بر ایشان حرام بود مباح میشود
مثل [illegible] [illegible] اگر چه [illegible] [illegible] تا غسل کند
با [illegible] های [illegible] را نخواند که [illegible] [illegible] ترک
[illegible] تیمم بعبارت الله [illegible] [illegible] باشد [illegible] [illegible]

ناتوان باید جمع کرد والا بر صفا زمین تیمم کند اگر
شخص با تیمم بود که وضو [illegible] مثلاً اگر امید ندارد که
کند تا آخر وقت بکند وضو یا غسل ممکن شود باید
کند مسئله آنانکه [illegible] فرض شده بر آن جایز
اما طرح و شستن [illegible] است مسئله شخص در بین [illegible]
با وضو [illegible] آب [illegible] اند کرد و [illegible]
است [illegible] در غسل است غسل
[illegible] که [illegible] نشد
نباشد [illegible] است و اگر [illegible]
کفایت [illegible] و [illegible] هر گاه آب [illegible]
شخص باشد مثلاً [illegible] باشد [illegible] کند و [illegible]
در آب یا در زیر آب [illegible] کند و خود را حرکت دهد برای
کفایت میکند اما غسل ترتیبی و اول سر و گردن را بشوید
و بعد جانب راست از نصف بدن قدری زیادتر و بعد
جانب چپ را همین قسم بشوید کفایت میکند و هرگاه

سر آب بریزد و جانب راست را پاک کند و بعد جانب چپ را
نیز آب کند یا بارش کند بار اول نیت تر کردن کند و
جانب راست و بعد جانب چپ که خوب آب بارش کند که کفایت
میکند یا آنکه یک دفعه نیت تر کردن و بعد جهت جانب
راست و بعد بجانب چپ پس یکباره بوی کفایت میکند
مسئله هرگاه [illegible] وقت [illegible] و [illegible]
با اهل [illegible] یا شکر [illegible] باشد [illegible] الا اعاده غسل
است [illegible] باشد [illegible] قضا بر ذمه
دارد [illegible] غسل کند بعد
[illegible] ولی اگر [illegible] گذارد
[illegible] ظاهر است جهت وضو یا غسل شسته شود
کفایت میکند مسئله هرگاه مذی که مرطوب باشد و دیگر
از خود ببیند که یکی از این چهار علامت در آن باشد که جستن
و سستی بدن و خوش آمدن و بوی باشد و علم به بودن آ
را ندارد غسل کند بلی اگر همین بوی تنها باشد و آن

شده علامت نباشد احوط اینست که غسل کند و نکند ترتیب
نماز را اما مریض وزن علامت چند کی نماز [illegible] مسئله هرگاه
شخص منی در جامه خود ببیند و نداند که پیش غسل کند
و اعاده یا قضا کند نماز را اگر یقین دارد بجنابت شدن
وجوبا و احتمال [illegible] که جنابت بوده احتیاطا
اعاده [illegible] مسئله هرگاه شخص [illegible] در جامه خود
ببیند [illegible] کند [illegible]
علم [illegible] بعد از
شده احتیاطا [illegible] بنابر احوط
اولی و وضو [illegible] مسئله واطی و موطوئه
حیوان احتیاطا غسل کند و اما واطی و موطوئه میت غسل
بر او واجب است بنابر اقوی مسئله بیرون آمدن منی از [illegible] بودن [illegible] خود
پوشیدن شرط است غسل [illegible] اگرچه احوط است مسئله
هرگاه دندان با گوشت کنده شود مس آن موجب غسل نیست
و غسل و دفن هم لازم ندارد بخلاف اعضای دیگر که آن همه

جدا شود مسئله هرگاه روی جبیره یا زخم نتوان مسح
کرد غسل یا وضو لباس زد بهر قدر که میتواند اطراف آنها
بشوید بنا بر احتیاط و تیمم هم بکند مسئله هرگاه غسل
یا جبیره کرد تا عذرش باقی است که محدث میشود وضو ندارد
و وقتیکه عذرش [illegible] برای عبادت بعدش
مسئله هرگاه شخص یقین داشت که [illegible] باطن دمل
بجهت [illegible] نماز کرده [illegible] یقین دارد که
شسته [illegible] کرده شسته
صحیح است [illegible]
غسل را تمام کند [illegible] بادتش بنا بر اقوی
و اما احوط اعاده غسل است مسئله هرگاه شخص قصد تمام
دادن اجرت حمامی بقسم متعارف ندارد و علم برضا بودن
او هم ندارد و غسل کند غسلش باطل است اگرچه بعد هم
راضی کند او را مسئله موی نازک در بدن باید بجهت غسل
شسته شود اگر بعد از غسل معلوم شود که آن مو شسته نشده

احتیاط غسل را اعاده کند بشکله هرگاه موضع غسل یا وضو
شخص نجس میدانست بعد از وضو یا غسل شک دارد که آن را آب
کرده یا نه وضو و غسلش صحیح است و از برای تطهیر پاک کند
آنموضع را با هرجا که علم دارد که ملوث شده برطوبت آنجا
و احوط آنست [illegible] وضو و غسل را اعاده کند و اگر آب را
کرده با [illegible] احوط اعاده کردن [illegible] آب غصبی یا
که در آن [illegible] الا [illegible] بشست [illegible]
هم و [illegible] باشد [illegible] غسل ضرر دارد
مشتمله [illegible] غصب است مثلا
و یکی مباح [illegible] وضو و غسل
نمیتوان کرد اما اگر ازاله نجاست کند شخص پاک میشود
اما گناهکار است و ضامن قیمت آن است و اگر مشتبه بمضاف
باشد هر دو را استعمال کند یعنی دو وضو بسازد و اگر آب
نجس باشد وضو و غسل که اصلا نمیشود با آن اما ازاله
نجاست بهر یک دو مرتبه بشویند چیزیکه دو مرتبه باید

شسته

شوند عضو مخصوص نماز کرد واجب است شستن ان اما اگر یکی
از این دو با مشتبه بطاهر بریزد نجس نمیکند مسئله اگر مرد
بجهة استبرا از بول سه مرتبه از اصل مقعد تا بیخ خصیتین را
با انگشت تحتانی مسح کرد و سه مرتبه از انجا تا سر ذکر را بدو
انگشت یا زیاده مسح نمود و سه مرتبه سر ذکر را فشرد
و طهارت کرد بعد از ان رطوبتی دید و نداند که بول است
یا چیز دیگر پاک است و وضو و غسل را نمی شکند و اگر استبرا
بول نکرده باشد [illegible] طهارت
نیست مسئله زن [illegible] خارج شد
و بعد چیزی [illegible] خارج شود غسل براو
واجب نیست مگر انکه یقین کند که منی خودش خارج شده اگر
چه با احتلام باشد واجب است غسل کند مسئله بدخول حشفه
در قبل یا دبر بدون خروج منی غسل بر هردو واجب میشود
مسئله مرد که منی از او خارج شده بود بول نکرده غسل کرد
بعد رطوبتی مشتبه بمنی دید باید غسل کند و اگر بعد با بول

کرد چیزی بر او نیست مگر آنکه علم حاصل کند که با بول خارج شده

چیزی از منی واجب است غسل کند فصل در احکام تخلی است — در احکام تخلی

مسئله در حال تخلی واجب است عورت خود را از نامحرم پوشیدن

و حرام است رو و پشت بقبله کردن در حال تخلی و بول کردن

بلکه در حال استبرا و استنجا هم اولی آنست که رو بقبله نباشد

بنابر احتیاط مسئله استنجا بسنگ و شبه آن باید عدد سه

سنگ باشد [illegible] اولی [illegible] از سه پاک نشد

زیاد کند [illegible] پاک شود [illegible] اگر مشقت در [illegible]

باشد [illegible] فصل در احکام حیض — در حیض

و استحاضه و نفاس [illegible] مسئله اما علامت خون حیض

سیاه و گرم و جستن و با سوزش خارج میشود در غالب از

و گاهی برخلاف اینها هم میشود مسئله هرگاه ضعیفه

دو مرتبه در اول ماه تا پنج روز مثلا خون به بیند صاحب

عادت عددی و وقتی است و اگر یکدفعه در اول ماه

پنج روز و یکدفعه هفت روز مثلا به بیند این صاحب عادت

وقتیه

و قضینست اگر یکدفعه اول ماه ببیند و دفعه دیگر دو
ماه و غیره مثل و ببیند این صاحب عادت نیست مسئله
هرگاه عادت قرار گرفت و بعد تغییر یافت بعد [illegible] شد
هم و غیر عادت اول قرار گرفت عادت بعد اعتبار است
[illegible] بعد اگر [illegible] عادت سابق مثل
[illegible] مسئله [illegible] شک کند که خون از او خارج شده
یا نه خارج نشده مسئله اگر [illegible] او خارج شده شک دارد
که خون [illegible] یا [illegible] اول [illegible] ندارد
یا [illegible] مسئله [illegible] ضعیفه [illegible]
کم از [illegible] یا [illegible] علی برای [illegible]
مسئله اگر خون مشتبه بنفاس شود حکم بحیض میشود
اگر در ایام عادتش باشد مسئله خون قبل از نه سال حیض
نیست استحاضه است اگر موجب غسل یا وضو باشد چون
بتکلیف رسد غسل یا وضو بر او واجبست برای عبادتش
مسئله اگر شک در بلوغ داشته باشد و خون ببینت

حیض باشد همین علامت بلوغ است و اگر شک دارد باشد
باشد حکم بحیض است مسئله اگر خون مشتبه بود بین ابکار
امتحان کند و اگر امتحان ممکن نباشد بحال سابق خود
عمل کند چه حیض و چه قروح و چه استحاضه و اگر حال
سابق معلوم نباشد بقیه احکام احتیاط است میان
حایض و عمل مستحاضه مسئله اگر زن اختیار تحیض نکرد
نماز کرد نماز او باطل است اگرچه معلوم شود که خون حیض
نبوده مگر [illegible] مسئله باید
خون حیض [illegible] اگر بعنه بود
و لحظه صبر کند [illegible] باشد اگر خون
نیاید خون و اگر باشد پس حیض است مسئله شب اول
و شب چهارم خارج از سه روز است همچنین شب یازدهم
مسئله حیض کمتر از سه روز و زیاده از ده روز نمیشود
و نفاس یک لحظه میشود و زیاده از ده روز نمیشود و
استحاضه اقل و اکثر ندارد مسئله هرگاه زن

منقطع

مقدار ده روز بیند و بعد از ده روز خون ببیند حیض نیست مسئله
هرگاه زنی طاهر شد از خون ببیند تا روز چهارم هم تا ظاهر یا شد
کلا بعد یکجا حیض بودن و احوط عمل با احتیاط است مگر
آنکه از ده روز گذشته باشد مسئله هرگاه زن سه روز مستمره
خون ببیند و قطع شود بعد از ده روز باز روز دهم باز ببیند
و قطع شود تا تمام ده روز کل آن حیض است مسئله هرگاه سه روز
متصل خون دیده قطع شد یکروز [illegible] هم
این در قول احتیاط است مسئله هرگاه [illegible] ما بین ده خون که
حکم حیض [illegible] ده [illegible] حیض دیگر
قرار دهد مسئله هرگاه [illegible] باشد جز
دیدن خون در وقت عادت [illegible] اگر چه بصفت
حیض نباشد و اگر پیش روز یا دو روز پیش از عادت [illegible]
باشد مگر آنکه یقین کند بر بودن حیض مسئله اما علامت
دم حیض [illegible] احوط جمع است میان افعال مستحاضه
و تروک حائض تا معلوم شود خصوص هرگاه بصفت حیض

نباشد مگر آنکه یقین کند که حیض است همچنین است صفره

مسئله و زنی که عادتش را نگرفته هر ماه خون از عادت

بگذرد تا ده روز صبر کند باکی نیست تا معلوم شود و اگر بعد

از یک روز پاک شود روز دیگر صبر کرد بعد عبادت کند مستحب است

مسئله هرگاه از سه روز کمتر خون قطع شد بعد دید در سه

روز متمم دو [illegible] است و [illegible] استحاضه اگرچه زمان عادت

هم بوده [illegible] اول مسئله هرگاه [illegible] عادت خون دید

و از عادت [illegible] دید و تمام [illegible] ده روز گذشت

طهر [illegible] حیض است مسئله

صاحب عادت [illegible] عادت خون دید

و از ده گذشت [illegible] قرار دهد و

عادتش را حیض مسئله هرگاه در اول و آخر عادت خون دید

و تمام با طهرش از ده روز تجاوز است هر یک که بصفت حیض

بوده حیض قرار دهد و هرگاه هر دو مثل هم بوده اول را

حیض قرار دهد و آخر را استحاضه مسئله صاحب عادت

عدد

عددی هرکاه خونش از ده بکذرد و تمیزش موافق عدد
باشد هرا از حیض حساب کند واکر کمتر باشد عدد را تمام
کند بتمیز واکر زیاده تر باشد زاید را استحاضه حساب
کند واحوط جمع کند ان زاید را میان تروک حایض و عمل
مستحاضه مسئله اکر اصلا تمیز ندارد از ده خون و از ده قطع
نمیشود اول خون عادت [illegible] حیض قرار
[illegible] واحوط دیکر [illegible]
[illegible]
از ده بکذرد [illegible]
مختلف باشد [illegible] ممکن نباشد
ده روز قرار دهد [illegible]
از وقت [illegible] از حیض قرار دهد
و بقیه را استحاضه واکر این هم ممکن نشود هفت روز بکیرد
[illegible] و مبتدئه هم هفت روز بکیرد بهتر است مسئله
هرکاه عادت وقتیه از ده بکذرد اما در عادتش خون

صفت حیض ندارد و بعضی صفت دارد عادت را حیض قرار
دهد اگرچه بصفت حیض نباشد مسئله بر زن واجب
استبرا یعنی از خون تا خاطر جمع شود باینطور که پنبه
بردارد و قدری صبر کند بعد ببیند اگر آلوده نیست پاک است
اگرچه مظنه عود داشته باشد و اگر عادت عود دارد
از ده روز [illegible] با آلایش است اگرچه احوط غسل و عبادت
[illegible] هرگاه میان دو خون [illegible] حیض ده روز تمام
[illegible] مسئله [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه عدد را بداند و
زمان [illegible] را اول ماه قرار دهد بنا
بر احوط مسئله حرام است بر حایض داخل شدن در مساجد
[illegible] و طلاق او صحیح نیست مسئله حرام است وطی
در قبل حایض با علم بحیض بودن و موجب فسق مرد است
بلکه حلال شمردن آن موجب کفر است علی المشهور و اما
در جواز وطی در دبر حایض اشکال است احوط اجتناب است

مسئله

مسئله کفارهٔ وطی در قبل حائض بر مرد است نه بر زن
و در اول حیض عبارة هجده نخود و در وسط آن نه نخود
و در آخر آن چهار نخود و نیم طلای مسکوک است اما قیمت دادن
هم کفایت میکند بنا بر اقوی مسئله قول زن در حائض بودن
و پاک شدن مسموع است مسئله بعد از وطی هر گاه شخص خلاف اعتقاد
ثابت شود با اول یا وسط [illegible] بهر جهه مشخص است
کرده است [illegible] و اما [illegible] کفاره مسئله
[illegible] وسعت [illegible]
[illegible] مسئله
پیش از غسل [illegible] احوط
غیر از غسل جنابت مسئله [illegible] پیش از غسل
وطی با وجوب جایز است با کراهت و اگر [illegible]
[illegible] مسئله بر حائض احوط آنکه [illegible]
نماز [illegible] واجب [illegible]
[illegible] مسئله [illegible] در [illegible]

بگذارد بعد از اول اذان و نماز از طهارت و غیره و اول وقت
نماز و مخیر بودن میان قصر و اتمام بعد رفع عذر بگذارد و اگر از
وقت و طاهر شود قضا باو واجبست بحکم آنکه در وقت مکلف
امده [illegible] بعد از زوال قضا نماید نماز را [illegible]
اعتقاد آنکه بعد رفع ترک وقت باقی است اول نماز ظهر
ادا [illegible] بوده [illegible] ظهر و دیگر
قضا [illegible] واجب نیست [illegible] اگرچه احوط است
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] نماز ظهر
[illegible] بعد از [illegible]
احوط [illegible] بس که در وقت نماز باو
[illegible] نماز [illegible] تسبیح
و تهلیل و تحمید و صلوات و تسبیح اربع و تلاوت قران
اگرچه در غیر این وقت [illegible] تلاوت کمتر باشد
[illegible] مکروه است از برای حائض خضاب کردن و قران

هزا

[illegible] فصل در نفاس است مسئله هرگاه [illegible]

شد از وضع حمل یا سقط طفل اگرچه مضغه یا علقه باشد

تا ده روز خون ببیند و قطع شود نفاس است اگر [illegible]

باشد مسئله اگر شک در ولادت دارد نفاس نیست

در [illegible] واجب نیست مسئله [illegible] از ولادت [illegible]

شود [illegible] روز متوالی [illegible] نفاس ده روز

فاصله باشد [illegible] مسئله اگر [illegible]

نفاس ده روز [illegible]

حیض است مسئله [illegible] خون خارج

شود نفاس است [illegible] ده روز

نفاس است اگرچه طول [illegible] باشد مسئله هرگاه [illegible]

در وقت تولد طفل خون ببیند و پاک شود و روز دهم باز

خون ببیند و پاک شد تمام ده روز نفاس است و هرگاه اول

مثلا خون نبیند و روز پنجم ببیند و روز دهم قطع شد پنج روز

اول پاک بوده و پنج روز آخر نفاس است مسئله هرگاه

بعد از تولد تمام طفل تا ده روز قطع شد همه اش نفاس

همان است و هرگاه از ده تجاوز کند هر صاحب عادت مقدار

ده روز بگیرد نفاسش را و صاحب عادت عدد روز اول را

بگیرد و احوط تا ده روز است و احوط دیگر قضا کردن نماز

بعد از عادت [illegible] نفاس [illegible]

قطع شد [illegible] غسل کرد و [illegible]

باز خون [illegible] افطار [illegible] صاحب عادت با

یا [illegible] عادت هفت

باشد مثلا [illegible] تا هشتم و روز هشتم

خون ببیند [illegible] اقوی اگر چه احوط

اینست که هشتم و نهم و دهم آنچه نفساء باید ترک کند ترک

کند و آنچه مستحاضه را باید عمل کند عمل کند مسئله هرگاه

صاحب عادت هفت روز بعد از تولد طفل خون نبیند

تا روز چهارم و روز چهارم خون ببیند و از ده بگذرد ده

روز را نفاس قرار دهد و باقی را استحاضه و بعضی

هرگاه

هرگاه روز هفتم خون ببیند دوازده بکند و چهار روز نفاس
و باقی استحاضه است مسئله هرگاه روز اول خون دید و قطع
شد باز روز هفتم دید و ده گذشت تا هفتم نفاس و باقی
دهم و باقی استحاضه مسئله هرگاه روز اول خون دید
و قطع شد و دیگر ندید تا هفتم یا ده گذشت و روز هشتم
باز دید و ده گذشت [illegible] روز اول تا [illegible] هشتم [illegible]
استحاضه است و احتیاط این است که بعد از [illegible] تا ده روز
باحتیاط عمل کند [illegible] مسئله [illegible] جمیع
[illegible] لازم است [illegible] شدن
خون از باطن رحم [illegible] حقیقی نفاس
مسئله آنچه بر حائض حرام است بر نفسا هم حرام است از وطی
با او و مس کتابت قرآن و غیره و عبادت و قرائت سورهای
عزائم و مکث در مساجد و صحیح نبودن طلاق و دخول در مسجدین
مسئله مکروه است بر زوج آن تمتع بردن ما بین ناف تا زانوی
او و خضاب کردن و تلاوت قرآن مستحب که در وقت

تا از قضا وضو نماز و مشغول ذکر شوند مثل جامع مسلم

مسائل نفاس در روزهای آن اگرچه اولی بنا بر احتیاط

تا چهل روز جمع نمودن احکام استحاضه و نفاس است و اگر

دو حمل برابر است توأم هم حمل دو تو اعتبار ده روز است لیکن

ملحق شود که هر [illegible] نفاس [illegible] بل قریب بفاصله ده روز

نفاس [illegible] مستقل [illegible] ایام طهر میان دو نفاس

معتبر نیست فصل [illegible] استحاضه [illegible] که خون استحاضه

غالب [illegible] بسبب خارج

بدون [illegible] قلیله و کثیره و متوسطه

اما قلیله [illegible] رسد که پنبه را سوراخ

که فرو رود و متوسطه آنست که خون پنبه را سوراخ کند

و فرو رود اگرچه از یک طرف سوراخ کرده باشد و کثیره

که خون از پنبه فرو رود و بگذرد و مقدار پنبه برداشتن

زنان است بنا بر اختلاف ایشان مسئله خون استحاضه همین

که بیاید در باطن که نتواند بیرون آورد [illegible]

همین

[illegible] مسئله

[illegible] استحاضه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] و تغسل

[illegible]

[illegible] مسئله هرگاه [illegible]

[illegible] شود از برای نماز ایشان شروع کند مسئله جایز نیست

که مستحاضه کثیره زیاده از دو نماز به یک غسل جمع کند مثل ظهر

و عصر تنها مسئله جایز است از برای هر نمازی یک غسل هرگاه فاصله

عرفی نشود والا واجبست غسل هرگاه فاصله شود مجزی بحکم

حکم نماز نباشد مسئله هرگاه بعد از شروع در غسل یا

یا وضوی دیگر خون از صفحه خارج نشود تاخیر نماز بعد از آن
غسل و وضو ضرر ندارد مسئله اگر بعد از غسل و پیش از نماز
خون استحاضه در ظاهر و باطن قطع شود غسل رفع حدث
استحاضه میکند [illegible] اگر همین ظاهر قطع شود و زمان
فرصت [illegible] اعاده غسل
نماید [illegible] باشد [illegible] نماز میکند مسئله
و همچنین [illegible] احتمال بدهد
که در باطن [illegible] معلوم شود که در ثانی
قطع شده بود [illegible] مسئله هرگاه در اثنای
نماز خون منقطع شود با علم بوسعت وقت نماز را قطع کند و
اعاده غسل و نماز کند اگر چه احوط اتمام نماز و اعاده است
و همچنین اگر خون آرام بگیرد بعد از اعاده غسل و نماز مسئله
اگر خون در اثنای نماز آرام گرفت و ندانست که در باطن قطع
شده بعد از آن معلوم شد که قطع شده بود اعاده غسل
و نماز نماید مسئله حکم انقطاع کثیره در اثناء غسل حکم

در اثناء نماز است مسئله اگر زن یقین کند که آرام گرفتن خون
در وقتی که گنجایش غسل و نماز دارد واجبست انتظار آن
زمان بالامکان مسئله هرگاه استحاضه متوسطه بود بعد
در شب پیش از نماز مغرب و عشا تا پیش از نماز صبح غسل از
برای نماز صبح بلا اشکال [illegible] از نماز صبح رو
دَمَه خون و [illegible] برای نماز عشا [illegible] غسل
مسئله واجبست [illegible] کند [illegible] امکان
که خون از او [illegible] در بین نما
خارج شد اعاده [illegible] بنابر احوط
اگر نکو [illegible] اقوی [illegible] شود خون ضرر
ندارد مسئله هرگاه در بین نماز صبح قلیله متوسطه شود
نماز باطل است باید غسل کند و نماز را اعاده کند اگر وقت
تنگ باشد تیمم کند مسئله هرگاه کثیره شود لازم است تجدید
غسل و وضو بجهة کثیره مسئله هرگاه ضعیفه مستحاضه
غسل کند و وضو بسازد و خود را از خون بشوید بنابر احتیاط

دیگر با او وضو ندارد مسئله هرگاه حیض استحاضه کثیره پیش از
غسل نمازی بخون او وقطع شود باز بینند شاید غسل [illegible] غسل
بر او واجب میشود مسئله اگر در بین غسل احد اصغر از او صادر
شود غسلش صحیح است و وضو باید و اگر حدث اکبر باشد
همان غسل [illegible] اعاده غسل [illegible]
از [illegible] احکام اموات مسئله هرگاه غسل احکام الموتی
دادن میت [illegible] واجب [illegible] اولیا بالملک
لازم است [illegible] غسل و
کفن و [illegible] اولی باولاد
اول پدر [illegible] بعد مادر [illegible] ذکور و بعد اولاد اولاد
و بعد جد و بعد جده و بعد برادر و بعد خواهر و بعد اعمام
و اخوال ذکورشان مقدم است و بعد ولاء عتق و بعد ضامن
جریره و بعد احوط حاکم شرع است و بعد عدول مؤمنین
اما شوهر بر زوجه دائمی مقدم است بر همه اما در
منقطعه اشکال است و رعایت احتیاط مطلوب است و

فالا بالنسبه بمملوکش مقدم است از دیگران مسئله باید
در غسل میت مماثل میت باشد مگر محارم و طفل سه ساله مسئله
واجبست غسل دادن شیعه اثنا عشری اعتقاد و گر میت
سینه یا قطعه که در آن سینه باشد و همچنین قطعه که با او
استخوان باشد [illegible] باشد
و همچنین [illegible] هرگاه [illegible] نماز کردن
مسئله هرگاه [illegible] زن [illegible] بیرون
آورد [illegible]
[illegible]
[illegible] معلوم شود
او مسئله واجبست غسل دادن میت اول باب سدر و بعد باب کافور
و بعد باب قراح و کفایت میکند او را اگرچه جنب یا حائض هم باشد
اگر با آن [illegible] هم باشد اگرچه احوط [illegible] است مسئله هرگاه ممکن نشود
غسل یک تیمم بدل سه غسل کفایت میکند و احوط سه تیمم است
مسئله اجزاء میت که سینه در آن باشد هرگاه ممکن نشود غسل

دادن آن تیمم هم بر آن ساقط است مسئله هرگاه مجروحی یا قسم جنب

ممکن نشود که میت یا میته را غسل دهند نامحرم اگر ممکن شود

در زیر پرده مثلا کیسه در دست کند و غسل دهد از جنس کنند

و الا غسلش ساقط است مسئله ظاهرا اگر در سدر و کافور دارا

بقدری که ابرا مضاف [illegible] مستحب کافیست مسئله شر

از غسل [illegible] طهیر بدن میت و [illegible] در بین غسل یا بعد

نجس شود [illegible] و غسل [illegible] اگر [illegible]

از او [illegible] اگرچه در [illegible]

کن اشته باشد [illegible] غسل نکند

هست [illegible] یک تیمم بدل آن دهند

و هرگاه سدر و کافور ممکن نشود با آب خالص بدل هریک غسل

دهند با رعایت ترتیب در نیت مسئله هرگاه میت محرم باشد

و لحیت عوض آب کافور آب خالص غسل داد او را و بو لکافور در حنوط

کند و همچنین بوهای خوش مسئله مکروه هست چیدن ناخن

میت اگرچه بسیار بلند باشد و همچنین موی او و اما هرگاه جدا شود

از او

از او واجبست در کفن با او دفن کنند و احوط غسل هم بدهند
او را مسئله کفن نوشته بقرآن یا دعا با میت احتیاط ترک نشود
جایی که آلوده بخون یا چرک میشود اما فرو خشکش جایز است
و کفن سه پارچه واجبست پیراهن و لنگ و لفافه و پیراهن از شانه
تا نصف ساق باشد و [illegible] بزرگتر دور سر تا پای
از طول بتوان [illegible] بر دوش هم بگیرد [illegible] یا رسیمان محکم
نشود هر چه ممکن میشود [illegible] ستر عورت
باشد مسئله [illegible] شد مسئله
مستحبست که [illegible] زیاد از قد
واجب بی اذن ورثه [illegible] مسئله جایز است
در حال تعذر تکفین و ستر عورت بمتنجس و حریر و هرچه که جایز
نبود در حال اختیار مگر غصبی بلکه وجوبش خالی از قوت نیست
مسئله کفن را بقدر واجبش از اصل مال میت بر میدارند اگرچه مدیون
هم باشد و کفن زن با شوهر است اگرچه در عده رجعی هم باشد
مگر شوهرش فقیر باشد یا موتشان مقارن اتفاق افتد مسئله

کفن ملوث شد لکن [illegible] پیش [illegible] باشد که با مولی
میت افتد مسئله اقوی آنست که بدل شود تا فورا
غسل نبود مثل کفن واجبست ترک کند واجبست براو کفن نباید
اقوی مسئله اقوی وجوب حنوط نمودن است بعد از غسل و پیش از
تکفین مکروه [illegible] [illegible] نمیرد جایز است حنوط کردن
مسئله [illegible] حضرت امام حسن [illegible] با حنوط مخلوط کرده
[illegible] بغیر [illegible] نبات که [illegible] میشود در زنی
وضع [illegible] [illegible] است و باید باشد تقریبا
کرماه [illegible] [illegible] باشند و از درخت خرما
انار و بید [illegible] [illegible] شهادتین بر او نوشتن
مستحب است مسئله جایز است نماز میت بر ذابه خصوص در وقتیکه
مسافت بعید باشد یا در نقلش مشقتی باشد بر حاملین او مسئله
واجبست نماز میت بر شیعه اثناعشری واجب کفائی مسلمانی
طفلی که شش سال تمام کرده باشد و کمتر از شش ساله مستحب است
اگر زنده متولد شده و احوط نماز نکردن است بر او مسئله شرکاء

یک زن هم منفرد یا بر میت نماز کند بر دیگران ساقط میشود و اما

اگر حایض باشند نماز ایشان صحیح است کمرد و صحیح جنبا باشند مسئله

شرط نیست در نماز میت طهارت از حدث و خبث و ستر عورت

اگرچه ستر احوط است بلکه اولی رفع حدث و خبث است و مستحب تیمم

بدلیه نماز میت مسئله شرائط نماز میت استقبال قبله است و قیام

با تمکن و نیت و [illegible] بودن و ستر [illegible]

خوابانیدن [illegible] و ترا [illegible]

دور [illegible] مسئله

نماز [illegible] کند [illegible] اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده

و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة الله

اکبر بعد بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی

محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلیت و

بارکت و ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید و صل

علی جمیع الانبیاء و المرسلین و الشهداء و الصدیقین

وَجَمِيعِ عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ اللّٰهُ اَكْبَرُ بعد بگویند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَ
تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُ اَكْبَرُ بعد بگویند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ [illegible] وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا
لَا نَعْلَمُ [illegible] اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا
فَزِدْ فِي [illegible] وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا [illegible] وَاغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ
[illegible] مِنْهُ فِي الْغَابِرِينَ
وَارْحَمْهُ [illegible] اما اگر زن باشد
ضمیرها [illegible] اما اگر طفل مؤمن باشد در
دعای آخر بگویند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا
وَاَجْرًا مسئله در نماز میت باید ماموم امام را عادل بداند
مسئله بی اذن ولی نماز بر میت کردن بغیر اذن هم مشکلست
وَاَمَّا بعد از نماز واجب بر میت نماز کردن مستحبست مسئله
هرگاه بعضی جاهای مستحبی نماز غلط خوانده شود که بکذم ادی

نرسد

نرسیده باطل نیست نماز میت با بعضی شخصی خوانده نشود
مستحب است مسئله اقل واجب نماز میت پنج تکبیر است بجا آوردن
همه را [illegible] بعد ترتیب بعد از تکبیر اول بگوید اشهد ان لا
اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله الله اکبر اللهم صل
علی محمد وآل محمد الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات
الله اکبر اللهم اغفر لهذا المیت و اگر زن باشد بگوید لهذه
المیتة الله اکبر [illegible] مستحب است [illegible]
[illegible] تکبیر [illegible]
[illegible]
[illegible] تکبیر
[illegible] که برسد دعا بخواند بعد دعا بگوید [illegible]
[illegible] فصل در احکام نماز است مسئله بدانکه نماز
واجب یازده قسم است نماز یومیه و نماز جمعه و نماز آیات
و نماز طواف و نماز عیدین و نماز استیجار و نماز والدین
که بر پسر بزرگ است و نماز نذر و نماز عهد و نماز یمین و نماز

نماز

احکام [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] [illegible] نجس
و [illegible] ازاله نجاست [illegible] نجس [illegible]
شناختن [illegible] شناختن [illegible] مکان نماز غصبی نباشد
جای نجس پاک باشد ولیکن بلند نباشد مگر بمقدار خشتی
که ضرر ندارد مسئله [illegible] و دو مسح کردن است
اما شرایط وضو چهارده است [illegible] ترتیب و موالات
وجود [illegible] [illegible] وضو غصبی
و نجس [illegible] مشتبه [illegible] مشتبه بنجس و غسالة
استنجا نباشد [illegible] غصبی نباشد و
موضع وضو [illegible] ظرف آب وضو
اگر بغیر است غصبی نباشد مسئله شرایط غسل هم چنین است
مگر موالات که ندارد و ترتیب که در غسل ارتماسی نیست فقط
و ستر عورت است مسئله مرد باید عورت [illegible] بپوشد و زن جمیع عورت
بدن را الا صورت و کفین و قدمین بلکه پاها هم احوط است
مسئله باید لباس متنجس بنجس و غصبی و اجزاء حرام گوشت

و هم[illegible]

و ... نباشد و از برای مردان حریر محض و طلا باف ...
حریر و طلا باف نباشد و مشبه بنفس مشبه بحس ...
بالضمان مسئله وقت نماز بر چهار قسم است وقت مخصوص
و وقت مشترک و وقت فضیلت و وقت جواز مسئله ...
نمازها [illegible] واجبات ... و ...
و سجود [illegible] ارکان
اجزای نماز [illegible]
فصل در شرایط [illegible]
[illegible]
[illegible]
مسئله هر گاه [illegible]
و میتوان مهر را و مثل آن را نزد پیشانی آورد و پیشانی را
بالا کرد و کشید بر روی آن تا آن را پیش کند مسئله
در حال رکوع زیاد تر از حد رکوع خم شود ...
مسئله اذان و اقامه در نماز ... الان ...

شرایط نماز

باشد و همچنین است حضرت فاطمه و شنیدن امام اذان
و اقامه جماعت را شرط نیست اما اذان که در میان نماز
ساقط است بنا بر آنکه کردن فاصله است تا اینکه ساقط نیست مکروه
موی است و فاطمه الاعم همراه نماز کند اگر باشد نمازش صحیح
مسئله هرگاه [illegible] بپوشد زن هرگاه در لباس
مصلی احتیاط شده باشد [illegible] اثر آنکه مسئله آداب
اگر [illegible] مصلی [illegible] شده باشد
آخر [illegible] تخفیف السلام علیکم
را واجب [illegible] تخییر را اینطور فهمید
بود [illegible] مقصد هر سه سلام
را قصد واجب کند احوط اینست که نمازش را اعاده کند مسئله
هرگاه سلام را داد و بیقین واجب انکو ضرر ندارد مسئله
هرگاه در حال تشهد یا ذکر یا قرائت دست یا انگشتهای
پا را مثلا حرکت دهد ضرر ندارد و احوط ترک است مسئله
حمل نجاست در [illegible] فان هم مثل [illegible] قراءت از روی عمد

اعادهٔ نماز است نماز [illegible] و نسیان واما اگر
از خود باطن باشد مثل خون خود دهن ضرر ندارد مسئله
حمل اجزاء حرام گوشت ومیته نجس عمداً با نماز کند او باطل
است نماز و سهواً ضرر ندارد مسئله زن در نماز محاذی
یا پیش از مرد باشد [illegible] نماز [illegible] شود اگرچه محرم
[illegible] باشد [illegible] و هرگاه حایلی [illegible] باشد
در همه [illegible]
با زن [illegible] ضرر ندارد
مسئله هرگاه [illegible] سلام نماز سابق
نداده احتیاطاً [illegible] بعد از سلام
سهو نزده و سلام نماز سابق را بدهد و احتیاط سجده سهو
بجا بیاورد و احتیاط نماز را اعاده کند مسئله کفش
نماز کند اگر ساق پا پوشیده باشد و سر انگشت شست را
در حال سجده بر زمین بگیرد ضرر ندارد مسئله هرگاه نماز
قضا بر ذمه شخص باشد نماز نافله را مثلا بر خود واجب

شکیات هرگاه بر خود واجب کرد احتیاطاً اورد مسئله
[illegible] نماز کم از یاد برده باشد ضرر ندارد مسئله
هرگاه احتیاط همراه خود نگاه دارند که صاحبش را پیدا کنند
از برای نماز ضرر ندارد مسئله شخصی بظنه قبله نماز کرد بعد
معلوم شد که [illegible] بوده اگر تقصیر [illegible]
علیه [illegible] نکرده صحیح است [illegible] مسئله شخصی [illegible]
[illegible] الفات [illegible]
[illegible]
نماز خود [illegible] مسئله [illegible] تمام کردن سوره قل
هو الله احد [illegible] مستحبست بلکه
[illegible] وارد شده است مسئله مد در قرائت
[illegible] و الف [illegible] و زیاد [illegible] از حد قرائت
بیرون برود ضرر ندارد مسئله ادغام با غنه باید صدا
در خیشوم بپیچد مثل اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و
امثالها [illegible] [illegible] [illegible]

مسئله دیوار یا سقف خانه هرگاه غصبی باشد نماز در
آن خانه صحیح است اما فرش غصبی بر روی زمین مباح نماز
بر آن باطل است اگر چه بواسطه باشد مسئله نماز وحشت
در دو رکعت اول بجای آیة الکرسی سهوا قل هو الله خواندند
ملتفت شد آیة الکرسی را [illegible] هرگاه در رکوع رفته بعد
خاطرش آمد [illegible] تمام کند و احتیاطا [illegible] کند و اگر
تمام [illegible] است [illegible] احتیاط مسئله [illegible] نماز
را فراموش [illegible] نشود از
برای صاحبش [illegible] مسئله [illegible] شخص قنوت را
فراموش کرده [illegible] بخواند و محل رد
و اگر تمام فراموش کرد بعد از نماز قضاش بخواند مسئله
اقوال متحیرا هرگاه عمدا بطمأنینه بشکل خصوصیت
بجا بیاورند احتیاطا آن نماز را اعاده کنند مسئله نماز در
زمین و فرش و لباس غصب از روی نسیان جهل بغصب
مسئله جبهه بر روی مهر رسید بی اختیار بلند شد اگر

مشغول شده باشد در سجده اول حساب کند و راست بنشیند
و نیند سجده دوم بود. و اگر دوباره بی اختیار بر مهر فرا
رسد ذکر سجده را قربة الی الله بگوید و سجده اول حساب کند
مسئله الله اکبر را هرگاه وصل بخوانند در اذکار همزه اش را
اسقاط کنند [illegible] ثابت بگذارند همچنین
الحمد لله [illegible] مسئله اسم پیغمبر شنید [illegible] صلوات فرستادن
سنت [illegible] مسئله جواب سلام طفل
ممیز [illegible] سلام تنها اگر بشنود
که [illegible] و کفایت میکند سلام
علیک در [illegible] در نماز احتیاطا
ترک کند. مسئله زن در نماز جهریه [illegible] را آهسته بخواند
بر احتیاط اگرچه نامحرم [illegible] صوت او را مسئله هرگاه در
بین نماز [illegible] السجود [illegible] اگر وقت وسعت دارد
قطع کند نماز را و الا [illegible] کند [illegible] و اگر بنا
[illegible] مثل عقیق و فیروزج و مانند اینها و اگر نباشد

بنشیند

... جمع کند مسئله ... را ...
اما اهل ... حرام گوشت فتوی ... باشد ...
بجا آورد یا سهو یا فراموش کرده نماز ... اگر در بین نماز متذکر
شوند از خود دور کند و نماز را تمام کند مسئله نجاست در
اگر از او پوشیده باشد ... اعاده یا قضا کند
اگر در بین نماز ... وقت
اگر وقت تنگ باشد که ... از خود دور کند الا نماز
... نماز ... مسئله
اگر در بین نماز ... باشد
وقت ... کند ... و میتواند
نماز از خود دور کند و تمام کند و اگر نمیتواند قطع
کند نماز را اما در ضیق وقت بطریق مذکور تمام کند و اگر بعد
از نماز عالم شود بنجاست نمازش صحیح است و اولی اعاده است
در وسعت وقت مسئله پای سر انگشت بزرگ پا در سجده بر
زمین رسد طرف انگشت و ناخن هر دو بنا بر احتیاط و گوشت

اگر زیاده از ناخن باشد ضرر ندارد و سر انگشت [illegible]
کند و اگر ناخن زیاده از گوشت باشد احتیاط بگیرد از او
برای مسح بلندی ناخن ضرر ندارد اما برای غسل اگر بلند
باشد ضرر دارد مسئله اگر گوشت سر انگشت [illegible]
انگشت [illegible] و [illegible] انگشت [illegible]
کشیده [illegible] مسئله بر روی [illegible] صحیح است
مسئله [illegible] که [illegible]
از [illegible] بعد [illegible]
[illegible] مسئله شخص نماز قضا
[illegible] که [illegible] احتیاط
و [illegible] مسئله [illegible] و نماز
مسئله نماز [illegible] بعصر و مغرب بعشا و مختص عصر بظهر و
عشا بمغرب [illegible] احتیاط است و قضا باد او قضا
که [illegible] و مستحب بواجب و مستحب
بمستحب و واجب بمستحب جایز نیست [illegible]

کردش

[illegible]

کردی و بعد نیت کند که نماز ظهر کردی عدول نتوان کرد
بنماز قضاء بلکه باطل است و نماز واجب مخیر عدول
نمیتوان کرد مگر انکه خواهی درک جماعت کنی یا نماز ظهر جمعه
یا نماز جمعه که فراموش شود جمعه یا مسافرین بخوانند بنماز
شوند دیگر نباید [illegible] لیکن مستحبی که نماز [illegible]
[illegible] قضای که
[illegible] جماعت [illegible] عدول بشود
کرد [illegible]
خواه مستحب [illegible] نماز دیگر شد
نماز دیگر چون [illegible] همان نماز
است که قصد داشته در اول عدول بجوا قصد مسئله اگر
اول نیت نماز کرد و تکبیر گفت و بعد بخیال نماز دیگر
تمام کرد همان نماز که اول قصد داشت صحیح است اگر بعد
موافق باشد مسئله اکثر متحیر و شبه ان در دست حکم محول
است بنا بر احتیاط از برای نماز کذا را تمام و خواندن جایز است

مسئله هرگاه ... نماز ... خود را ... [illegible]
نماز کند از نمازهاء ... که قرائت ذکر یا ... اینکه در اثناء
خواندن توبه الی الله اعاده کند ضرر ندارد مسئله قرائت حمد
که الحمد ... [illegible] ... خواندن میشود ... [illegible]
خشوم می افتد ضرر ندارد مسئله ... [illegible] ... حکم
رو ... [illegible] ... باشد نماز مسئله [illegible]
مرتبه ... [illegible] ... و اجاره
کردن ... [illegible] ... حلال گوشت
در جامه ... [illegible] ... هر چند [illegible]
هم داشته باشد ... [illegible] ... حرامزاده
جنبا و از خون غیر همراه مصلی بودن ... [illegible] ... مسئله
هرگاه ذکر کبری زاد در رکوع یا سجود هرگاه سه مرتبه بگوید
یقین واجب یک مرتبه لازم نیست بقصد قربت کفایه میکند مسئله
هرگاه نمازی را جمعی ... [illegible] ... لباس نجس ... بشوند
و نماز کنند غصب است نماز شان باطل است مسئله نماز

اعتبار ندارد و موسع بر ذمهٔ شخص باشد نماز مستحبی میتوان
کرد مسئله در نماز مستحبی شخص عمداً اگر رکعت سیم است
یا آنکه سلام داده و برخواسته این رکعت را نماز بعدا
برابنشیند و سلام نماز بدهد باید مسئله هرگاه شخص
بلی [illegible] در [illegible] و [illegible] نمازش باطل
مسئله هرگاه [illegible] مشغول داشته باشد [illegible] نماز ترک
شود آن اگرچه [illegible] باطل است مسئله هرگاه
شخص سجده [illegible] یک سجده بکند
و رکوع این رکعت [illegible] از سجده از رکعت
پیش قرار دهد و اگر [illegible] سجده [illegible] نشسته اگر
بعد از سجده دوم نشسته و قرار بگیرد و برود به سجده بعد از
نماز سجده سهو از برای هر زیادتی احتیاطاً بجا بیاورد و اگر
در سجده دوم بخاطرش بیاید سر بردارد و نماز را تمام کند
و از برای یک نشستن زیادی سجده سهو احتیاطاً بکند و نماز را
احتیاطاً اعاده کند مسئله جوراب که ساتر نبوده باشد مرد

وجه زن نماز با آن همه بنا بر احتیاط اگرچه چیزی بغیر
روی آن هم بپوشانند و همچنین غیر جوراب نیز حکم را دارد
مسئله در نماز مستحبی هرگاه طمأنینه و شرائطش [illegible]
بالتمام بجا نیاورد باطل است مسئله هرگاه بیرون کرد شخص نماز
و شرائط نماز را [illegible] باطل است [illegible] واجبست اورا
ارشاد کند [illegible] باید امر بمعروف کند [illegible] شرائط مسئله
نماز [illegible] مغرب مثلاً
کرد مسئله [illegible] معلوم شد که
قضا شده بود [illegible] قضایش را بکند و
همچنین عکس [illegible] مسئله [illegible] باشد شخص نماز
مثلاً بر بوریا سجده کند یا او ضرر سجده کند و همچنین
بی [illegible] ساختن در خفا مسئله هرگاه شخص نماز صبح نکرد
نماز صبح را گر بعد شود و وقت نماز ظهر باقی است نماز ظهر
را بکند و ترتیب مطلقه بجا آورد ضرر ندارد و همچنین نماز
ظهر و عصر را مسئله هرگاه در قرائت مثلاً حرفی را غلط

کند

[illegible] نماز [illegible]

اتمام [illegible] بجا آرد [illegible] احتیاط [illegible]

بعد سجدتی سهو از برای زیادتی بجا بیاورد احتیاطا مسئله

هرگاه شک دارد که پنج رکعت بجا آورده یا چهار اول نماز

ظهر را بجا آورد و اما [illegible] اگر در نماز

[illegible] کند که [illegible] یا عصر نماز ظهر [illegible] مسئله

در سجده [illegible] شک [illegible]

[illegible]

و غیره را بیرون کردن [illegible]

مسئله هرگاه شخص [illegible] داده

و بنماز عشا مشغول شد در رکعت اول بخاطرش آمد نماز رکعت

سیم مغرب را ترک کرده اگر در رکوع نباشد قطع کند و بهمان

هم اکتفا کند و تمام کند و اگر در رکعت دویم باشد تا رکوع

نرسیده فرو نشیند و تمام کند و اگر برکوع رسیده باطل است

این و اما آن رکعت نماز را بجا بیاورد و احتیاط در نماز

صورت اعادهٔ نماز است و همچنین نماز و غیر مسئله
هرگاه شخص پیشانیش بمهر نرسید که از خاک شفا [illegible] نتوانست
بجا نیاورده برخیزد روا است یا نه بلند و بر رود برکوع و بعد [illegible]
نمازش را اعاده کند و اگر سجده و رکوع اسم و ذکر را فراموش
کرده میتوان [illegible] احتیاط نماز را اعاده کند
[illegible] و بعد از اتمام احتیاطا
اعاده کند [illegible] مسئله [illegible] چهار رکعت باشد
[illegible] وقت مخصوص
است [illegible] عصر را هم احتیاطاً قضا
کند [illegible] واجب کرده پیش از نصف
شب نمیتوان کرد اگرچه خوف بیدار شدن هم داشته باشد
و اگر همچنین معلوم نیست که وقت تنگ است تیمم کرد و نماز کرد
بعد معلوم شد که وقت باقی است احوط این است که اعاده
کند و اگر شش رکعت کرده مثلاً که صبح شد باید اتمام کند
باکی نیست مسئله هرگاه ضعیفه جز لباس نجس پوشیده را

جایز ندارد و نامحرم حاضر است یا همان لباس نماز کشف
مسئله قطع نماز بجهة دفع غیبت یا غنا یا حرامی دیگر یا قدرت
جایز است و بجهة ضرر کلی مالی واجبست و بجهة ضرر جزئی
جایز است مسئله هرگاه کلمه مثلا از حمد یا سوره غلط خواند
شود و بتکرار متضرر نمیشود [illegible] تکرار کند تا بشک
برسد و اگر [illegible] باشد [illegible] قضا کند و
مسئله شخصی [illegible] سجده کرد [illegible] رکوع نبود
پس [illegible] سجده [illegible] و بعد
دو سجده سهو [illegible] در رکوع دیگر
سجده کرد [illegible] دو سجده سهو
نخواهد مسئله هرگاه شخص اهمال کند در شرایط و اجزا
نماز و طمانینه نماز را ضایع نمود مثل تارک الصلوة است اما
در حکم تارک الصلوة نیست مسئله هرگاه شخص بعد از نماز
شک دارد که نجاستیکه در بدنش بود شسته است یا نه نمازش
صحیح است و از برای نماز بعد ازاله کند و احوط اینست که

آن نماز هم را اعاده کند مسئله جائیکه شخص احتیاطًا باید نماز
را اعاده کند اگر وقت نماز بعد شک باشد اول نماز بعد را
بجا آورد واحتیاطًا از اقضا کند واگر بقدر پنج رکعت وقت
باشد هر دو را ادا کند هم چنین است نماز احتیاط از برای شک
مسئله شخصی [illegible] باید اعاده کند باحتیاط [illegible]
هرگاه [illegible] اعاده نکند با وسعت وقت و نماز بعد را اعاده
کند [illegible] هرگاه جای خود
باشد [illegible] نجاست خود را
نماز با [illegible] آن [illegible] باشد
نماز با آن [illegible] شدنش مسئله هرگاه
بعد از نماز دوم یقین کرد که یک رکعت از این دو نماز کم شد
و نداند از کدام نماز است احتیاطًا یک رکعت دیگر بقصد ما فی
الذمه بجا آورد اگر بعد از نماز دوم منافی بجا نیاورده باشد و
هر دو نماز هم را اعاده کند مسئله در آخر وقت اگر شخص وضو یا
غسل کند یک رکعت نماز درک مینکند و اگر تیمم کند چهار رکعت

[illegible] وارد هر دو را

بگیرد بعضی [illegible] و [illegible] نماز را [illegible] مسئله اگر
در [illegible] بیشتر که نماز و دیگری نماز برای ترتیب شرط است اگر از
وی همه را یک بار برای هر نمازی و بعضی اقوی نیامده است دون
بجا آورد پس شرط اعتبار ندارد مسئله هرگاه شخص نیم
را بشکند پیش از آن که [illegible] ملتفت
شد رجوع کند به نماز [illegible] الا [illegible]
را دوباره بگوید مسئله [illegible] الا [illegible] قبله [illegible]
مثل تکبیر و حمد و سوره [illegible] سلام [illegible]
[illegible] الا آنکه فوت شود در [illegible] مسئله
نماز که اگر [illegible] فوت شود [illegible]
اگر مثلا [illegible] بجا آورد [illegible] نمازش باطل
مسئله نماز جبیره واجب نیست ترتیب و احتیاط جمع افضل در
نیت است مسئله هرگاه شخصی بخواند که چه نماز نیت کرده است
دارد بجا آورد بقصد ترتیب کفایت میکند و لازم نیست تفصیل
اجزاء نماز را بداند بلکه کفایت میکند تصور اجمالی مسئله اگر

نیت

شخص اکمل نماز را قصد واجب کند و اجزاء را اکر بعمد اند و یا
یا غصب انرا بقصد قربت بجا آورد ضرر ندارد مسئله اکر شخص
خواب نماند یعنی از افعال صلوة را و کیفی انرا تعلیم کند و او
متابعت کند صحیح است نمازش و اما نیت باطل او وردن صحیح است
اکر واجب ترک شود [illegible] از نماز و چه بترتیب نماز
چه در [illegible] در کل ان وجه [illegible] وجه در مستحبات
باطل [illegible] اکر [illegible] هم باشد [illegible] در اوصاف صلوة
هم باشد [illegible] مسئله هرکاه اصل قصد قربت
باشد در [illegible] بقصد تنبیه و اعلام
غیر خصوص [illegible] ضرر ندارد مسئله
اکر در نماز مثلاً برخیزی یا بنشیند بجهة تعظیم غیر و بقصد اجزاء نماز
باطل است مسئله عجب در ریاء بعد از نماز مبطل نیست نماز لکن حرام
است مسئله هرکاه شخص قصد کند قطع نماز را و پیش از اوردن
فعلی از صلوة یا منافی ان قصدش برکشت یا مردد شد یا معلق
کرد خروج نماز را بامری مثل انکه اکر فلان امد در زمان بعد

قیام

منافی طمأنینه و عمد ذکر بعض از فعل منافی و [illegible]
بعد از نماز اختیاراً باید از تمام اعاده آن نماز است مسئله
قیام است مسئله اما قیام واجب رکنی نیست بلکه در حال
تکبیرة الاحرام و در قیام متصل برکوع و قیام واجب غیر رکن در حال قنوت
در حال قرائت و بعد از رکوع و [illegible] و اقامه
مستحب نماز کردن [illegible]
بین و قف حرکات [illegible] واجب [illegible]
مراد از قیام [illegible]
[illegible] اختیاراً [illegible]
قیام صدق کند والا [illegible]
بقیام بر نشستن و اگر درست نتواند بنشیند تکیه کند و اگر نتواند
بپهلوی راست بخوابد رو بقبله و اگر نتواند به پشت بخوابد پا بقبله
مسئله اگر امر مردد شود میان ایستادن بدون قرار و نشستن با
قرار باید ایستادن را مقدم دارد مسئله هرگاه قیام براه رفتن را
نتواند و نشستن بغیر از آن نشستن را اختیار کند مسئله اگر کسی نماز

[illegible]

مرو اثنا اعاده بکند اینها را مقتدی را در جائی که عاجز شود
و اگر در بعضی قراءت باشد ساکت شود و قلیل نیست تو اول کرد از
با شروع کند به قرائت و چنین اگر نشسته باشد و نتواند برخیزد
برخیزد و اگر قرائت را تمام کرده باشد قیام را بجا آورد و تکبیر
[illegible] است که بر خاطر [illegible]
کند [illegible] بالنسبه بخود [illegible] و آخر [illegible]
[illegible] علا [illegible]
و اگر [illegible] کلمه [illegible] باطل است فصل در
تکبیرة الاحرام است [illegible] اگر شد پس [illegible] کرده تکبیرة الاحرام
تکبیرة الا [illegible] اگر قصد نماز دیگر
کرده شود سهوا یا جهلا اعاده کند نماز را بعد از اتمام و باید بگوید
الله اکبر را بگویند بدون اشباع و حروف را از مخرج و اعراب را ادا
بکنند و با ترتیب و موالات باشد و همزه اکبر را ثابت بدارد و الله
را مشدد کند و احوط تفخیم کردن لام و رواست و مد ندادن لام الله
اگر چه جایز است بنا بر معتبر بودن عرب باشد و واجب است قیام تا آخر

بلکه پیش از او هم بجهة ذی المقدمه وکسیکه درست نمیداند حمد [illegible]
یاد بگیرد و عاجز نیست نماز کند پیش از تنگی وقت باشد یاد کیرد
اگر یاد نگرفته [illegible] قرائت [illegible] واجبست در دو رکعت اول
فریضه بعد از حمد یک سوره تمام غیر از چهار سوره سجده و سوره طولانی
که [illegible] وقت فوت شود [illegible] واجب میشود [illegible]
مثل اینکه وقت [illegible] سوره سجده در نماز
[illegible] سجده کند ونماز را تمام [illegible] نماز [illegible]
[illegible] احوط [illegible]
[illegible] الضحی
والم نشرح [illegible] لایلاف [illegible]
جزء سوره است [illegible] بسم الله [illegible]
باشد سوره واگر سوره معتد بمنظور بش باشد یا غیر سوره منعینه
بخواند نمازش باطل است مگر آنکه سهوا سوره دیگر شروع کند
چون متذکر شد برگردد اگر [illegible] همان سوره را بخواند
والا بسم الله را دوباره بگوید بلی اگر در بین سوره ملتفت شود

تعیین نکردن سوره را در حال بسم الله بجهة غفلت ضرر ندارد
همان را تمام کند مسئله جایز است عدول از سوره بسوره تا از نصف
نگذشته مگر سورهٔ جحد و توحید بل در حال اضطرار مثل آنکه
کلمهٔ یا آیهٔ را فراموش کند از آن سوره میتواند عدول کند مطلقا و
عدول از سورهٔ جمعه و منافقین [illegible] بنا بر تفصیلیکه دارد
در محل خود مسئله [illegible] بر مرد جهر [illegible] سوره حمد
دو رکعت اول [illegible] صبح و مغرب و عشا و در [illegible] ظهر و عصر باید
آهسته خواند [illegible] هم در
احوط اخفات خواند [illegible] نشود مسئله
مرد در جماعت [illegible] واند جهر را
و اما جهر ظاهر شدن صوت است و اخفات ظاهر نشدن صوت است
اگرچه دیگران بشنوند یعنی صوت را و اگر کسی نسیانا جهر یا اخفات را
خلاف خواند هر جا که خاطرش آمد بحال خود بخواند گذشته اش
ضرر ندارد و اگر عمدا جهر را اخفات بخواند یا عکس نماز را اعاده
کند مگر کسیکه جاهل بحکم باشد نه موضوع و متنبه بسوال

بلشد

نباشد بخواند از برای او مسئله مستحب جهر خواندن قرائت
نماز جمعه و بسم الله حمد و سوره در دو رکعت اول ظهر و عصر
مسئله در دو رکعت یا سه رکعت آخر شخص اختیار دارد میان
خواندن تسبیح اربع و حمد تنها اما تسبیح افضل است و سه مرتبه
باید خواند بنا بر احتیاط و عدول [illegible] بعد از آنکه شروع کرده
بدیگری خالی از قوت نیست [illegible]
بجا کرده باشد یا بجا [illegible] بوده و حمد بزبانش [illegible]
عدول کن بتسبیح [illegible]
[illegible]
قرائت و سایر اجزای نماز [illegible]
صلاح بحرفی یا حرکت بنائی یا اعرابی یا مد واجبی یا تشدیدی
یا بدل کند حرفی را مثل آنکه ذال را زا یا آنکه صاد را سین بگوید
یا حرفی بغیر مخرجش بگوید یا آنکه همزه وصل را ثابت بگذارد
و همزه قطع را ساقط کند یا اخلال بموالات و ترتیب کند میان
آیات و کلمات و حروف باطل میشود نماز بلکه اقوی و احوط

اجتناب وقف بحرکت و وصل بسکون [illegible] و [illegible] آنچه

بکی از قراء سبعه خالی از قوت نیست اما اشهر آنست [illegible]

قرائت مثل قم و رقق و تفخیم و اشباع و غیر آنها مستحب است

کردن تنوین و نون ساکنه بحروف یرملون [illegible]

با غنه اش مسئله [illegible] رسانند [illegible]

نزد اهل [illegible]

درست [illegible] لا الا اگر نتواند [illegible] وقت [illegible]

باشد [illegible] او [illegible] است و اگر ممکن

بدل [illegible] خودش [illegible]

فصل دویم در رکوع [illegible] است [illegible] چیزی

کف دست بر سر زانو برسد با قدرت مسئله هرگاه شخص نتواند

خم شود بقدری که کف دست اگر چه بعض آنها باشد بزانو برسد بکم

چیزی کند و اگر آنهم نتواند بسر اشاره کند و اگر آنهم نتواند بچشم

اشاره کند و ذکر رکوع یکمرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده یا سه

مرتبه سبحان الله با طمانینه کفایت میکند مگر در ضیق وقت [illegible]

وقت

وقت کردن بنماز آنچه کفایت میکند نشسته رکوع نشسته خم شدنست
تا صورت برابر زانو برسد و افضل برابر شدن تا صحیح بجای آید
و اگر شخص از برای امر دیگر خم شد بعد رکوع خواسته باشد نشود
حساب کرده نمیشود و اگر شخص منحنی باشد تا حد رکوع باید که بجهت
رکوع زیادتر کند با اشاره [illegible] اگر شروع کرد
سهوا پیش از [illegible] رکوع یا پیش از [illegible] بعد از قرائت
کردن دوباره [illegible] اگر [illegible] است [illegible] نکند
[illegible] از [illegible]
[illegible]
کرده است در حال اختیار [illegible]
غیر از خوردنی با [illegible] اگرچه در حال مرض [illegible] اگرچه پوست یا
میوه یا میوه نارس [illegible] باشد و همچنین پوشیدنی حتی [illegible] و کتان
و پنبه [illegible] که لباس میکنند احتیاط دارد اما کاغذ که
اصلش از حریر نباشد و چیزی که از آن نباشد که سجده بر آن صحیح نباشد
و اگر ممکن نباشد میتوان سجده کرد بر او و اگر آنها میسر نشود

بر کل وضع جبهه پیشانی کند اگر کل جبهه بجبهد مرفعه
باید بمالد کرد تا اگر اینهم ممکن نشود بر لباس معمول الزینه یا تا[illegible]
اگر اینهم ممکن نشود بر متعارف مثل ضعو زنج و غیره و اگر اینهم ممکن
نشود بر پشت دست سجده کند مسئله اگر پیشانی بر چیزی نجس [illegible]
وان هیچ شی سجده [illegible] بما یصح السجود علیه [illegible]
در قدر احتیاطا [illegible] اکثر ذکرنا
کشته باشد [illegible] مسئله باید [illegible]
بعض [illegible] موضع
بر زمین با جبهه [illegible] ذکر نشود
مسئله موضع جبهه [illegible] بلند تر و پست تر
از موضع ایستادن باشد تا شش موضع دیگر پست و بلند تر نیز
و ذکر سجده هم مثل ذکر رکوع است مگر در ذکر کبیر که سبحان ربی
الاعلی و بحمده است مسئله اگر پیشانی بسبب دملی نتواند بر زمین گذاشت
بجبهه جراحت و غیره گودی بکند که اطراف پیشانی بر زمین برسد و اگر
اینهم نشود جبین را بگذارد و احوط مقدم داشتن جبین راست است

فاکر

و اگر اینهم ممکن نشود رفع را بکند از دو و اگر اینهم ممکن نشود ختم شود

بعد از اکتفا در جای جبین را بلند کند و جبین گذارد و اگر ممکن نشود ایما کند بسر [illegible]

ایما کند بچشم احوط آن است که [illegible] بر پیشانی برساند

با امکان بگذارد موضع دیگر را [illegible] که [illegible] زمین بر پیشانی

آنچه [illegible] اگر چه [illegible] بعد از سجده اول

و اگر [illegible] مسئله باید [illegible]

را تمام [illegible] اصلا [illegible]

بالمانعه [illegible] کند تا

احتیاط [illegible] مستحب

اگر السلام علینا [illegible] واجب میشود و بعد

گفتن السلام علیکم مستحب است و اگر السلام علیکم را میگوید تمام

را بگو احتیاطا اگر چه واجب میشود و بعد از آن السلام علینا را

گفتن مستحب نیست مسئله صحیح است نماز زن در لباسی که زی

مردانست و همچنین مرد در لباسی که زی زنانست اگر چه پوشیدن

معصیت است و احوط اجتناب است در نماز مسئله اجزاء حرام

ایما کند بسر اگر ممکن نشود

گوشت باشد نماز در آن اشکال است و پوست [illegible]
در عرف خز نامیده شود اشکال است و در کلاه و عرقچین حریر
و مثل اینها که ملبوس باشد نماز در اینها اشکال است مسئله اگر
جامه مرد، حریر باشد اشکال است و همچنین سجاف جامه و اینها
انگشتر [illegible] اشکال است مسئله حریر در جامه اشکال است
اما لبس اینها از برای مرد [illegible] مسئله اگر [illegible] محمول حریر
یا [illegible] اشکال اگر حریر [illegible] باشد مسئله
هرگاه [illegible] نگاه [illegible] عورتش [illegible] شد
و نماز کند [illegible] و زنها [illegible] و نماز کنند
با رکوع و سجود [illegible] با کف دست [illegible]
کند اولی و با ایما نماز کند اگر نگاه کننده نامحرم نباشد اما اگر
باشد ناظر نامحرم نشسته نماز کند و از برای رکوع و سجود ایما
کند و از برای سجود زیادتر ایما کند به نحوی که عورتش ظاهر
نشود و شش موضع را با قدرت بر زمین رساند و جای سجده
را بلند کند با قدرت که پیشانی را بر ما یصح السجود علیه گذارد

مسئله

مسئله اگر آدمی بترسد از نماز ظاهر بر خود و یا بر کودک الی پنهان شود و زنان
مثل آدمی از ناظر و نماز کند بعد اگر بیابد آب لازم نیست یا اگر دری با
شورت خود را در آن پنهان کند با رکوع و سجود اگر بتواند نماز
کند و اگر نتواند با ایما برای رکوع و سجود نماز کند فصل در بیان وقت
نماز است مسئله وقت ظهر از زوال آفتاب است و زوال
شناخته میشود بعد [illegible] مثلا اگر [illegible] کشیده شود
[illegible] و اگر [illegible] بعد [illegible] ظهر
بشود [illegible] نماز
[illegible] است [illegible]
نماز ظهر اول از زوال [illegible] از شاخص
بعد از شاخص شود و افضل است بجا آوردن نماز ظهر در وقتیکه
سایه شاخص که قامت آدمی است یک قدم کرده و سبع
است زیاد شود که یک ذراع میشود مسئله اول وقت فضیلت
عصر اینست که سایه زیاد از شاخص مثل شاخص شود بنا بر اظهر
و آخرش اینکه سایه زائد دو مثل شاخص شود اگر چه قوی آنست

اول فضیلت نماز عصر تا اوّل زوال زاید و بنگر سایهٔ هر شاخص ابجا
قدم زیاد شود مسئله وقت عصر دو وقت است یکی پیش از فضیلتش
تا آخر وقت و وقت اجزائی ظهر یکوقت است بعد از فضیلتش تا
آخر وقتش مسئله وقت مختص مغرب اول مغربست تا بقدر یکه نماز
[illegible] تا بعد از نماز عشا تا نماز
مغربست شود از وقت مختص بما است بلی این وقت وقت اختیار
[illegible] یا عند دیگر را
[illegible] صادق و این وقت مختص نماز
عشا بود [illegible] مغرب اوّل مغربست تا سرخی
برطرف شود و بعد وقت فضیلت عشاست تا ثلث شب مسئله وقت
اجزائی عشا دو وقتست یکی پیش از فضیلتش و یکی بعد از فضیلتش
تا آخر وقتش و وقت اجزائی مغرب یکوقتست بعد از فضیلتش تا
آخر وقتش مسئله وقت فضیلت صبح اوّل صبح صادقست تا سرخی
مشرق ظاهر شود و بعد وقت اجزائیش تا طلوع آفتاب است
مسئله اگر از برای هر نمازی بقدر یک رکعت از وقتش باقی باشد

[illegible] بعد از فضیلتش

اگر مشغول شوند بقصد ادا یا ترتیب مطلقه مسئله باید
کسانیکه مقدم نمازند چه بوقت داشته باشد و مشغول نماز ثانی
و اولی آنست که بشهادت عدلین میتوان اکتفا کرد و بخبر عدل
اکتفا نمیتوان کرد اگرچه عادل و نمازشب بوقت هم باشد مسئله
صاحبان عذر مثل کور [illegible] باشد مثلا
منتظر میشوند [illegible] اگرچه افضل و احوط الحاق است تا علم
حاصل شود و [illegible] ضرورت [illegible] و غیره
شود [illegible] اگرچه همین
تا [illegible] واجب باشد [illegible]
[illegible] بعضی نماز
در وقت شده باشد و غافل تمام اتمام وقت که بعد از نماز ملتفت
شود پس اگر تمام نمازش در وقت واقع شده صحیح است و همچنین
جاهل بحکم اگر بقصد قربت نماز را بجا آورده باشد مسئله اگر
در بین نماز متوجه غافل و وقت معلوم نباشد باز اعاده کند
و احوط تمام کردن و اعاده است مسئله افضل آنست که قدر

را در اول وقت فضیلت آن بجا آورند مگر نماز عصر روز جمعه
و روز عرفه که سنت است بعد از نماز ظهر بجا آورند و تعجیل
تأخیر نماز مغرب و عشا [illegible] مشعر رفتند با جماعت که ما یا امام
دیگر یا حضور [illegible] باشد یا کسی که مسافر [illegible] باشد یا
صائمی که منتظر [illegible] یا کسی که دیگران منتظر او
باشند یا مستحاضه کثیره که بیک غسل [illegible] و نماز کند یا مربیه
طفل [illegible] و شبانه روزی یک
دفع [illegible] و قضا دارد تأخیر ادا
تأخیر [illegible] است بل تأخیر اینها مستحب است
و اما کسی که عذری دارد و امید بر طرف شدن عذر است و
تأخیر نماز او از اول وقت افضل در قبله است مسئله معتبر در قبله
بر صدق استقبال قبله است پس ضرر ندارد بعضی اجزای بدن
بیرون باشد از قبله که منافی با صدق استقبال نباشد از برای
بعید و از برای بعید آنچه افاده علم کند باستقبال کافیست میکند
مثل محراب و مثل آنکه معصوم در آن نماز کرده باشد و علامتها

که اشاره بستاره جدی کرده است آنرا شاه جدی کویند اهل
اواسط عراق مثل کوفه و بغداد و غیرها در پشت منکب ایمن
کنند و اهل [illegible] برابر کوش راست نهند و شرق عراق
مثل بصره و [illegible] کوش راست و غرب عراق مثل موصل و دیار
کنند و اهل شام در پشت کتف [illegible] اهل یمن ما بین
دو چشم و اهل مصر [illegible] راست و اهل حبشه [illegible]
[illegible] و بلاد [illegible]
[illegible] میباشد [illegible]
[illegible] ایشان
باشد اما با علم ممکن [illegible] نکند
مسئله هر کاه ممکن شود علم و امارات شرعیه بالجهة [illegible] تمام
عمل بآنها میکنند اکرچه بقول کافری ظن حاصل شود از علامه
و اکر قبله این خبر بدهند و اجتهاد خودش خلاف ایشان باشد
وجوب دو نماز کردن خالی از قوت نیست و اعتماد کرده میشود
بر قبله بلاد مسلمین در صلوة ایشان و قبور ایشان و محرابهای

ایشان نماز میکند نماز ایشان باطل [illegible] ایشان خلف مسئله هرگز
شخصی نماز کرد از بعضی که مأمور بان بود باعتبار خلفه یا شک
وقت نیز ظاهر شد خطاء او بعد از نماز اگر نماز شرقا بین یمین و
یسار او افتد صحیح است و اما اگر در بین نماز بفهمد منحرف شد
بسمت قبله دگر [illegible] کند نماز او صحیح است
حکم ناسی جاهل بحکم که قاصر باشد اما آن مقصر باشد الحق
بحکم عامد [illegible] مسئله [illegible] معلوم شود
پشت [illegible] اگر [illegible] مشرق یا مغرب
بوده احتیاطا [illegible] همچنین است حکم هرگاه
ظاهر شود [illegible] مسئله هرگاه شخص
کند باستقبال [illegible] از جهت [illegible] اگر وقت
و در خارج وقت میسر نباشد اشتباه او [illegible] اگر
کند بران خروج از اثم استقبال مسئله هرگاه مال کسی در
زمینی افتد و وقت تنگ باشد شخص در حال بیرون رفتن
از او بطرف نماز کند و اگر با اذن مشغول نماز شد [illegible]

بر وی ضرر عظیم یا و میشود به بریدن تو واجبست بر وی
حال خروج نماز را تمام کن واو در وسعت وقت هم مسئله اگر
بینهان هم از بیم کرد اخیست و مشغول نماز شدی بعد حق
کرد را اگر وقت وسعت دارد نماز را قطع کن و برو و اگر در حال
رفتن تمام کن و بعد استفاده کن [illegible] اگر وقت تنگ
در حال بیرون رفتن [illegible] نماز را [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مسئله
[illegible]
[illegible] است کرده باشی
[illegible] باشد [illegible] است باشد [illegible]
[illegible] سهوا [illegible] مغرب [illegible]
مسئله [illegible] حرف [illegible] مسئله قهقهه
خنده با صدا [illegible] اگر جبر کند در دل [illegible]

جایز است مسئله بکاء از برای امر اخروی که از خوف نار و شوق جنت

باشد عمداً ایضاً گریه بر سید الشهداء بی اختیار ضرری ندارد اما

باختیار در آن تأمل است مسئله منافی صلوة عمداً و سهواً [illegible]

کردن کار از صورت نماز که از بیرون رود شخص مسئله اکل و شرب

خوردن و آشامیدن [illegible] مسئله امین بعد از ولا الضالین

گفتن [illegible] سکوت نماز [illegible] علی الاحوط مسئله

شک [illegible] مسئله [illegible] نماز چیزی

[illegible] سهواً و واجب

رکن عمداً [illegible] مسئله بعضی فوت شود — نماز آیات

بجا آوردن [illegible] هرگاه شخص

از برای میت بجا آورد چنین نماز را ترتیب کند مسئله معنی از نماز

آیات آن است که نیت کند و تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند

رکوع رود بعد از ذکر رکوع راست شود و حمد و سوره بخواند

و مستحباً قنوت بخواند و رکوع رود و بعد از ذکر رکوع راست شود

باز حمد و سوره بخواند و رکوع رود چون راست شود حمد

[illegible]

و سوره

و سوره بخواند با قنوت و در رکوع رود چون راست شود باز حمد
و سوره بخواند در رکوع رود و بعد از راست شدن از رکوع بگوید
سمع الله لمن حمده [illegible] پس برود [illegible] بعد از دو سجده
[illegible] اول است مگر قنوت که پیش از رکوع
[illegible] مستحب است [illegible] سمع الله لمن حمده بعد از رکوع
[illegible] مسئله قنوت
[illegible] اما [illegible] پیش از رکوع
بخواند و در رکوع [illegible] نماز را
[illegible]
[illegible] در رکوع تکبیر
[illegible] بعد از رکوع [illegible] سمع الله [illegible] مسئله
نماز آیات هر یک به دیگری میتوان اقتدا کرد و لازم نیست که اعلام
کند امام مأمومین را که چه نماز است مسئله در نماز جماعت
مسئله هرگاه شخص قضاء یقینی ندارد و میخواهد احتیاطا بجا
بیاورد بجماعت میتواند کرد بلکه امامت هم میتواند کرد و اعلام

هم شرط نیست تا نوبت امامت خودت مسئله هرگاه مأموم الثغ

ازین را سه مرتبه باید بخواند و امام یکمرتبه بخواند اقتدا باو کند

و اگر امام سه مرتبه بخواند اگرچه یکمرتبه هم واجب باشد که

اقتدا کردن باو ضرر ندارد مسئله مأموم در رکعت چهارم اگر

بنشیند که در رکعت سیم و [illegible] فاصله شدن عمق

نمازش صحیح است [illegible] ولی عمداً [illegible] مسئله هرگاه شخص

ایستاده [illegible] رد کرد [illegible] اقتدا کرد [illegible] ظاهر است

براو همان [illegible] رکوع [illegible] قصد فرادا

کند یا عدولا [illegible] ذمه ندارد و تمام

کند مخیر است [illegible] مسئله هرگاه مأموم عمداً

پیش از امام سر از رکوع یا سجده بردارد و باز برگردد عمداً بجهة

متابعت نمازش باطل است بلکه دو رکعت بطلان اگر برگردد

سهواً و زیادتی رکن شود مسئله اقوی استیناف نماز است

در صورتیکه رکوع کند پیش از امام عمداً در حالیکه امام

مشغول قرائت باشد و همچنین اگر مأموم پیش از خواندن ذکر

رکوع

مسئله هرگاه شخصی نماز ظهر یا عصر را بامام اقتدا کند بقصد اینکه [illegible]
در دو رکعت [illegible] خواند [illegible] و دو نماز عصر [illegible] با امام اقتدا کند [illegible] نماز او

مسئله نماز را استیناف کند بردارد سر از رکوع چه سر از رکوع

سزاوار است از برای ماموم در نماز جهریه که صوت یا همهمه

امام را بشنود سکوت کند بلکه احوط از برای او است

بالمشافهه باشد در حال قرائت امام هرچند اقوی عدم وجوب

مسئله هرگاه شخص بداند که اگر اقامت ... را تمام نمیتواند

کرد احوط اینست که ... امام رکوع رود او تکبیر بگوید

و در رکوع رود مسئله هرگاه شخص در نماز نافله ... جماعت

برپا شود و بترسد ... احتیاط

از برای او قطع نافله ... مسئله

دور بودن ماموم ... ملحق شود

زیاد از یک ذراع شاه تقریبا نباشد مسئله ماموم در رکعتی که قرائت

امام میخواند قصد قرائت کند مخیر است تا حمد را از سوره کرده

بنا بر احتیاط اگرچه امام در سوره هم باشد مسئله هرگاه امام

تسبیح اربعه را سه مرتبه میخواند اما ماموم میداند که نمیتواند

سه مرتبه بخواند اقتدا کند ضرر ندارد و زیاد از یک مرتبه

تسبیح قرحه بسر رسد بخواند بنا بر احتیاط مسئله امام که مشغول
نافله نشسته باشد و اذان از برای نماز شروع کند ضرر ندارد
مسئله هرگاه شخص ندانست که رکعت چند است اقرار دو
را قومه الی الله بخواند رکعت ثانی [illegible] حمد [illegible]
بخواند اگر حمد [illegible] رکوع رفت [illegible] اگر رکعت
چهارم [illegible] اعاده کند بعد از اتمام مسئله
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بخواند که تا امام به تسبیح
فت برسد بنا بر احتیاط مسئله اگر ماموم مسبوق فراموش کرد
حمد و سوره را امام که برکوع رفت ملتفت شد متابعت کند و
احتیاط نماز شرا اعاده کند اما سجده سهو نخواهد مسئله
هرگاه ماموم در رکعت سیم یا چهارم فراموش کرد تسبیح اربع را
وقتی بخاطرش آمد که امام برکوع رفت اگر میتواند یکمرتبه بخواند

برکوع

برکوع امام برسد و اگر نمیرسد یا قصد قرائت کند یا تکبیر نه بخواند
و رکوع رود و سجود با امام برسد و احتیاط نمازش را اعاده کند
یا تسبیح بخواند متابعت کند و بنا بر احتیاط نماز را اعاده کند
مسئله هرگاه ماموم با امام حمد و سوره بخواند اخفات بخواند اگر
چه جهریه باشد و باید اهل جماعت به ترتیب تکبیر بگویند خواه
صف اول باشد [illegible] ملحق نشود یا
[illegible] مسئله [illegible] سوره
[illegible] را نشنود خود
بخواند [illegible] کرده امام
رود او هم [illegible] احتیاطش میباید بخواند
هرچه میرسد وارد میخواهد بخواند حتی اگر امام را بشنوند
نخواند ضرر ندارد و اگر عمداً هم نخواند ضرر ندارد و اگر بشنود
چون امام را گوش کند اولی است و اگر اخفاتی باشد ذکری
بگوید و اولی سبحان الله گفتن است و اگر قرائت بخواند کراهت
ندارد مسئله نماز نافله را قطع میتوان کرد که فریضه را بجماعت

اقتدا کند و هرگاه شخص فریضه را فرادا یا بجماعت کرده باشد

مستحبست بجماعت اعاده کند بشرط آنکه قضاء یعنی بر ذمه نداشته

باشد مسئله ماموم در غیر رکعت اول هرگاه میداند که برکوع

میرسد که امام را نشسته خود در رکوع رود و در سجده با امام برود

اگرچه در سجده [illegible] همچنین است در رکعت اول

اگر [illegible] امام [illegible] در امضور فقط فرادا

با [illegible] امام اعاده است مسئله اگر [illegible] اما شخص سهواً

و [illegible] بگوید و دو سجده

سهو [illegible] نماز را احتیاطاً

نماز را [illegible] نماز را امام تمام نکرده که

اقامه بگوید زیرا که نماز بعد ضرر ندارد مسئله هرگاه در مسجد

وارد شود که یک امام راتب دارد نه متعدد و نماز جماعت بعد

برپا کنند یا در نماز باشند یا فارغ شده باشند و در تعقیب باشند

ولو یکنفر ایشان و تو خواهی فرادا نماز کنی و نماز تو مطابق باشد

بنماز ایشان ولو بقضاء بلکه مخالف هم باشد که ایشان نماز

ادا

اداکردند تو خواهی قضا بکنی چه دور باشی چه نزدیک که یکجنس
باشد یعنی واجب یعنی باشی از ایشان چه عقب و چه باحد جانبین
ایشان باشی اذان و اقامه ساقط است عزیمة و جایز نیست گفتن
آن اگر چه امام جماعت هم نشاید مسئله شخص نماز قضاء یقینی
بر ذمه داشته باشد [illegible] بکند بنا بر احتیاط اولی
در نماز واجب باشد [illegible] باشد [illegible] که در
کند [illegible] احتیاط [illegible] قضا [illegible] که رود
در [illegible] امام [illegible] ردا
مگر آنکه ماموم [illegible] کند که
یکسجده کرده ام [illegible] دیگر بجا آرد
و همچنین [illegible] از نماز [illegible] رکعات هم مسئله امام در رکعت
سیم مثلا حمد میخواند و ماموم رکعت دویم باشد باید او هم
حمد و سوره بخواند با قدرت و اگر درست نتواند بخواند بدل
بیارد یا تکرار کند یا ذکری بخواند بقاعده که هست در محل
مسئله ماموم سر از سجده برداشت دید امام در سجده است

کرد بعد معلوم شد که سجود دوم امام بوده سجده دیگر بجا آورد
و بعد از تمام احتیاطا نماز را اعاده کند مسئله مأموم پیش تکبیر
افتتاحی پیش از تکبیرة الاحرام امام میتواند گفت مسئله هرگاه شخص
وارد بر جماعت یومیه شود و نداند که نماز پیشین است یا از دیگر
یا اختیار [illegible] مسئله هرگاه شخص نماز مغرب
[illegible] کرد و در قیام ثالث [illegible] این رکعت سیم است یا چهارم
[illegible] بجا آورد پس معلوم شود
[illegible] مسئله [illegible] شک میکند که امام
در [illegible] ندارد شکش و با جماعت
[illegible] مردان و زنان ضرر ندارد
مسئله حایل میان زنان ضرر ندارد مثل مردان که حایل میانشان
ضرر ندارد مسئله شخص عادل دشنام بمومنی بشنود فاسق میشود
اگر توبه کند باز عادل است مسئله هرگاه مأموم پیش از امام تکبیر گفت
بعد ملتفت شد یا عدول بفرادا کند یا عدول بمستحبی کند اگر [illegible]
بر ذمه خود نمیداند و قطع کند و تکبیرة الاحرام را بعد از امام

بگوید

بگوید والا نماز نیز باطل است اگر ایما کند در همان حال فصل
در نماز جماعت است مسئله نماز جماعت سنت مؤکد است در جمیع
نمازهای واجب خصوصا نمازهای یومیه و جماعت در هیچ نمازی واجب
نیست مگر نماز جمعه و عیدین با شرایط که مذکور شد و اما در سنت
با قدرت بر [illegible] مسئله [illegible] نمازها
[illegible] شرع [illegible] [illegible] مسئله [illegible]
در این زمان [illegible] جمیع یا
نماز [illegible] [illegible] اعاده کند
مسئله نماز یومیه [illegible] [illegible] نماز [illegible]
[illegible] تمام و عکس [illegible] نماز [illegible] و عکس آن [illegible]
میتوان کرد اما نماز مستحبی بجماعت نمیتوان کرد مگر نماز طلب باران
و عیدین که مستحب است و اگر کرد نماز خود را منفرد بجماعت اعاده کند اگر
قضا یعنی [illegible] احتیاطا مسئله نماز مستحبی که نذر کند روا است
باشد و نماز احتیاط در شک بجماعت نمیتوان کرد بنابر احتیاط مسئله
مرد و زن خلف جماعت [illegible] بیش و بلی زن بمرد میتوانند اقتدا کنند

[illegible]

[illegible] باشد [illegible] پیش [illegible] و اگر [illegible]

بامام نرسد یا شک یا مظنه دارد که نرسیده نمازش باطل است

بلی در شک احتیاط مناسب کند و تکبیر دیگر متصل عمل او و

بگوید [illegible] اگر مطمئن شود که در حال رکوع

امام رسیده است برکوع [illegible] اگر شک داشته باشد [illegible]

[illegible] بگوید [illegible]

[illegible]

[illegible] که باید صف [illegible]

[illegible] حایل باشد ضرر ندارد [illegible]

نه باید صف پیش خود را ببیند بنا بر احتیاط و اگر همان صف

ببیند کفایت میکند و باید در همه حالات نماز [illegible]

امامش دور باشد حایل برابرش ضرر ندارد مسئله اگر حایل [illegible]

که دیده شود ضرر ندارد و اگر شیشه باشد احوط اجتناب است مسئله

اگر در بین نماز حایل بهم رسد و بماند نماز جماعت باطل است و اگر

[illegible]

بکند مثل آنکه اولی را جدا [illegible] ندارد مسئله باید جای ایستادن
امام [illegible] بلندتر از جای ماموم نباشد علی الاحوط
اما اگر پست‌تر باشد [illegible] و باید در بودن ماموم از جای امام
ضرری ندارد مسئله جایز نیست جماعت به دور بودن ماموم از
امام یا از ماموم دیگر زیاده از [illegible] باشد لکن احوط آن
که جای ایستادن امام [illegible] ماموم بیشتر [illegible]
[illegible] فاصله نباشد [illegible] ماموم [illegible] نماز
[illegible] حاصل شود [illegible]
[illegible]
مسئله [illegible]
ماموم [illegible] از امام باشد حتی در سجود هم کفایت [illegible]
مسئله باید قصد اقتدا کرد اگر قصد اقتدا نکند و حمد و سوره
بخواند با سکوت طولانی نبود باطل است نمازشان اگرچه شرط
آن نماز هم جماعت کردن نباشد مثل یومیه مسئله باید شخص
عادل واحد اقتدا کرد اگر فاسق باشد باطل است [illegible] واحد

تا که نماز [illegible] را [illegible] است و نماز [illegible] باطل است و اگر [illegible] کند [illegible]

[illegible] خارج [illegible] تکبیره را [illegible] و [illegible] بعد از [illegible]

[illegible] خلیل [illegible] در [illegible] بکند

او را [illegible] شد [illegible] تکبیره و [illegible] در [illegible]

[illegible] حاصل [illegible]

[illegible] اکنون [illegible] الشرایط [illegible]

[illegible] انستی [illegible]

[illegible] عادلست [illegible]

و اگر [illegible] همان آنکه حاضر است [illegible]

شد که [illegible] باقی نماز باطل است اگر [illegible]

در بین نماز فهم باشی مسئله اگر در بین نماز [illegible] از برای [illegible]

مأموم باقی نماز [illegible] عدول [illegible] بکند [illegible]

و وقتیکه امام از نماز فارغ شود [illegible] از ان [illegible]

از برای مأموم در [illegible] عدول [illegible] اگر [illegible] در

[illegible] قصد [illegible] باشد [illegible] در رکعت اخر عدول [illegible]

اگر

آن امام در قنوت باشد که ماموم تکبیر بگوید و متابعت کند
قنوت مستحب است [illegible] و همچنین است متابعت کند اما
پیش از نشستن در حال التشهد احوط است و اما رکعت دوم [illegible]
کند اختلاف است که [illegible] باشد و در رکعت آخر امام اختیار دارد
متابعت کند [illegible] لازم و واجب نیست [illegible] که بوده باشد
و نماز پیش از امام تمام کند [illegible]
آن حال نماز خود را [illegible] از امام پیش [illegible] و اگر [illegible]
کرده باشد کار است [illegible]
آنکه پیش از امام [illegible]
بگوید و الا باطل است نماز [illegible]
رکوع رود و ذکر رکوع نگوید صحیح [illegible] احوط است
نماز است [illegible] و وقتی که پیش از امام از رکوع سهوا سر برداشته باشد
و متابعت کرده [illegible] برگردد و متابعت کند اما
[illegible] اما اگر عمداً بماند و متابعت نکند گناه کرده
است اما [illegible] نماز است و احوط اعاده نماز است و اگر

بر کردند که امام باو رسید ضرر ندارد و بهمان حال باشد مسئله
متابعتی که باعث زیادتی رکن نشود اعاده نماز ندارد مسئله مستحب است
در اقوال واجب نیست مگر آنکه بشنود صوت امام را که احتیاط است
کرده است و اگر سهوا چیزی از تشهد پیش از امام بخواند از قصد و
اعاده کند مسئله تکبیرة الاحرام واجبست بعد از امام بگویند
و [illegible] مسئله و احتیاطا پیش از امام بگو
احتیاط نماز را اعاده کند مگر آنکه [illegible] ادا کند و بگوید
سهوا [illegible] از امام باز بگوید [illegible]
سهوه [illegible] امام بعضی از حروفات را
زائد [illegible] باشد ماموم نیز [illegible] و بخواند
اقتدا نکند اما اگر حروفات قرائت چنین باشد که ماموم اقتدا
کند ضرر ندارد مسئله اگر ماموم نرسید که تسبیح اربعه را تمام
بخواند زیاد از یکمرتبه هر چه میرسد بخواند بعضی گفته بر کوع برسد
بنا بر احتیاط مسئله اگر بعد از نماز معلوم شود که امام فاسق یا کافر
یا بی طهارت مثلا بوده نماز گذشته او صحیح است و اگر در بین

در اخفات قرائت

نماز

بعد از تکبیر [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مقتدی [illegible] با بدن امام [illegible]

[illegible] ابتدا کند [illegible] و در صورتی که

نیت نکرده باشد [illegible] اقتدا کند مسئله اگر امام

[illegible]

[illegible] اشتغال کردن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] نماز نکرده [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible]

مسئله مستحبست که چون امام قد قامت الصلوة گفت مأمومین برخیزند
و افضل صف اول در صفها و اجابت امام مسئله مکروهست تنها
ایستادن در صورتیکه میان صف خالی باشد بلکه مستحب است در آن
مکان که خالی میباشد بایستد و مشغول نافله شدن و تکلم بعد از
قد قامت الصلوة مکروهست و مستحب است امام را اذکار خود را و اما
مستحب نیست که امام بشنواند بمأمومین ذکرهای خود را فصل در احکام
مسافر است مسئله مسافر باید قصد هشت فرسخ متصل
داشته باشد یا چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشتن در یک روز یا در یک شب
یا یکشبانه روز و اگر چهار فرسخ برود چهار فرسخ شبی متصل
شود هرگاه ... یا یکشبانه روز نکند مانند ده
روز کند اما در این احتیاط و اولی جمع است مسئله حد فرسخ سه میل
هر میلی چهار هزار ذراع است هر ذراعی بکلام بعضی بیست و چهار انگشت
و هر انگشتی بکلام بعضی شش جو و هر جوی بکلام بعضی هفت موی از موی یابو
یابو است هرگاه معتبر از این مسافت کمتر باشد یا شک باشد یا مظنه نداشته
باشد تمام است نماز بلکه در مظنه احوط جمع است و اگر ممکن شود تحصیل

احکام مسافر

احتشام

نماز بیرون شود و حرج احوط وجوب تخییر است مسئله اگر در اثنای
راه بفهمد که مسافت هشت اگرچه باقی مانده راه بقدر مسافت
نباشد قصر کند نماز را و ابتدای مسافت از بلد ما کوچک از سور
از قلعه است و اگر قلعه ندارد از خانهای آنست و بلدهای
بزرگ از آخر محله است مسئله اگر مقصد مسافت رفتن باشد و رجوع
روز طول بکشد [illegible] مرتبه از دو [illegible] خارج
باشد و روزها [illegible] تمام کند [illegible] و احوط
جمع است مسئله اگر [illegible] کند و
زیاد از هشت فرسخ [illegible] از چهار
فرسخ برود و برگشتن را [illegible] اگرچه هشت
فرسخ هم باشد که سفر نیست و احوط جمع است مسئله هرگاه در بین
مسافت مردد شد در رفتن باز قصدش برفتن شد اگر از حال
مردد چیزی از راه رفته که مسافت شکسته کند و اگر مسافت
طی کرده اما غیر از این آنچه آمده و آنچه میرود بقدر مسافت
نماز را شکسته کند و احوط جمع است هرگاه باقی مانده بقدر مسافت

نیابت مسئله هرگاه مسافر [illegible] قصد اقامت [illegible] کند

باطل نشد نماز را تمام کند و همچنین اگر در تردد باشد تا سی روز [illegible]

تمام کند مسئله هرگاه مابین دو وطن مسافت کمتر باشد تمام کند

و اگر چهار فرسخ باشد یا زیادتر احوط جمع است مسئله مراد بوطن

جایی است که [illegible] باشد [illegible] شش ماه ماندن و انقدر [illegible]

کم عرفا [illegible] و [illegible] شرط [illegible] ماندن اگرچه احوط

و ملک [illegible] مسئله هرگاه قطع

کند [illegible] کند نماز را

و اگر ملکی دارد [illegible] مانده باشد و اگر با

ملکی دارد [illegible] شکسته میکند

اما اگر شش ماه ماندن باشد احوط جمع است مسئله هرگاه مسافر در بلدی

قصد ده روز ماندن دارد یا قصد ده روز ماندن کند که از [illegible] هم

بیرون رود و در وطن و شک هم نباشد در ماندن نماز را تمام کند

و اگر یک نماز را تمام کرد بعد فسخ شد که باید برود تا اینجاست تمام کند

اگرچه از ده روز هم یک روز در هر وقت که رفت شکسته کند مسئله

وطن

وطن شرعی دو منزل و زیادتر [illegible]

دیگر از وطن بیرون رفت و بکند قصد مسافت [illegible] نماز را تمام ادا کند

باید بشکند روزه و جمع کند نماز را بنا بر احتیاط مانند [illegible]

مسئله اگر کسی [illegible] و بعد از ده روز [illegible]

و بکند [illegible] مسئله [illegible]

قصد ماندن ده روز [illegible] مسئله [illegible] شخص قطع

علاقه [illegible] نماز [illegible]

خارج نشدن [illegible]

هر گاه [illegible]

بعد که [illegible] مسئله

[illegible] مسئله [illegible]

داشت غیر از قسم مذکور نماز را شکسته کند مسئله هر گاه شخص

در بلدی اقامت بیش از ده روز یا بعد از ده روز از محل ترخص بیرون

رود اگر بر گشتن باز قصد ده روز ماندن ندارد نمازش تمام

است و الاجمع است اما احتیاطا [illegible] تقدیم [illegible]

ضرر ندارد واما اگر بعد از آمد و شد بسیار بعد از آن ده روز
بماند تمام کند بشرط آنکه تا مسافت نرود بلی در رفتن و مقصد و
برگشتن وقت شرط دارد مسئله اگر از ترخص بیرون برود تا مسافت
وقصد ده روز ماندن دارد در آنجا تمام میکند و دور از احوط
جمعست واما اگر [illegible] میکند مسئله خارج
شدن از [illegible] ابتدا [illegible] وسط بلد
متوسط [illegible] و [illegible] های خانه
بلد [illegible] احوط اعتبار
هر دو است [illegible] از محله مسافر
واعتبار [illegible] حد ترخص است اما
بعد از ماندن ده روز در ده سی روز حکم اتمام عشره است مسئله هر گاه
شخص قصد سفر از ترخص بیرون رفت و منتظر رفقا است اگر
مطمئن است با آمدن رفقا و رفتن سفر نماز را شکسته کند و اما
هر گاه سفرش موقوف با آمدن رفیق و مطمئن نیست با آمدن ایشان
و بمسافت شرعی نرسیده تمام کند و احوط جمع است اگر بچهار فرسخ

رسیده

رسیدن است و همچنین تمام کند اگر قصدش برگشتن از سفر یا مردد شد
و پیش از رسیدن به چهار فرسخ است و الّا تا پیش از رسیدن به هشت
فرسخ تمام کند و احوط جمع است مسئله هرگاه شخص مثلاً عقب کسی
بود و همه وقت [illegible] و بنای مسافت نداشته باشد تمام کند در رفتن
و در مراجعت هر چند [illegible] است در رفتن و بر گشتن
امّا اگر قصد مسافت [illegible] و اتفاق شد [illegible] باید
شکسته کند و [illegible] بتمام [illegible]
شخص سفرش [illegible] باشد [illegible] کردن
یا قطع طریق کردن یا [illegible] سفر کردن
و غیره تمام است نمازش [illegible]
روز در وطن بماند یا غیر وطن ده روز بقصد اقامه بماند یا ده روز بقصد
اقامه بعد از تردد سی روز در غیر بلد بماند یا سفر غیر عادت خود بکند
مثل کشتیبان سفر خشکی کردن و الّا نمازش قصر میشود در سفر
اولش و سفر دوم احوط جمع است و سفر سیمش تمام بشرط آنکه باز
و کسبش سفر باشد و صوم در هر حال تابع نماز است در قصر و اتمام

مسئله مسافر در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و مسجد کوفه [illegible] است [illegible] [illegible] امام [illegible] اتمام افضل است [illegible]

تمام [illegible] [illegible] مسئله اگر شخصی [illegible] که در سفر نماز را

شکسته کرد و در سفر تمام [illegible] است نمازش خلاف [illegible] [illegible]

سفر نماز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وجوب است و تمام کند [illegible]

شکسته [illegible] [illegible] قضا کند مسئله [illegible] [illegible] [illegible] باشد که [illegible]

شکسته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و اتو [illegible]

کند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وقت گذشته قضا

نماز [illegible] مسئله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است نماز نکرد و در

وقت مسافر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و اگر در اول

وقت مسافر است و در آخر وقت حاضر است تمام کند و اگر قضا شود

اعتبار بحال وقت قضا است [illegible] [illegible] اول وقت [illegible] [illegible]

[illegible] گفته است مسئله هرگاه شخصی [illegible] [illegible] سفر [illegible] [illegible]

بقدر مسافت [illegible] [illegible] شکسته کند نماز را و اگر [illegible] که بقدر

مسافت [illegible] [illegible] یا شک یا مظنه داشته باشد در [illegible]

تمام کند و واجب نیست که از متبوع سؤال کند یا آنکه متبوع او را
اعلام کند مسئله اگر مسافر بعد از رفتن هشت فرسخ و [illegible]
فرسخ برگشت نماز را شکسته کند و اگر کمتر [illegible] برود و هشت فرسخ
برگردد تمام کند احوط جمع است فصل در نماز قضا است مسئله
واجبست قضاء نمازهای [illegible] که در خارج وقت
کسیکه نکرده باشد [illegible] بر وجه صحیح در وقت [illegible] عذر [illegible]
مگر کسانی که مستثنی [illegible] مثل حائض و نفساء و
[illegible] مسئله قضا [illegible] است کما [illegible]
جهریه [illegible] تمام [illegible]
و سفر [illegible] در حضر شکسته [illegible] قضاء زنرا
اجیر شود واجبست جهریه را جهر بخواند و هرگاه زن قضاء مرد را
اجیر شود جهریه را احوط اخفات خواند نه جهر مسئله اگر قضاء بعضی
خود دارد قضاء غیر را احتیاطاً اجیر نشود و نماز مستحبه را ترک کند
بنا بر احتیاط مسئله واجبست عزم قضا کردن در هر زمان داشته باشد
مسئله اگر ترتیب قضا شده را بداند واجبست ترتیب بکند و هرگاه

نماز ها و ممکن شود بترتیب چنین کند مثلا اگر نماز ظهر و عصر
از او فوت شده و نمیداند ترتیب هر یک اول نماز ظهر را قضا
کند پس عصر را پس ظهر دیگر مثلا یا اگر پنج نماز پنج شبانه
روز ازو فوت شده و ترتیب را نمیداند پنج شبانروز نماز کند تا
شبانروزی [illegible] تا ترتیب حاصل شود و اگر ممکن
نشود [illegible] مسئله هرگاه مثلا
ده نماز [illegible] از او فوت شده [illegible]
اول [illegible] فوت شده است اگر
چهل [illegible] ترک کاتب میکند و هم
چنین تا آخر [illegible] تا چند شبانروز
او فوت شده نماز کند تا مطمئن شود برائت ذمه را و اگر بداند
در میان شبانروز فوت شده و نمیداند کدام است اگر حضر است
یک دو رکعتی و یک سه رکعتی بکند و یک چهار رکعتی هم ما فی الذمه
بکند و فرا گرفتن احوط جهر بخواند یا اخفات و اگر سفری باشد
یک سه رکعتی بکند و یک دو رکعتی ما فی الذمه مسئله هرگاه

چند

نماز [illegible]

چند نماز [illegible] قضا شود باید ترتیب را [illegible]

داشته باشند و [illegible] مشغول شوند [illegible]

اما واجب نیست ترتیب [illegible] قضا بر ادا مسئله اگر یک قضا بر ذمه

باشد یا قضاء یک روز یا یک شب بر ذمه باشد و قضاء [illegible]

بر ذمه نباشد [illegible] مسئله ترتیب

قضاء یومیه [illegible] از برای [illegible]

[illegible] اگر ترتیب [illegible]

ظهر [illegible] اگر [illegible]

روز تمام نشده [illegible] ضرر ندارد

انکه نماز [illegible] شب [illegible] الا [illegible]

تمام کند مسئله اگر ترتیب را [illegible] و [illegible] نماز ظهر را

مشغول شود [illegible] مشغول شده [illegible] و اگر [illegible] ترتیب را

کند باقی مسئله نماز قضا بر ذمه شخص باشد [illegible]

مستحب است و مستحبات [illegible] اورد ضرر ندارد مسئله [illegible]

سنت دارد که اگر سوره بخواند نمازش قضا میشود باید سوره

نخواند مسئله هرگاه شخص احتمال بدهد که قضا بر ذمه
اش هست نیت قربت بجا آرد قضا را و قربت یعنی رضا
خدا هست بجا آوردن این عمل را و همچنین هرگاه بداند
قربت کفایت میکند مسئله هرگاه شخص احتمال بدهد
و تقصیر در نماز [illegible] بقصد ما فی الذمه
[illegible] از برای [illegible] مستحبست
[illegible] قضا کرده
[illegible] باشد و حرام
[illegible] اگر بر ذمه دارد
[illegible] نماز قضاء خود و
والدین را هر دو بر ذمه دارد [illegible] دارد
مخیراست فصل در شکیات بیست و یک قسم است مسئله
پنج قسم است که اعتبار ندارد شک بعد از سلام و شک
بعد از وقت و شک بعد از عمل و شک کثیر الشک
و شک هر یک از امام و مأموم با حفظ دیگری مسئله

در شکیات

هشت

[illegible] بنا بر کمتر است و در این صورت اگر آخر نماز
که فوت [illegible] سکوت طویل و منافی نماز بعمل آید
اگر چه از آن بخاطرش آمد تمام کند اگر چه بطور منفرد هم باشد از
نماز [illegible] دو رکعت نماز دو رکعت واجب غیر از نماز احتیاط و شک
در رکعت [illegible] هم کرده
در میان باشد [illegible]
و سه و شش و چهار و شش و رکعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
که خواهد [illegible] نماز را [illegible]
سجدتین بعد از فکر بنا را بر سه میگذاری و رکعت
دیگر را تمام میکنی و بعد یک رکعت ایستاده نماز احتیاط
کفایت میکند مسئله شک دو و سه و چهار بعد
از سجدتین بنا را بر چهار میگذاری و تمام میکنی و بعد
دو رکعت ایستاده دو رکعت نشسته بجا میاوری

مسئله شک دو و چهار بعد از سجدتین بنا بر چهار
میگذارد و تمام میکند و بعد دو رکعت ایستاده بجا
میآورد مسئله شک سه و چهار هر جا که باشد
بنا بر چهار میگذارد و تمام میکند و بعد یک رکعت
ایستاده یا دو رکعت نشسته احتیاط میکند اما دو
رکعت نشسته افضل است مسئله شک چهار و پنج
اگر بعد از سجدتین بنا بر چهار میگذارد و تمام میکند و بعد
دو سجده سهو بجا میآورد و در حال قیام
[illegible] تمام کند و بعد یک رکعت
ایستاده [illegible] احتیاط میکند مسئله
شک سه و پنج در حال قیام بنشیند و بنا بر
چهار میگذارد و تمام میکند و بعد دو رکعت ایستاده
بجا میآورد مسئله شک سه و چهار و پنج در حال
قیام فورا بنشیند و بنا بر چهار میگذارد و تمام میکند
و بعد دو رکعت نشسته و دو رکعت ایستاده بجا

میاورد

[illegible] ی اما اول دو رکعت [illegible]

[illegible] و شش [illegible] قیام [illegible]

[illegible] ادا کن و [illegible] و سجده سهو واجب [illegible]

[illegible] که در حال قیام بود [illegible]

[illegible] از برای [illegible]

از برای قیام [illegible] رکعت [illegible]

از برای [illegible] سهو احتیاطا [illegible]

[illegible] از این [illegible] اگر [illegible]

[illegible]

[illegible] شک [illegible]

[illegible] شک [illegible]

[illegible] اگر شک [illegible] بود [illegible]

[illegible] احتیاطا [illegible]

[illegible] نماز [illegible] احتیاطا [illegible] نماز را اعاده کند

[illegible] اگر سهوا [illegible]

بجا آورد بعد از نماز احتیاط بجا آورد و نماز را اعاده
کند بنا بر احتیاط مسئله هرگاه در رکعت چهارم شک کند
که شک نماید که دو رکعت یا سه بود بعد از سجدتین بود یا پیش
از سجدتین بعد از سجدتین قرار دهد مسئله هرگاه شک
کند بعد از نماز که شک موجب یک رکعت نماز احتیاط بود یا
دو رکعت ایستاده [illegible] یک [illegible] هر دو را بجا بیاورد و نماز
هم [illegible] کند مسئله هرگاه [illegible] نماز احتیاط شک کند
که [illegible] بجا [illegible] رکعت احتیاط ایستاده
که [illegible] بسازد یک رکعت
تمام کند [illegible] کند و یک رکعت ایستاده
هم بجا بیاورد [illegible] نماز [illegible] در هر دو صورت مسئله
هرگاه بعد از سلام شک کند که شک چه شکی بوده دو رکعت
ایستاده نماز احتیاط دو رکعت هم نشسته و دو سجده سهو
بجا آورد و نماز را اعاده کند بنا بر احتیاط مسئله معنی
شک مساوی بودن دو طرف شک است اگر یک طرف ظن حاصل

شود

نکات

شود حکم یقین دارد در نماز بنا بر اقوی و واجبست عمل
بآن خواه متعلق بفعل باشد یا ترک آن یا متعلق برکعت باشد
یا غیر آن مسئله هرگاه ظن بمطلبی کرد بعد از آن دیگر شک
عارض شد عمل بشک کند مسئله هرگاه چند شک عقب
یکدیگر عارض شود مثلا [illegible] ایستاده
شک سه و چهار کرد بنا گذاشت بر چهار بعد از سجدتین
باز شک دو و چهار کرد بنا را بر چهار گذاشت بعد از شروع
بتشهد شک [illegible] چهار [illegible] مسئله
هرگاه شک کند [illegible] یا ظن شک
دارد [illegible] مسئله [illegible] عروض شک
شک بود یا ظن شک قرار دهند و در جاهائی که [illegible]
دارد اقل بر وی که ثابت میکند و در غیر اینها فکر کند تا
از صورت نماز بیرون رود بنا بر احتیاط مسئله هرگاه
شخص در حال قیام شک کند که [illegible]
شک همین حالت را اعاده کند و اگر همین حال هم [illegible]

نمازش باطل است مسئله اگر شخص در نماز شك كند
كه اين نماز مغرب است يا عشا تا بركوع ركعت چهارم نرسيده
عدول بمغرب ميتواند كرد والا همان عشا را تمام كند و
احتياط هر دو را اعاده كند مسئله هرگاه در سجده اول
شخص شك [illegible] ميداند كه بعد از [illegible]
ميشود [illegible] اگر تمام است ذكر [illegible]
بگويد [illegible] اگر [illegible] امام شود [illegible]
[illegible]
[illegible] نماز [illegible]
وشك [illegible] او مغرب را [illegible]
كند و احتياط آن مغرب را اعاده كند و هرگاه بركوع رفته
بنا بر چهار گذارد و تمام كند يا الا فضل و بعد مغرب را بكند
فصل در سهو [illegible] است اما سهو [illegible] بر دو قسم است
يا چيزي از نماز كم ميشود يا زياد بعد كه خاطرت ميايد اگر
ركن باشد و داخل ركني ديگر نشده برگرد و [illegible]

سهو

واگر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] شد

و [illegible] شد [illegible]

و بعد از برای [illegible]

[illegible] از برای [illegible] از زیادتی

[illegible]

[illegible] و بعد [illegible] سجدهٔ سهو [illegible]

مسئله سجدهٔ سهو [illegible] واجب شود [illegible]

یا تشهد فراموش شده و بعض فراموش شده و شك

چهار و پنج بعد از سجدتین مسئله سجدهٔ سهو [illegible]

[illegible] از برای هر چه که هست و [illegible]

بسم الله و بالله وصلى الله على محمد وآل

[illegible]

[illegible]

[illegible] وميكور [illegible] مشتبه [illegible]

اشهد ان لا اله الا الله بزيادى وحده لا شريك له

احتياطا واشهد ان محمدا عبده ورسوله عبده اش

[illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد السلام

[illegible] احتياطا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ازاشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله [illegible] زيادسندن اذكار [illegible]

[illegible] مسئله هر كاه [illegible]

[illegible] استغفر الله [illegible]

بعد

سجده سهو

بعد از نماز دو سجدهٔ سهو احتیاط بجا بیاورد و همچنین
هر ذکر مستحبی که سهوا بیجا گفته شود مسئله زاید و نقصان
که سجدهٔ سهو میخواهد احتیاطا از روی سهوا نه عمدا
اما تسبیح اربع بجا سه مرتبه هر یکمرتبه سجدهٔ سهو میخواهد بعد
اما سلام هر سلامی یکمرتبه و [illegible] یکمرتبه و سوره هم
یک مرتبه و [illegible] یکمرتبه [illegible] همچنین است
افعال نماز [illegible] شکیات [illegible] و سجده
سهو [illegible] در نمازش
[illegible] جلسه [illegible] انها برا و [illegible]
و اگر ترک واجب کند [illegible] اگر شک کند در رکوع
رکعت دوم نماز احتیاط یا در دو رکعت نشسته خاطرش
آمد که اصل نمازش سه رکعت بوده و دست از این نماز بردارد
و راست شود و مشغول رکعت چهارم شود و تمام کند و بعد
از احتیاط نمازش را اعاده کند و سجدهٔ سهو نمیخواهد
مگر بجهت نشستن و سلام بیجا و اگر در قیام باشد می نشیند

و رکعت اول را ابتدا بر رکعت چهارم [illegible]
اگر در رکعت اول در حمد باشد بعد از آن حمد را که خوانده
تمام کند و احتیاطا نماز را اعاده کند بعد از سجده
سهو مسئله اگر ملتفت شود که اصل نماز شرعی بوده
پس نماز احتیاط را تمام کند یا عدول بنمی کند
بلکه در رکعت [illegible] نماز خود کند [illegible]
مسئله [illegible] هرگاه زیاد
شود [illegible] بجا آورد
[illegible]
تشهد یا [illegible]
سهو [illegible] احتیاطا [illegible] بجا آورد
سهو و نماز شرا اعاده کند وجوبا مسئله هرگاه شخص
احتیاط را فراموش کند [illegible] و نماز دیگر را مشغول شود
در بین نماز خاطرش آمد آن نماز را قطع کند احتیاطا و نماز
احتیاط را بجا آورد و احتیاط نماز شرا اعاده کند

مسئله

مسئله هرگاه شخص در سجده مثلا شك ميان سه و چهار كرد
بالتفات سر از سجده برداشت ملتفت شد فكر كند اگر [illegible]
الى طرفى رفت بهمان عمل كند و الا بنا بر اكثر گذارد [illegible]
مسئله هرگاه شخص شك كند ميان سه و چهار در نماز [illegible]
و يقين كند كه يك سجده در هر يك ركعت [illegible] نماز او باطل است
مسئله هرگاه شك كند كه [illegible] نماز [illegible]
صحيح بودن مثل شك [illegible] و شروع كردن [illegible]
كند [illegible]
[illegible] در [illegible]
مگر در شك [illegible] بنا بر [illegible]
[illegible] بنا بر اكثر ميگذارد. مسئله بايد نماز احتياط
بعد از تكبير حمد تنها [illegible] خواند و قنوت و اذان و اقامه
ندارد و ركوع و سجود و تشهد و سلام مثل نماز است
مسئله هرگاه بعد از بناى شك قبل از سلام [illegible]
زايد [illegible] تمام كند و اگر [illegible] تمام بود [illegible]

نمازش را تلافی نخواهد مسئله اگر فهمید بعد از دو رکعت
نماز احتیاط که اصل نمازش سه رکعت بوده احتیاط یک رکعت
چهارم را بجا نیاورده و احتیاطاً نماز را اعاده کند مسئله اگر
بعد از نماز فهمید مطابق بودن نماز احتیاط را با اصل
نمازش احوط و اولی اعادهٔ نماز است مسئله تشهد و سجده
فراموش شده [illegible] هرگاه در بین تشهد چیزی را
فراموش کرده بعد ملتفت شود [illegible] عمدی و سهوی
[illegible] کم یا زیاد [illegible]
احتیاط [illegible] بجا [illegible] اعاده کند مسئله اگر
نماز احتیاط [illegible] و هر سه را باید بجا آورد
سجده سهو [illegible] نماز احتیاط احوط تقدیم رکعت
احتیاط است بر آنها مسئله اگر تشهد و سجده برد [illegible]
هر یک که مقدم بوده مقدم دارد بنا بر احتیاط شدید و
اگر بدانی تقدیم و تأخیر هر یک را احوط اینست که تقدیم داده
هر یک را با تأخیر دیگری یعنی تکرار کنی و نماز هم را اعاده

کنی

سجدهٔ سهو

کی مسئله اگر چنان دانست که تشهد مقدم بوده ابتدا بان
کردی و بعد معلوم شد خلاف بوده احوط ان است که اعاده
کند بنحویکه ترتیب حاصل شود و نماز را اعاده کند مسئله
اگر موجب سجدهٔ سهو متعدد باشد باید سجدهٔ سهو را متعدد
بجا اورد و اما ترتیب در سجدهٔ سهو [illegible] بهتر که
موجب ان سر زده [illegible] واجب نیست که معین کند از برای شك
چهار و پنج یا سلام بیجا مثلا بلکه اگر تعیین کند [illegible]
و بعد معلوم شود [illegible]
اعاده کردن ان خالی [illegible] ترتیب بعد
از سلام یا بعد از ان [illegible] سجدهٔ سهو
واجبست که بدون فاصله بعمل بیاورند و ساقط نمیشود
وجوب سجده وجوب سجده سهو اگر انها را عمداً نیاورد
یعنی رکعت احتیاط و اجزاء منسیه را مسئله اگر فراموش کرد
سجدهٔ سهو را هر وقت که بخاطرش میاید باید بجا اورد و اگر
تاخیر اندازد گناهکار است لکن نماز او صحیح است مسئله

آن اجزا بعینه تا آخر بجا آورد و بعد [illegible]
نیاورد بر طرف نمیشود وجوب فوریت اما تا ممکن [illegible]
سهو نزده بجا آورد مسئله سجده سهو بعد از نیت تکبیر
گفتن واجب نیست اگرچه احتیاط است و همچنانکه [illegible] اعادت
کردن جمیع اجزای نماز که واجبست در سجود نماز ممکن [illegible]
از حدث که شرط است [illegible] بجا آورد و خالی از قوت نیست
و آن [illegible] فصل دوم در [illegible] است مسئله
اما صوم [illegible] حرام و مکروه و
واجبش [illegible] است [illegible] ایضا اصلی که ماه
مبارک است [illegible] است مسئله روزه
ماه مبارک [illegible] افطار
اما اختیاریش از اول شب تا آخر شب و دایر [illegible]
میکند و اخطار لازم نیست اما وقت اضطراریش تا زوال
در صورتیکه فراموش کرد در شب روزه [illegible]
پیش از ظهر هر گاه بخاطرش آمد [illegible]

دنبال نیت کند مسئله روزهٔ واجب غیر معین هرگاه
فراموش کند روزهٔ آن روز را داشته باشد تا پیش از
زوال اگر منافی بجا نیاورده باشد میتواند نیت
روزه کند مسئله در شب اول ماه مبارک یا در بین ماه
قصد روزهٔ تمام ماه را بکند کفایت میکند و احوط در
هر شب باز نیت بکند نیت مسئله هرگاه روز آخر شعبان
مشتبه باشد با اول رمضان نیت آخر شعبان یا واجب دیگر
کند اگر بعد معلوم شد که رمضان بوده از رمضان حساب
میشود مسئله هرگاه در رمضان نیت روزهٔ غیر رمضان
کند عمداً از هیچیک [illegible] باشد
و جاهل بحکم هم باشد و ملتفت شود قبل از زوال هم که نیت
نیت رمضان می‌شود و صحیح خواهد بود و معین نیست
غیر معین و شبه آن مسئله غیر رمضان روزهای دیگر
هر یک که باشد باید تعیین کند بلکه قضای رمضان و
مستحب هم مثل ایام البیض مثلاً مسئله اگر صوم غیر معین

را بوباء یا عمره فاسد کند و قبل از زوال خواهد [illegible]
نیت کند صحیح نیست مسئله وقت نیت روزه منذور
تا قبل از غروب است مسئله اگر صبح کند یوم الشک را
بنیت افطار تا قبل از زوال اگر مفطری بجا نیاورده
روزه کند و [illegible] اگر غافل شود امساک کند
وجوباً [illegible] مسئله اگر روزی از رمضان را
عمداً [illegible] افطار داشته باشد [illegible] بجا نیاورده
قبل [illegible] فاسد نمیشود صومش و اگر در
بین [illegible] باطل میشود صومش
اگر چه [illegible] خود را مسئله اگر
قصد کند فساد صوم خود را در رمضان بعد باطل بودنش
خالی از قوت نیست و احتیاط آنست که روزه را بسر رساند
و قضایش را بجا آورد مسئله اگر قصد کند که امساک از جمیع
مفطرات و تمام مفطرات را نشناسد ضرر ندارد مگر
آنکه قصد کند که امساک میکنم از جمیع مفطرات مگر

جنابت

جنابت باز نماز و مثلا صحیح نیست روزه اش و کسیکه روزه واجب
ندیده دارد جایز نیست روزه مستحبی را بگیرد مسئله [illegible]
باطل است روزه [illegible] اگر [illegible] و اگر بعد از ظهر
باطل است باید قضا کند و اگر پیش از ظهر باشد عمدا و لکن قضا
باطل است مسئله ابطال نیت کردن [illegible] عمدا ولی نیت
واجب [illegible] مسئله [illegible]
[illegible] اول و دویم [illegible]
[illegible]
[illegible]
غلط کند مسئله [illegible]
یا چیزی در دماغ کردن که به حلق برسد [illegible]
روزه است اگر بی اختیار آب از حلق فرو رود مگر [illegible]
وضوی نماز واجب باشد مسئله احتیاط این است که آب دهان
را که نشانه حلق که فرو برند و اگر نبرد خود فرو رود ضرر
مسئله آب دهان را از دهان بیرون نیاورده فرو برند

نداردو [illegible] مطلبنا و این علم کبعضی از [illegible]

[illegible] مشکل [illegible] اکر [illegible] شود [illegible]

[illegible] واجب [illegible] مشتق [illegible]

[illegible] یا کوشش کردن [illegible] جنابت [illegible]

[illegible] الشارة [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الاشارة [illegible]

اکر [illegible] ازروی [illegible]

[illegible]

باشد و منه [illegible] بدون اراب [illegible]

اما ریختن آب بر سر و دو آب زدن و لباس پوشیدن بعضی [illegible]

مکر آنکه زنند از [illegible] و لباس پوشیدن کر [illegible] دارد [illegible]

نساید [illegible] غبار [illegible] از روی [illegible] اخبار بدون [illegible]

هر چه از حلال و چه از حرام حتی [illegible] و غیره و در [illegible]

بلا

با انتقال ودر وقتش بنابر احتياط ادا كردن [illegible] اعتبار
[illegible] روزه [illegible] نذر [illegible]
روزه باشد [illegible] بقصد خروج [illegible] كردن [illegible]
كردن [illegible] از [illegible] خارج شود [illegible] حرام [illegible]
وكفاره است واكر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] اتفاقا [illegible] شود [illegible] قضا [illegible] كرد [illegible]
[illegible] از [illegible] خارج شود [illegible] است [illegible]
[illegible] اكر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بقصد [illegible]
است [illegible] صادق [illegible]
[illegible] در روزه قضاء [illegible] و روزه [illegible]
[illegible] اتفاقا [illegible] و [illegible]
[illegible] روزه [illegible] كفاره [illegible]

غیر عمدی یا حیض و نفاس یا عذر شرعی دیگر هم نخورد مسئله
هر گاه فراموش کند غسل جنابت یا حیض یا نفاس را و چند روز
روزه بگیرد و خطا از او صحیح نیست روزه اش مثل نمازش قضا
دارد و اگر روزه معین یا رمضان هم بوده قضاش بگیرد کفاره
ندارد مسئله اگر [illegible] وقت بعد از غسل یا تیمم ماند
و خود را جنب کرد [illegible] است خراب کرده مسئله هر
وقت [illegible] تیمم مانده باشد که [illegible] کرده تیمم کرده و تیمم
کند [illegible] مسئله هر گاه در بین
روز [illegible] مبادرت بغسل اگر چه احوط
است اما [illegible] باشد حکم جنب است
در وجوب غسل و فساد روزه بدون غسل مسئله هر گاه محتلم
شد در شب بیدار شد و باز خوابید بقصد بیدار شدن و غسل
کردن بیدار نشد تا صبح صوم او فاسد است و قضاء او را بگیرد
احوط آنست که کفاره بدهد که این خواب دوم است بنا بر احتیاط
خلاف جنابت در بیداری که این خواب خواب اول است و همچنین اگر

از این

از این خواب بیدار شد و باز خوابید و بیدار نشد تا صبح قضا
و قضای روز اول واجب نیست که از خواب سیم است بنا بر احتیاط
مسئله هرگاه شخص حایض تیمم باشد بدل از غسل و بیدار شد تا صبح
تیمم بکند عمداً امثال این نیست که عمداً ترک غسل کرده مسئله
که شخص که تیمم بدل از غسل کرد [illegible] یا انکه اگر شک
باز تیمم کند پیش از صبح مسئله اگر شخص [illegible] نشد تا آخر شب
که پیش از صبح [illegible] مستحبی
کند [illegible] ولا [illegible] یا حایض یا
غیره ممکن نشود [illegible] ساقط است
بر ایشان [illegible] مسئله در
اول شب تا آخر شب هر وقت غسل کند بجهة روزه واجب است
[illegible] وقت [illegible] و مستحاضه متوسطه غسل شب گذشته
و صبح ابتدای اش باید پیش از صبح کند بنا بر احتیاط و غسلهای
روز را بجهة نمازش اگر ترک کند روزه اش باطل است بالجمله
ذکر شد که روزه را باطل میکند در وقتیست که از روی عمد

و اختیار باشد اگرچه روزه متتابع باشد مسئله هر که اجبارا
چیزی در حلق شخصی ریزند روزه اش باطل نشود اما اگر او را
بخود بخورد واجبست بر او قضا مسئله روزه هائی که قضای
آن واجب شود بسبب جماع و در بعضی از مفطرات مذکوره عمدا
غیر ایشان [illegible] قضاء ماه رمضان بعد از زوال و روزه
نذر معین [illegible] و روزه اعتکاف [illegible] واجب باشد
و غیر ایشان [illegible] خواه قبل
از زوال [illegible] روزه ماه مبارک
و نذر معین [illegible] شصت روز روزه
گرفتن که سی [illegible] شصت فقیر یا مسکین
را طعام دادن که هر کدام شصت مسکین را هر یکی یک مد
[illegible] بر شصت فقیر یا
مسکین [illegible] اما مجزیست اختیار کردن
هر یک را احوط اختیار کردن ترتیب مذکور است مسئله
هر که شصت مسکین یا فقیر را طعام بدهد اگرچه در غیر

و یک روز هم باشد کفایت میکند مسئله هرگاه بمال غصبی یا بحرام

مثل زنا و غیره افطار کند در روزه معین کفاره جمع خالی از

قوت نیست و هرگاه در یک روز چند مفطر در پی بجا آورد مثل

اکل و شرب و جماع و استمنا و کذب بر خدا تکرار کفاره خالی از قوت

نیست مسئله هرگاه مسافر [illegible] بحد ترخص افطار کند

کفاره بر او واجب است اگرچه بعد بحد ترخص رود [illegible] با فساد

کند مسئله در [illegible] النساء [illegible] میشود و

حلال بالعرض [illegible] حلال [illegible]

شرع باید [illegible] دو بیمینی

و در دفعه سیم باید [illegible] طلاق و

در مرتبه چهارم مسئله هرگاه مردی باکراه جماع کند با زن خود

در روزه رمضان و هر دو روزه باشند مرد باید دو کفاره

بدهد و پنجاه تازیانه بخورد و اگر زن راضی باشد هر دو کفاره

خود و بیست و پنج تازیانه را متحمل شوند و اگر در بین

جماع ضعیفه راضی شود احوط آنست که سه کفاره

بدهند مسئله هر که شش روز [illegible] روزه [illegible]
متوالی نداردو [illegible] روزه متوالی [illegible] و اگر [illegible]
ندارد مثل طعام بدهد بشرط آنکه روز قضا [illegible] هر که
جمع کند هر دو روزها را احتیاط آنست و هر که [illegible] ندارد
استغفار کند [illegible] باشد احوط آن
است [illegible] قدرت [illegible] منکر او مطلع حرام
[illegible] مسئله
شخصی [illegible] مستحب آنکه بر دو [illegible]
سفر [illegible] قضاء روزه کند [illegible]
وقت آن [illegible] صبح شد بکند از او احتیاطا
عوض [illegible] مسئله قضاء [illegible] افتاد
نمیتوان کرد مسئله کسانیکه [illegible] روزه گرفتن [illegible]
و مرضعه اگر روزه بگیرند [illegible] و حرام است مسئله [illegible]
هر گاه [illegible] شخص [illegible] مطلق [illegible]
الی الله مسئله روزه [illegible] لازم ندارد مثل [illegible]

مسئله هرگاه شخصی در اول [illegible] روزه را خورد از راه
نسیان یا جهل یا بر [illegible] قضا و کفاره بر او واجب است مسئله
هرگاه روز [illegible] ماه [illegible] خون [illegible] روزه او [illegible]
روزه او روز دویم و سیم باطل بود و خورد خیال آنکه حیض باشد
اگر با عمل تمام [illegible] واگر مقصر به
کفاره دو روز [illegible] مسئله هرگاه شخصی [illegible]
قضا بوده [illegible] ذات [illegible] آن
[illegible] مسئله [illegible]
شام روز [illegible]
افطار [illegible] است [illegible] داشته باشد
در شب جنب گردد روز را از حد ترخص [illegible] افطار کند کفاره
بر او واجب شود در روزه واجب معین مسئله هرگاه نماز خفتن را
فراموش کرد یا خواب رفت تا صبح [illegible] روز آن [illegible] بر او واجب
اگر [illegible] عذری یا فراموشی بکرفت احتیاطا قضا [illegible] مسئله
کفاره شصت [illegible] را [illegible] باید داد اما در کفاره قضا

رمضان که باقدرت نکرفت تا رمضان دیکر چند مد را بیک فقیر
میتوان داد و همچنین در غیر هرکاه متصل بماند مرضش تا رمضان
دیکر مسئله شخص اکر روزه قضا دارد بلکه هر روزه واجبی حتی
استیجار روزه مستحبی نمیکیرد اکرچه در زمانی باشد که روزه
واجبی نتوان کرد [illegible] مسئله حایض در رمضان [illegible]
کند بعد [illegible] و لهذا بعض [illegible] روزه را خورد کفاره ندارد
مسئله شخصی [illegible] مثلا جزء [illegible] روز روزه قضا
کند [illegible] ندارد و الا اکر قضا
کرد قضا روزه [illegible] جاهل بود که جماع
غیر از انزال [illegible] و اکر بعد شب [illegible]
تن بجماع درداد قضاء روزه را بکیرد اما کفاره ندارد مسئله
ضعیفی مثلا نذر کرد که فلان روز معین روزه بکیرد یا نماز
مستحبی بکند بعذری مثل مسافر که نتوانست بجا آرد باید قضا کند
مسئله هرکاه شخص با قدرت ملاحظه صبح نکرد یا بخبر غیر بصیح بودن
اکتفا کرد یا ملاحظه صبح کرد بشک یا بظن افتاد و مفطر بعمل

آورد بعد معلوم شد که صبح بوده قضای آن روز بر او واجبست
نه کفاره مسئله هرگاه شب رمضان مثلا خبر دادند شخصی را که
صبح است و او تفحص نکرد یا گمان شود که سحر است و مفطری بعمل
آورد بعد معلوم شد که صبح بوده قضا بر او واجبست و اگر معلوم
نشود که صبح بوده روزه اش صحیح است [illegible] اگر باشد
خبر دهنده عدلین بوده [illegible] هم واجبست [illegible]
کفاره است و اما در [illegible] که صوم [illegible]
با علم [illegible]
مسئله هرگاه مخبر دهنده [illegible]
خلاف آن ظاهر شود واجبست [illegible]
کردن داشت و نکرد کفاره هم واجبست بنابر اقوی مگر آنکه خبر
دهنده عدل یا عدلین باشند هر چند جاهل باشد بآنکه
تقلید غیر نمیتوان کرد در دخول وقت و خروج آن و ظاهر آنست
نیست مبطل قضا و غیر آن مسئله مکروهست بوسیدن
و لمس زنها اگر شهوت محرکت آید که عادت انزال نداشته باشد

و سعوط و دارو در چشم کشیدن و امثال آن اگرچه بحلق برسد و گرفتن
خون که باعث ضعف شود لیکن مکروه اند آنچه باعث بیهوشی
میشود و داخل حمام شدن که موجب ضعف ناشته باشد و همچنین
چیزی در دهن خاییدن که طعمش بحلق رسد و بوئیدن ریاحین خصوصا نرگس را
بوئیدن گلها را [illegible] گلاب و عنبر و بنداری از برای
روزه دار [illegible] مسئله [illegible] بلوغ است
عقل [illegible] خالی بودن از حیض و نفاس و مسافر
نبودن [illegible] مثل روزه
کردن [illegible] مسئله اگر زن بیمار
شود [illegible] از خوف ضرر باشد
بگیرد و قضایش هم بگیرد و اگر خوف ضرر نباشد که افطار نکنند مسئله
مرد پیر و زن پیر و ذو العطاش که آب را خود باز نگیرد و روزه برایشان
شاق باشد افطار کنند و از برای هر روزی یک مد طعام کفارت بفقیر
دهند و بعد با قدرت قضایش بگیرند و همچنین زن حامله نزدیک بوضع
و زن شیرده که بترسند بر ضرر طفل بشرط آنکه دیگری متکفل شیر

دادن

زادن طفل نشود افطار کند و از برای هر روز یک مد طعام کفاره بدهد و

قضا لازم نشود مسئله هرگاه طفل پیش از صبح بالغ شود و کافر

مسلم شود قصد روزه کند و بعد از نماز دیگر هرگاه تا پیش از

ظهر مفطر شود و مفطری بجا نیاورده باشد قصد روزه کند

غیر از حایض و نفساء و الا که مفطری بجا آورده باشد قضا

بگیرند مسئله هرگاه [illegible] رمضان [illegible]

ماند تا رمضان دیگر از برای هر روزی یک مد طعام کفاره بدهد و

قضا ساقط [illegible]

سفر [illegible]

مرض [illegible] قضا [illegible] قدرت بر

گرفتن داشته باشد و پسر بزرگ حق ایشان تمام باشد واجب است که

مثل نماز ایشان و هرگاه وصیت کنند با غیر بجا آورد

از او ساقط میشود مسئله هرگاه قضاء رمضان بر ذمه شخص باشد

با قدرت بر گرفتن و قصد گرفتن نداشته باشد تا رمضان دیگر

عاصی و گناه کار است و واجبست از برای هر روزه یک مد طعام بفقیر

بر عهد و تعین همان قضا لازم [illegible] و [illegible] چند سال الحیض [illegible]
ماه رمضان [illegible] سال اول [illegible] [illegible] اگر [illegible] الا [illegible]
[illegible] [illegible] و سال اول کفاره [illegible] و سال [illegible] [illegible]
و در سال سیم قضا واجب نیست [illegible] و اجب صوم و قضا
و صوم و قضا آن [illegible] و صوم کفاره و سه روز
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و یمین و غیرها
مشتمله [illegible] حرام [illegible] و قضا [illegible] و یازدهم و دوازدهم
و سیزدهم [illegible] [illegible] [illegible] باشد و صوم وصال
مشغول کردن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که هیچ تکلم نکند
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بی اذن پدر و با
بی اذن مهمان دار بلکه میزبان بی اذن مهمان و [illegible] مستحبی
باشد بعید یا ضعف غالب شود که از ادعیه باز ماند و کسیکه
روزه مستحبی داشته باشد او را اطعام کنند بطعامی و نخورد و زن
بی اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد مکروه است اگر حرام نباشد
از آنها دیگر روزه مستحبی [illegible] [illegible] ماه رمضان

هدون

[illegible]

[illegible] بعد [illegible]

[illegible] اولم

اوقات غیر از این اقسام را اعتبار نیست فصل در زکوة فطره

[illegible] واجبست زکوة بر کسیکه [illegible] از [illegible]

باشد از خود [illegible] خوار [illegible]

[illegible] شود [illegible]

[illegible] مال [illegible] شود [illegible]

غروب اگرچه [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] مثقال [illegible] وزن [illegible]

[illegible] از است مسئله هر یک از عیال شخص

که خرج غیر با خرج خود باشند بوقت غروب فطرشان با غیر یا

با خودشان هست و همچنین بعد از غروب اگر مهمان یا عیال

شخص شوند بلکه هرگاه چنین باشد قبل از غروب هم فطرشان

با خودشان نیست مسئله هرگاه شخص فقیر را اولاد نباشد یا ایشان
بالفعل نباشد انکه ضایع درانست ضرر دارد مسئله هرگاه
پیش از عروسی نفقه بدهند شود واجبست که نفقه خود و عیال خود
را بدهند اگر چه در حال کفر شد واجب بود بلو باشد حج خود را و
مسئله اجناس زکوة ادا کند [illegible] وجه [illegible]
[illegible] وقتیکه ممکن
خصوص [illegible] باشد [illegible]
سال [illegible] و [illegible]
مسئله [illegible]
بیمان [illegible] بال [illegible]
واول با ثار فقیر و بیان خود داده و نیز به همسایگان و بعد با
علم و فضل مسئله باید هاشمی نباشد که زکوة ان مگر انکه دهنده هاشمی
باشد و واجب النفقه نباشد که زکوة ان و نفقه دادن تا کسی که
مسئله بیک فقیر بیک کس بیشتر نتوان داد مگر انکه فقیر بسیار باشند
که کفایت ایشان نکند و بیک نفر میتوان داد انقدر که غنی شود

فراك

صد التی [illegible] اگرچه آخر گشت و [illegible] هم شوان

دادن [illegible] خود شان شد اگرچه الا [illegible] شده

ولی [illegible] جامع القرآن [illegible] از الست

[illegible] دو راحی [illegible] واجب شود بر شخص و او

[illegible] است [illegible]

از [illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

و [illegible] باشد

زکوة [illegible] کند [illegible] مسئله زکوة

دادن [illegible] است [illegible]

زکوة [illegible] تمام سال چون باشند در [illegible]

و کار کن و بار کش نباشند مسئله [illegible]

از صدقه [illegible] باشند و [illegible] باشد کم [illegible]

چهار [illegible] است [illegible] شاه [illegible] پیش از [illegible]

زکوة [illegible]

شده شن باشند یا زهم بود و یکی از ایشان دو شریک دیگر را
مال حلال و شبهه باشد و از یک دیگر بشت و تمییز نتوان کرد
و خمس مال بشود که داخل در مسائل حلال شبهه باشد یا مال حرام
که تصرف در آن کند داخل در مسائل خمس شده باشد و در مسائل خمس
بر آن نیست و این شرط که خمس کند مال ایشان را زیاده باشد مسئله
ضابطه [illegible] و مشایخ [illegible] و مال او زکوة بی کار
باید [illegible] مسائل [illegible] و در سبیل کار او
کار [illegible] باشد فصل در مسائل خمس
مسئله [illegible] در مال [illegible] چیز است اول
مال [illegible] از غنائم کفار در وی
چهارم [illegible] از دریا به غوص بدر آید یا عنبر که از روی دریا
بگیرند پنجم ارباح مکاسب است ششم زمینی که ذمی از مسلمانی بخرد
از مسلمان بخرد هفتم مال حلال البته که مخلوط در مال حرام شده باشد
مسئله خمس بر مالک است و باید داد نصفش از بهر اطفال سادات یا
وکیل ایشان باذن او باید داد و نصفش به ایتام و ابناء سبیل

البته

خمس

[illegible] [illegible] كه [illegible] يا بيرون [illegible] شده باشند

[illegible] [illegible] اگر [illegible] باشد خمس او [illegible]

مسئله خمس [illegible] اگر [illegible] [illegible]

آنچه [illegible] اگر زياده از خمس [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] اخراج خمس [illegible] [illegible]

كه [illegible] [illegible] يا ملكي [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مسئله

مسئله [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] مسئله [illegible] [illegible]

ازانكه [illegible] [illegible] [illegible] مثل [illegible]

[illegible] [illegible] مسئله مال [illegible]

كه [illegible] باشد [illegible] شده باشد ولو معوضه خمس

مسئله مال خمس داده شده اگر مخلوط شود با ارباح مكاسب

بعد از آن [illegible] و باقی از خمس [illegible] مسئله هرگاه خمس

مال زیاد بر ذمه کسی باشد و بتصرف در مال کند [illegible] ثابت [illegible]

مجتهد مسئله تعیین خمس و اداء آن هرگاه [illegible] مؤنت خود کرده باید خمس

را در همان سال [illegible] اگر [illegible] احتیاطا خمس را بدهد [illegible] مسئله مساوی

باید خمس [illegible] سادات [illegible] و ایتام و ابن السبیل سادات [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] سابق [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] خمس [illegible] سهم امام را

[illegible] مجتهد یا مجتهد

[illegible] مسئله [illegible] خمس [illegible]

[illegible] شود که هر وقت خمس

[illegible] اگر [illegible]

باقی باشد مسئله [illegible] نباشد [illegible] تجارت یا [illegible]

[illegible] بعد از [illegible] مؤنت خمس [illegible] مسئله

هرگاه [illegible] خمس [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] از [illegible] است [illegible] بر [illegible]
[illegible] بعض [illegible] بشتر [illegible]
[illegible] هر که [illegible]
[illegible] سبب [illegible] اذن [illegible]
[illegible] اکثر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کردن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بدن [illegible] بیاد [illegible]
زمین صلب و در نمو الحیوانات و در اجسام جاری و جمیع اشیا
و خوردن و اشامیدن و طول دادن و نمو الذکر [illegible] و در حال
تحلل و استفراغ بدن را است و بدنست چه هم اگر انکسار [illegible]
با شمامه مخزمه و غیره باشد و بعض کنند مکرر کر غذا و غیره [illegible]

کردن

کردن مرده [illegible] کردن [illegible]

کردن [illegible] مستحبست

[illegible] و طواف [illegible]

و مستحبست از برای طلب حاجت و حمل مصحف و از برای خواب و نماز

[illegible] و خواندن قرآن [illegible] جنب را

خوردن و آشامیدن [illegible] جماع کردن

[illegible] از برای جماع [illegible] و دخول [illegible]

و کتابت قرآن [illegible]

در شب [illegible]

در قبر و کفن کردن [illegible] حائض

مشغول [illegible] ذکر [illegible]

[illegible] پیش از خوردن طعام و بعد از آن [illegible] و از آداب وضو است

مستحبست که آب بدست راست بردارند و بسم الله بگویند و دعا

[illegible] خواندن و بعد از آن سه ۳ مرتبه مضمضه و سه ۳ مرتبه

استنشاق کردن و تا بند دست [illegible] دو مرتبه شستن

و همه بکار آب گرم شستن و مرد آب با هر دست و زن

بباطن دست و پشت دست شستن که از آب گرم [illegible] دیگر است

مستحب است و اما دیگر آداب [illegible] اعضا و خشک کردن مکروهات جنب

مکروه است غسل جنب را گوشت خوردن و آشامیدن بی وضو

[illegible] و استنشاق [illegible] قرآن زیاده از هفت آیه غیر از

چهار سوره سجده [illegible] وضو یا تیمم بدل غسل

اگر آب نباشد خضاب کردن و با حائض [illegible] جنب کردن غسل آداب غسل

[illegible] تا در نفس [illegible]

و [illegible] از برای حج و [illegible]

کردن و [illegible] باشد تا اول غسل

و بعد از رسیدن غسل با اعضا دست بر [illegible] البدن اغسال مسنونه

غسل ترتیبی [illegible] را اغسال [illegible] که بعضی [illegible]

لکن ذکر میشود [illegible] غسل جمعه و عید فطر و عید قربان

و [illegible]

[illegible]

والغسل

و نیمه ماه رجب و روز مولود حضرت رسول صلعم و روز نوروز و شب
نیمه شعبان و شب عید فطر و شبهای طاق ماه مبارک رمضان و روز
اول آن و شبهای دیگر شب بیست و سیم و غسل وارد است در شب
دهه آخر تمام ماه هر شب غسل مستحب است و این غسلها از برای
که حاجی میکند از برای احرام [illegible] مکه و مدینه و [illegible]
دخول [illegible] مسجد الحرام و حرم و دخول خانه کعبه و غسلهای مکان
و اما غسل جمعه [illegible] وقت [illegible]
یا [illegible]
و [illegible]
[illegible] و طلب باران
و بعد از آن [illegible] و غسل استسقاء و [illegible] کردن
[illegible] غسل [illegible]
[illegible]
[illegible] زمین [illegible] کشاده [illegible]
[illegible]

مشغله مکروهست بر دهل و زمین شوره زار و بیرون زمین تیمم آداب حمام
کردن مشغول [illegible] است مستحب است رفتن حمام یک
روز در میان و با ازار بودن در حال دخول و مکث و در حال غسل
آمرزش و حفظ عورت و سلام کردن کسیکه با لنگ است و داخل خزینه که
میشود بگوید مکرر نعوذ بالله من النار و نسئله الجنة و نوره
کشیدن هر [illegible] و یکمرتبه افتاد روز
شنبه مکروه است نوره کشیدن و مستحب است [illegible] نوره کشیدن با
برداشتن [illegible] صلی الله علی سلیمان بن
داود کما امرنا بالنوره [illegible] یا پا مالیدن و سر را
با خطمی [illegible] و دستها را حنا
کردن خصوص [illegible] در حمام نشستن و با شکم
خالی یا پر بودن و آب سرد نوشیدن و آب سرد بر بدن ریختن و
بپهلو یا پشت خوابیدن و ریش را شانه زدن و مسواک کردن و
بر سر و رو مالیدن و با کوزه پا را پاک کردن و در حال
کشیدن نشستن یا در حمام مستحب است که آنها را اعمال نکند و غسل

در حمام رفتا

اشباه [illegible]

درحین غسل اگر مستحب است جنب را از آنها بول [illegible] و استبرا و [illegible]

[illegible] مع [illegible] غیر لازم [illegible] و حیوانیکه میته خورده و سؤر

حائض متهمه والبا کسیکه از نجاست اجتناب نمیکند و رطوبت

موش زنده و وضو [illegible] وقت عرق جنب از احتلام

و مسوخات [illegible] آب [illegible] [illegible]

مستحب است [illegible] فصل [illegible] مستحب است

[illegible] بپوشد [illegible] که [illegible]

[illegible]

بپوشد و مستحب است [illegible] باشد

مبالغه [illegible] زن [illegible] و ورد او زن

بودن [illegible] یاد کردن جامه [illegible] شعار [illegible] و عطر زدن و پاکیزه

لباس و انگشتر عقیق در دست کردن بلکه در غیر نماز هم و شانه

ریش زدن و مسواک کردن فصل مکروهست لباس سیاه پوشیدن

[illegible] زنان هم مکر [illegible] جامه و ردا [illegible] مکروه است [illegible]

[illegible] از [illegible] اجناب از جامه [illegible] است و مکروه

معنی لبس

مکروهات لباس

ده ... [illegible] ... کشته ... [illegible]

... [illegible] ... شود ... [illegible]

آب ... [illegible] ... النقل باشد ... [illegible] شود ...

واز ... مکان که بجنان و وادی شتر و ... [illegible]

بکند ... [illegible] که ... باز اشتر ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

آرد ... [illegible] ... باشد ... [illegible]

باشد ... [illegible]

... [illegible] ... کردن ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... باشد ... [illegible]

... [illegible] ... باشد که ... باشد که ... [illegible]

... [illegible] ... باشد ... [illegible]

یا غیره ... [illegible] ... ناز کردن ... [illegible]

که ... [illegible] ... [illegible]

مستحب جهت آنکه شیخ باشد هرچند بنا نهد کسی عمود و ... افکند

استحباب فضل مسجد بیشتر کرده اند و مسجد بنا اوند تستوال است که نماز

در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز است و در مسجد رسول صلی الله علیه

برابر ده هزار نماز و در مسجد کوفه و مسجد اقصی برابر هزار نماز

و در مسجد جامع برابر صد نماز و در مسجد محله برابر بیست و پنج نماز و در

مسجد بازار برابر [illegible] نماز [illegible] از امیر المؤمنین صلوات الله علیه

افضل [illegible] مساجد [illegible] تکبیر [illegible] امیر المؤمنین

مقدس [illegible] شنود از خود [illegible]

کتبه [illegible] الا [illegible] مسجد الحرام والله اعلم

اذان و اقامه — فصل در اذان [illegible] اذان و اقامه اذان و اقامه

نزد غیر آن [illegible] اول [illegible] تکبیر است و آخرش لا اله الا

الله و اقامه اولش تکبیر است و آخرش لا اله الا الله

و قد قامت الصلوة علاوه دارد و باقی دیگر مثل هم باشند

اما اذان و اقامه را بعربی باید گفت و حروف را ترتیب داد درست

و با ترتیب باید گفت و باید تا آخر بودن و بعضی صلوه معتبر است

و باعث

[illegible]

گر ایشان را تعلیم و ارشاد فرمائی موجب خود نباشد و ایشان را
از خود ملول نگردانی زیرا که هر چه ایشان [illegible]
طبع ایشان [illegible]
خواهند بیشتر از تکبیرة الاحرام بگوید خواهند [illegible]
[illegible]

بقصد باشد و دور از [illegible] باشد [illegible]
و [illegible] نماز [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نسیان [illegible] [illegible]
و در حال تشهد فصل آن [illegible] کرده است [illegible] [illegible]
[illegible] رکوع در حال قیام و دست [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]
کند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
قطع کند و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و بعد [illegible] [illegible] فصل [illegible] است و رکوع [illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و دست [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] احوط الجنابة [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
رکوع و سجود فصل [illegible] [illegible] است [illegible] اختیار کرده

[illegible] [illegible] (margin)
[illegible] [illegible] (margin)
[illegible] (margin)

[illegible]

باید نشیند که پشت پای راست را بکنار [illegible] پای چپ و [illegible]
بر زانوی چپ بنشیند و چشم بر کنار خود نهد از دو ابتدا کند بگفتن
بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء لله و تکرار کند الحمد لله
را بعد از تشهد سه مرتبه بلکه سبحان الله را نیز مرتبه [illegible]
ضم [illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله [illegible] اللهم صل علی محمد [illegible] از [illegible] و تشهد را
ابتدا [illegible] کند کیفیت [illegible] [illegible] الصلوة و به در آنجا
[illegible] [illegible] و [illegible] کند منفرد [illegible] ار سایر
[illegible] [illegible] کند [illegible]
[illegible] [illegible] چشم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
که [illegible] دو بار بگوید سلام [illegible] بجانب یمین اشارت کند
دیگر بجانب [illegible] [illegible] السلام [illegible]
[illegible] السلام [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

از سایر

السنة

بجای نماز و تسبیح و تهلیل که بعد از زوال نماز ظهر

و نشستن را دو حال بجای آرد در حال قیام و در نشستن را بنهد

بنشان کند و دست در حال قیام و بکنار نهد و بنهد

دست بر ران خود که سر انگشت بر سر زانوهای خود باشد و

انگشتان کند و بنشیند و تکیه بر روی نهد دو

خود را بر ران خود نهد نشستن و از

خود را بلند کند و بر پای و بنشیند که بنهد مثل

و در وقت ... لمسید

نماز ظهر ... ظهر است

و وقت آن اول ... آخر که وقت

ماند ... شود الا ... کردن نماز ظهر و تا

هشت رکعت تا وقت عصر و وقت بعد از نماز ظهر است تا سایه و

زوال چیزها دو شود الا آنچه بود کردن نماز عصر تا اگر بیش از آن کند

کرده باشد که وقت بکند ... تمام کند ... الکت

تا نماز مغرب و وقت بعد از نماز مغرب تا وقت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وصلى الله على محمد

آله الطاهرين

هذا کتاب ترجمة الصلوة

بسم الله الرحمن الرحیم

الله اکبر یعنی خدا بتعالی بزرگتر است از آنکه وصف کرده شود

اشهد ان لا اله الا الله یعنی شهادت میدهم که نیست هیچ

خدای بسزا پرستش مگر یکتا و بیهمتا اشهد ان محمدا رسول الله یعنی گواهی

میدهم که محمد رسول و فرستاده خداست اشهد ان امیر

المؤمنین علیا ولی الله یعنی شهادت میدهم که امیر

[illegible] اولاد معصومین او حجتهای خدایند

[illegible] حی علی الصلوة یعنی بشتابید

از برای نماز [illegible] حی علی الفلاح یعنی بشتابید از برای

نماز حی علی الفلاح یعنی بشتابید برای رستگاری حی علی خیر العمل

یعنی بشتابید از برای بهترین اعمال که نماز است قد قامت الصلوة

یعنی بتحقیق که برپا شد نماز لا اله الا الله یعنی نیست خدائی بسزای

پرستش مگر خدای یکتا و بیهمتا اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

یعنی پناه میبرم بخدا از شر شیطان که رانده شده و طعن کرده شده

بسم الله الرحمن الرحیم یعنی ابتدا میکنم بنام خداوند [illegible]
[illegible] الحمد لله رب
العالمین یعنی [illegible] خداوند [illegible]
[illegible] الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] مالک یوم الدین [illegible]
[illegible] ایاک نعبد و ایاک
نستعین یعنی [illegible] اهدنا الصراط
المستقیم یعنی [illegible]
صراط الذین انعمت علیهم [illegible]
[illegible] غیر المغضوب علیهم و لا الضالین
[illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد یعنی بگو یا محمد [illegible]
الله الصمد یعنی [illegible]
لم یلد و لم یولد [illegible]
و لم یکن له کفوا احد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صفت دارد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صفت دارد [illegible]

[illegible]

[illegible]

اين صفت دارد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اللهم اغفر لنا ذنوبنا [illegible]

في الدنيا والآخرة [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا

شريك له [illegible]

[illegible]

[illegible] واشهد ان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] السلام عليك

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

رسالة [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وكل طرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جائز است [illegible]

[illegible] المثل [illegible] كرده [illegible] است [illegible]

[illegible] است اما [illegible]

[illegible]

[illegible] اذن [illegible] شرط نيست

[illegible] بگويند [illegible] معنى [illegible]

باطل است [illegible] باشد [illegible] مسئله [illegible]

صحیح است [illegible] اگر صحیح [illegible] انقضاء عده [illegible]

اعاده [illegible] مسئله [illegible] اگر [illegible]

کند باطل است و [illegible] مسئله هرگاه [illegible] عقد کند بعد از [illegible]

شدن [illegible] ذکر شد [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

مسئله هرگاه [illegible] با زن [illegible] دختر آن زن [illegible]

[illegible] میشوند بر او [illegible] مسئله

[illegible]

[illegible] بر او زن

حرام موبد میشوند مسئله دختر زن غیر مدخوله و خواهر زن مطلقا

تا زن در عقد هست نمیتوان کرد اما نظر محرمانه بر ایشان میتوان

کرد مسئله هرگاه شخصی دختر برادر زن یا دختر خواهر زن خود را عقد

کند بی اذن و اجازه زن عقدش باطل است مسئله هرگاه کسی زنا کند

بعمه یا خاله خود دختر های ایشان بر او حرام موبد میشوند مسئله

کسی

[illegible]

[illegible]

بعضی خود را [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] زنی محرم باشد [illegible]

کس [illegible] باشد [illegible]

خود را [illegible]

[illegible] او حرام میشود مقاربت او الا

[illegible] او [illegible]

[illegible]

[illegible] خلاص شود مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مسئله جایز است [illegible] کسی را که اراده دارد نکاح زنی را اگرچه

دارد [illegible] نظر کردن بروی [illegible]

و همچنین بمحارم خود و زنان اهل ذمه را اما غیر عورتشان مسئله

نظر کردن بوجه و کفین زن اجنبیه بدون لذت و ریبه حرام نیست اما

[illegible] مسئله نکاح کردن کسیکه [illegible]
[illegible]
[illegible] مسئله هرگاه خطبه کنند [illegible]
[illegible] بر کسیکه [illegible] اختیار نکاح کرد
[illegible] ملاحظه [illegible] مسئله [illegible]
[illegible]
[illegible] ضعیفه خود را [illegible]
[illegible]
[illegible] مسئله هرگاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
مسئله شخص هرگاه نوشت که فلان زن معینی را [illegible]
مسئله هرگاه شخص بگوید فلان کنیز معین را [illegible]
[illegible]
[illegible] مسئله [illegible]

بلکه حرام شود و همچنین [illegible] بنت [illegible] بر او خود [illegible]
باشد [illegible] جایز نیست [illegible] اگر نکاح کند [illegible]
و همچنین [illegible] البنات [illegible] همچنین [illegible] زن [illegible] بعد از
[illegible] مسئله اگر [illegible] شوند [illegible] پیش از دخول [illegible]
[illegible] بعد از دخول اگر باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] طلاق اگر [illegible]
[illegible] مسئله اگر مسلمان شود زن
[illegible] بعد از دخول باشد
کند [illegible] مسلمان شود زن [illegible]
و الاصح [illegible] زن مومنه [illegible]
بنا بر [illegible] مسئله شرط نیست [illegible] متعه تعیین مهر و زمان [illegible]
و ذکر [illegible] ایجاب [illegible] مسئله اگر شرط کرد که نفقه و کسوه
[illegible] بعد از دخول [illegible] با [illegible]
و در نفقه و کسوه اشکال است و اگر قبل از دخول باشد نفقه [illegible]
بلد [illegible] مسئله متعه [illegible] و حق [illegible] ندارد و خرج [illegible]

ندارد

ندارد بل اگر حمل داشته باشد خرج طعام و رخت حامله باید بدهد مسئله اگر
کسی زن خود را [illegible] نفقه [illegible] مسئله نفقه [illegible]
اگر زن بی اذن شوهر از خانه بیرون رود نفقه و جهیز [illegible] بگیرد [illegible]
[illegible] حق شوهر [illegible] مسئله هرگاه زوجه بعضی
[illegible] که شوهر [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
اخراجات [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه [illegible]
[illegible]
[illegible] دارد [illegible] مسئله هرگاه [illegible]
[illegible] داشته باشد حق واجب [illegible]
داشته مسئله هرگاه دو زن داشته باشد [illegible]
نزد یکی [illegible] سه شب نزد دیگری مسئله بر شوهر واجب است نفقه
و کسوه و مسکن زن دائمی باشد اما با تمکین نفقه و اگر [illegible]

معتبر است برای مسئله هرگاه ضعیفه ایاسه نکند شوهر خود را و تا
تمتع ایشانرا [illegible] نفقه و کسوه و سکنا داوری اتفاقا
کنند [illegible] نشود [illegible] مسئله طلاق
شرط [illegible] و با [illegible] و عدالت شاهد
زن شرط [illegible] تا [illegible] باشد که مدخوله باشد و لو
[illegible] مسئله اگر زوج طلاق داد
[illegible] و [illegible] که رجعی بود
[illegible] با [illegible] عدد
طلاق [illegible] و طهر غیر مواقعه
شده باشد [illegible] طلاق داد و با
مسئله هرگاه زنی [illegible] باشد [illegible] شوهر
تا سه ماه [illegible] طلاق [illegible] و
سه ماه دیگر عده بدارد مسئله هرگاه ضعیفه بعد یکی در
و میداند که رحم شوهرش بعد تا سه ماه صبر کرده و شک دارد
که رسته طهر واقع شد در آن سه ماه یا نه رشکش اعتبار ندارد مسئله

هرگاه

هرگاه ضعیفه بعد از طلاق رجعی یکمرتبه حیض دید و دیگر نبیند
صبر کند تا نه ماه انتظار وضع حمل بکشد هرگاه وضع حمل نشد
باز صبر کند تا سال و اگر یکروز نمانده تا سال شوهرش وفات کرد
باید چهار ماه و ده روز عده وفات بدارد ابتدای عده است
مسئله زن صغیره و یائسه [illegible] طلاق ندارند اما
عده وفات چهار ماه [illegible] دارند و لو متمتعه و اگر حامله
باشد هر عده که [illegible] هرگاه [illegible]
طلاق [illegible]
شوهر [illegible] مسئله [illegible]
از [illegible] مسئله حیض [illegible]
زن سیده شصت سال تمام و غیر سیده پنجاه سال تمام کرده اند حیض
نبینند باید سه ماه عده نگاه دارند اگر در اول ماه باشد هلالی بگیرند
و اگر در وسط ماه باشد دو طرف ماه را سی روز بگیرند و در وسط
هلالی مسئله عده کنیز نصف عده حره است و لو منقطعه
مگر عده وفات که چهار ماه و ده روز است مطلقا و اگر حامله داشته باشد

ابن الابن است مسئله جائز نیست که مرد مؤمن کنیز [illegible]
[illegible] طلاق داده باشد تا شوهر کند و جائز نیست که [illegible]
[illegible] جمع کند [illegible] مسئله [illegible]
[illegible] شوهر [illegible] و [illegible] بدون [illegible] مسئله
هرگاه [illegible] و [illegible] اگر
[illegible] باشد مسئله اگر ضعیفه
شوهر [illegible] اگر شرع [illegible]
[illegible] عروس شده
[illegible] باطل است
[illegible] حرام است
حرام است مسئله اگر زن شوهردار زنا دهد بعد شوهرش [illegible]
بر او حرام نیست و اگر شوهرش [illegible] بدون اعلام شوهرش [illegible] کنند
[illegible] میشود مطلقا و کراهت دارد اظهار معصیت مسئله
هرگاه در عده بائن شوهر وفات کند بعضی [illegible] طلاق داده [illegible]
تا یک سال عروس نشده باشد ارث شوهر را میبرد و در عده رجعی [illegible]

وشوهر

هم نمیتواند رجوع کند ثابت میکند رجوع را مسئله هرگاه شوهر با
شرایط بگوید زوجتی طالق یا وکیل بگوید زوجة موکلی طالق
ثابت میکند [illegible] ضعیفه میتواند که پیش شوهر شود و [illegible] خود را
بگوید [illegible] وکالة عن موکلی انا طالق مسئله قبول کردن [illegible]
ضعیفه در [illegible] مسئله مرد با زوجه منقطعه
خود [illegible] قول زوجه است
مسئله [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه
بگوید [illegible] قول زوجه است مسئله
زوجه [illegible] منقطعه اگر
چنین ببیند زوجه حیض بعد از دو الاجل و [illegible] روز است [illegible] اگر
ضعیفه در عده غیر رجعی باشد همان شوهر خودش میتواند او را
عقد کند از برای خودش اما اگر عقد کرد و مدتش را بخشید دیگری بعد
نمیتواند عقد کرد از [illegible] مسئله هرگاه مولا کنیز را که
معقوده غیر هست آزاد کند عقدش ثابت میماند با اختیار جاریه

اگر

آنرا [illegible] مسئله هرگاه مولی بنده خود بگوید [illegible]
نفقه [illegible] و [illegible] از ثلث میّت بیرون کنند
[illegible] اینست مسئله هرگاه [illegible] بگوید [illegible]
فرمان [illegible] آزادی عبد قبول کرد و [illegible] کرده
آزاد و [illegible] فرمان دیگر باید که [illegible] اینست که [illegible]
کرده باشد مسئله شخص [illegible]
و در بین سال [illegible]
فسخ باطل کنند مسئله [illegible]
و [illegible]
که [illegible] باشد [illegible] عقد کنند
فعلش حرام است [illegible] مسئله هرگاه شخص
کنیز خود را بعقد دیگری درآورد [illegible] مسئله
هرگاه زنی با مرد محرم باشد مثل مادر و فرزند که خواسته باشند
[illegible] عورت [illegible] باید کیسه یا چیزی
در دست کنند که دستشان بر عورت [illegible] حرام است [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صغیره [illegible]

جایز است مسئله هرگاه [illegible] صغیره [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

محرمیت جایز است مسئله هرگاه زنی را [illegible]

[illegible]

مسئله

[illegible]
بعد از عقد [illegible] و تفاوت [illegible]
با او [illegible] زن هرگاه [illegible] شود اینکه شوهرش با او
مقاربت نکند صحیح است و منع دیگری از مقاربت با او [illegible]
[illegible]
[illegible]
و هذا [illegible]
شهر [illegible] بعد از طلاق [illegible]
[illegible]
[illegible] طالق
[illegible] انت [illegible] باطل و اسم
مفعول [illegible] طلاق رجعی هرگاه شوهر [illegible]
حق رجوع [illegible] مسئله [illegible] از بسیار مشکل است مسئله
زنی حامله بود که شوهرش در سفر وفات کرد و بعد از [illegible] شوهر
که چند سال که گذشت شوهرش آمد [illegible] شوهر ثانی [illegible] داد

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

از کردن [illegible] مسئله [illegible]

اگر ضعیفه بگوید [illegible] باشد [illegible]

[illegible] مسئله هرگاه [illegible]

باشد [illegible] مسئله ضعیفه هرگاه [illegible]

[illegible] بعد معلوم شد که او

[illegible] هر چند باشد و [illegible]

[illegible] هرگاه [illegible]

[illegible] مسئله زن در [illegible]

[illegible] شوهر [illegible] و حرج او بودن ضرر ندارد مسئله هرگاه

مردی خدمتی چند از زن خود [illegible] کرده اما از زن [illegible]

اجرت خدمت از مال شوهر بر دارد مسئله هرگاه زن حمل حرام داشته

باشد و عمدا از اسقاط کند گنهکار است اگر طفل مسلمان باشد اما

طفل معلوم نیست که بر ضعیفه لازم آید زیرا که طفل حرام زاده معلوم

نیست

باشد ... و ... نکاح است با ایشان زیرا که ... [illegible]
[illegible] و ... خواهران ایشان را که ذکر شد بر خواهر و برادر ...
... شیر خوارگی حرام نشود اگر ... نکاح کند ...
... تمام ... شیر خوار ... [illegible]
و ... [illegible]
... [illegible] ...
... و نکاح ... [illegible] ... حرمت ...
شرط اول ... [illegible] ... زیرا که ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
برداشت و شیر متصل بود که ده دفعه مثلا طفل از شیر داده
که جمله تمام شد بعد پنج دفعه دیگر شیر داد نشر حرمت نمی کند
زیرا که این شیر دو جا شیر شود ... ششم آنکه ... طفل ...
... اگر طفل ... [illegible]

بشیر

شیر بخورد اثر حرمت نمیکند اما اگر [illegible] شیر [illegible]
مطلق پنج شیر است الشافعی و نزد او اثر حرمت نمیکند مگر آنکه طفل
[illegible] پنج نوبت شیر [illegible] نکند اگر چنین باشد احتیاط کند
و نظر [illegible] اگر اطفال [illegible] شیر [illegible]
که لبن شیر از [illegible]
[illegible] شیر بخورد [illegible]
مگر طفل که [illegible]
بخورد [illegible]
[illegible]
مگر طفل که [illegible]
[illegible] شود [illegible]
[illegible] احتیاط کند [illegible]
[illegible] طفل [illegible] با او
و شوهر [illegible] اگر دو زن از یک شوهر [illegible]
دو [illegible] طفل [illegible]

اگر بایک زن [illegible] دو [illegible] شیر داد هر [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

هر [illegible] [illegible] [illegible] قرابت شیر [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و طفل [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] زن [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اخواهر [illegible]

یا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

هم [illegible] [illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible] اگر [illegible]

یا زن پدر [illegible] شیر دهد طفل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

طفل [illegible] از زن دیگر [illegible] بر او حرام میشود زیرا که [illegible] طفل

همچو از دختر صاحب شیر زاده باشد که [illegible] [illegible]

زن

[illegible]

میشود یکی بر دیگری که حرام شود [illegible] مر زن [illegible]
کبیره و صغیره پس [illegible] صغیره [illegible] حرام شود [illegible]
از ایشان [illegible] صغیره را کبیره [illegible] حرام است
[illegible] باشد [illegible] حرام است و دخول کرده
[illegible] صغیره
[illegible] حرام [illegible] اگر غیر مدخوله است اگر
[illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible]
حرام [illegible]
[illegible] مدخوله [illegible]
[illegible] حرام میشود [illegible]
[illegible] باشد و اگر غیر مدخوله باشد [illegible] حرام میشود
[illegible] احتیاط [illegible] لیکن اگر خواسته باشد صغیره را
باید [illegible] بعضی علماء [illegible]

واما

زا بخر اند دادن بعضی رضاعی [illegible] اند و اتفاقا خلاف مشهور است
امروز [illegible] امر نکاح است مسئله بعضی برادر و خواهر [illegible]
[illegible] الندا خلاف مشهور است لکن رضاعیه
[illegible] مسئله دادن رضاعی بحضر [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه [illegible]
[illegible] خواهر میشود [illegible] خواهر [illegible]
کرباذن زن [illegible] برادر دختر خواهر و [illegible]
[illegible]
رضاع [illegible]
[illegible] است
رضاعی بنابر اشهر مسئله هرگاه شخص مالک شود [illegible]
[illegible] آزاد میشوند برادر همچنانکه نسبی [illegible]
و اولاد و خواهر و برادر و عمه و خاله و دخترهای خواهر و برادر
برادر بنابر مشهور مسئله هرگاه کنیزی [illegible] عمه و خاله
[illegible] میشوند دخترهای رضاعی ایشان هرچه پایین روند [illegible]

با برادر شوهر مشتمله در این فرض شیر دهند برادر شوهر اینان زن

برادر شوهر را بر جمیع احکام اجتناب باید مسئله هر گاه دو زن بعض

شوهر شیر بکنند او شوهر و زنند هر یک بچه ایشان دفعه از همدیگر سبب

شود هر دو حرام میشوند و عقد ایشان باطل میشود اگر خواهر [illegible]

[illegible] ده مرتبه تمام شود [illegible]

[illegible] از [illegible] معلوم شود که هر دو زن

[illegible] ایشان [illegible] شده که عقد هر دو با

[illegible] باطل است مسئله پس [illegible]

[illegible] هر [illegible]

[illegible] و حکم [illegible]

بر شوهر شیر دو [illegible] چند که [illegible] مثل انکه زنان

شیر شوهر خود شیر دهند [illegible] خواهر [illegible]

با [illegible] با [illegible] با [illegible] با [illegible]

با [illegible] خاله و فرزند برادر [illegible] با زن دیگر شوهر

[illegible] برادر و با خواهر شوهر [illegible] با فرزند [illegible]

شوهر خود را باید و عوض خواهد از شوهر خود را امر کنند
زن [illegible] خود را از شیر [illegible] شوهر شیر [illegible] در [illegible]
اقسام [illegible] دلیل بر اعتبار حرمت این نوع از عموم [illegible]
[illegible] مذکر است و [illegible] مطلقا [illegible]
زنی با او [illegible] از [illegible] خواهد [illegible]
دهد [illegible] این مسئله [illegible] است
اختیار کردن [illegible] است
اختیار کردن [illegible]
[illegible] که شیر را
[illegible] است
است که [illegible] این است که شوهر [illegible] و اگر
[illegible] طفل از او گرفت [illegible] مسئله
[illegible] کنند که [illegible] شاید [illegible]
شوهر [illegible] خود را گرفته [illegible] کرده [illegible]
[illegible] از [illegible] است

که طفل را فوت الکل باشد همچنین که بچه در شکم زن باشد [illegible]

یا کنیز [illegible] نشانه اگر [illegible] شیر [illegible]

[illegible] و کرده [illegible] مسئله [illegible]

و همچنین اگر [illegible] اولاد او [illegible]

شیر [illegible] شوهر باشد شیر او [illegible] مسئله

اگر زنی ادعای رضاع محرم کند [illegible] باشد [illegible]

اگر شوهر [illegible] شخص [illegible] امّا اگر بعد از عقد باشد

[illegible] لکن [illegible] اگر [illegible] از

دخول [illegible] امّا اگر بعد از دخول

[illegible] بر [illegible]

اینها در صورتی که [illegible] کند و اگر [illegible]

نوع اول آنکه [illegible] مثل [illegible] است و اگر [illegible]

بر او حرام است و اگر ادعای علم کند [illegible]

نوع دوم آنکه اگر [illegible] خورد [illegible] ادعای علم [illegible]

اگر پیش از دخول [illegible] مهر [illegible] و اگر بعد از دخول باشد

تا هر دو ابطل شد بلا خلاف [illegible] از هم جدا شوند و اگر مدعی زوجیه
باشد ضبط [illegible] و شرط [illegible] مسئله اشکال [illegible]
[illegible] کرده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
کرد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است لکن
مسئله حق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
مسئله اگر [illegible] [illegible] رضاع [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] جایز است [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] باشد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] مسئله شخص [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
تملیک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]
[illegible]
است بعد [illegible] بکند [illegible] دلیل اگر [illegible]
[illegible]
قبل [illegible] الانفراد [illegible] و اگر کرد [illegible]
[illegible]
دارد [illegible] کردن [illegible]
[illegible]
ان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
در این [illegible]
[illegible]
شد و [illegible] کند [illegible]

[illegible]

[illegible] امام جعفر صادق [illegible] آنرا [illegible] اگر

اما اگر [illegible] الاشتر [illegible]

تصرف در چیزی که [illegible] مسئله

[illegible] الغیر [illegible] اما اگر غصب است مسئله

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله

اگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نماز کند [illegible]

مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

در زمین وقف مثل مسجد [illegible] از دور [illegible] باشد که [illegible]

روی او نماز کنند [illegible] حرام کرده است اگر [illegible]

مغصوبه بر [illegible] صاحبش حاضر شود برد و بطلان نماز کند [illegible]

مسئله اگر جماعتی از لشکر سلطان کرد باشند که [illegible]

ایشان [illegible] ایشان [illegible] بکرد [illegible] اگر راضی باشند

مسئله هر کاه از روی [illegible] احتمال ایشان [illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله

غصب [illegible]

ردّ مظالم [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] غصب کرد [illegible]

[illegible] مسئله اگر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وچون مال خویش را از وی است بگیرد و آن را [illegible]

مشتمل [illegible] مال [illegible] کرست [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] با اهل [illegible]

بسیار بود و اندر هست [illegible]

کتابت [illegible] که کند [illegible]

که تا در [illegible]

و آن [illegible] اسپ [illegible]

آن [illegible]

[illegible] از واع است [illegible]

[illegible] بالصاحب [illegible] است [illegible]

شخص چون مثلا از [illegible]

خود کرد [illegible] که [illegible] اشد [illegible]

او را [illegible]

[illegible]

شخص [illegible]

کس را

نفسب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

احتیاطا از غلطات ارث حساب کنند تا بلکه مستحق حق الناس بذمه

اثر هست و قدرت برادا کردن آن ندارد تا روز و روزی با تلافی

مثلا از برای صاحبان آن بجا آورد و طلب مغفرت کند امید هست

که خدا خصمان او را راضی کرداند مسئله هرگاه شاخه درخت میوه

دار از باغ بیرون آمده باشد راه گذار بی اذن مالک میتواند میوه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از کند [illegible]

بحال غضب [illegible] کند و اگر [illegible] کرده باشد و آنکه خود را [illegible] کند

و بیرون رود و نماز کند [illegible] و [illegible] و الا [illegible]

[illegible] و تغافل و [illegible] و با اختیار خود [illegible] کند [illegible]

[illegible] و بعد بعض [illegible] کند

[illegible] کند

مثل

[illegible]

... تاوان مال فلانی برده‌ام است ...

... تاوان ... است ...

... الکفاله ...

تاوان مال فلانی ... است که ...

شفعه

باشد فصل فی الشفعه مسئله خانه و زمین که شفعه دارد

است که بیع ... [illegible]

زیادت ... الخلاف مسئله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

شفعه ... [illegible]

غرامه

فصل فی الغرامه مسئله ... [illegible]

عین مال خود دارد مال ... باز دارد و اگر بعد از

... باشد ... عین مال خود

... فصل فی الرهن مسئله ... [illegible]

باشد ... جمیع التصرف باشد ... [illegible]

[illegible] شرط [illegible] بکس [illegible]
کرد اما صاحب مال [illegible] او جواب [illegible]
اکنها اگر [illegible] الغرض مسئله هرجا بشرط [illegible]
مطالبه همان جنس را نتوانند کرد اما احتیاط رد کردن جنس است هرگاه
باقی باشد [illegible] قرضست و قبولش [illegible]
[illegible] مسئله قرض [illegible] هر وقت که خواهد مطالبه کند
[illegible] مسئله هرجا [illegible] بشرط بعض و شرط کند که
بعض [illegible] یا در [illegible] یا وعده معین ندارد
مسئله [illegible] قصد ادا کردن قرض را داشته
باشد یا [illegible] یا عالم باشد قرض [illegible]
فقرا ادا [illegible] راضی شود دادن از او و الا قرض بگیرد مسئله
هرگاه قرض خواه مطالبه کرد با قدرت واجب فوری است دادن آن و
اهمال کردن در دادن [illegible] واجب [illegible]
وقت شده بعد از دادن یا راضی کردن طلبکار رضا کند بنابر احتیاط
مسئله اگر مالش بقدر قرضش نباشد بعد از برای خدمت و اسب از

برای

برای پوشانیدن و اسباب ضروری مثل لباس و فرش و ظرف نقدرا
خود حالش و وقت تنگ باشد بمقدار خود و عیالش نگاه دارد و ثلث مالها
بطلبکار دهد مسئله هرگاه مقروض وفات کند و مالش وفا بدین
باشد لکن و خرج ضروری تجهیزش از مالش زیاد نمی تواند
کرد مال طلبکار است مسئله هرگاه [illegible] طلبکار او جا
نیست مطالبه حق [illegible] نمی تواند [illegible] بکند اند
کند [illegible] از [illegible] مالش
بطلبکار دهد [illegible] الناس
بر ذمه اش [illegible] وارثان
بفقرای غیر سادات دهد [illegible] اما
بفقرای سادات رد مظالم نمی توان داد کرچه سادات هم بر ذمه با
اما احتیاط باذن مجتهد بدهد بفقرای مسئله شخص مالی دارد
[illegible] نمی داند چه قدر و طلبکار را هم نمی شناسد [illegible]
خمسش بفقرای سادات دهد و نصف دیگرش [illegible]
[illegible]

مسئله هرگاه شخص جنس ربوی را قرض داد و زیادتر گرفت و غیرها
تا آن را حلال خود کرد و [illegible] مال را الناس باز پس شد [illegible] و [illegible]
نماز کرد با علم حرمت و بعضی گفته اند که نماز با ازنا باطل است باید نماز
را قضا کند [illegible] فی الاجاره مسئله هرگاه اجاره کرد شخص در حج را — الاجاره
که مجموع [illegible] که [illegible] ابر دشلا صحیح نیست باید
مصالحه [illegible] مسئله [illegible] اگر کاری کند
[illegible] بجا آورد [illegible] اجاره [illegible] ببرید یا زمین
اجاره [illegible] مسئله هرگاه شخص — جعاله
کند [illegible] فلان بعد اگر حفظ را
[illegible] و [illegible] و هرگاه [illegible]
فسخ نکرد [illegible] و قول شخص [illegible] هرگاه بیاورد
وجه را مستحق [illegible] فصل در بیان اجیر است مسئله هرگاه شخص — اجیر
وجهی شرط داد که [illegible] حج بگذارد [illegible] نیابت [illegible] و تعیین
نکرد زیارت را مشکلست که مثلا بگذارد [illegible] انشاء الله بخواند اجیر مکروه
بعضی اجیر نباشد [illegible] باشد [illegible] ندارد مسئله هرگاه شخص

اجیر

آجیر شود باید که کند خصم و انبار او هر جا که تلف شد با تلف باشد ضامن است

اگر احتیاط آنرا با ایشان انبار بعد بخواند مکان که معین نشده با

بطریق هلاک ... و اکر اشتباه باشد انبار النصر ... بدهد

همان خطر او در ... بخواند مسئله اجیر مزدور ... معین کرده

بر زبان متهمی است تمام نکرد و اکر ... اجرت اوست که ...

بیاورد ضرر بدارد ... [illegible] ... مسئله

مطلق لازم است ... [illegible] ... انبار احتیاط ... [illegible]

تمام را حیز کند ... [illegible] ... اکر ... [illegible]

قوی الی ... [illegible] ... [illegible]

متهمی را که ... [illegible] ... بخورد

قبول کرد و الشخص ... بابد ... شد و کنند

محوال کننده ترکردی ... اش تری شده و اکر بعضی ... الاخ

کذلك بطریق اول ایشوان ... کی مسئله ... الا شخص ... ثبوت

مدیون را اشاره که هر وقت طلبکار ... طلبید او را بدان ... جنس

صحیح است مسئله فی الضمان مسئله هر کاه شخص ... شود و

[illegible] بقول [illegible] از جهة [illegible] عمل [illegible] همان

وقت [illegible] قرار داده باشد که [illegible] باطل شد و بعد

[illegible] از [illegible] نکرده و اگر [illegible] اذن [illegible] نبوده مشترکا

کار او [illegible] آنچه را که داده است فصل فی المزارعة مزارعه [illegible] — مزارعه

[illegible] که قبول زراعت باشد که زراعت کند و حاصل

را [illegible] است و میتوان تحقیق کرد و بر داشت

که [illegible] از همان [illegible] فصل فی المساقات مساقات معامله [illegible] — مساقات

[illegible] از ظهور ثمره بعد

اگر [illegible] فصل فی

المکاسب و [illegible] قسم است اول ناقل عین — مکاسب

و منفعت [illegible] تیراندازی و مسابقه و [illegible]

و جعاله و قرض و هبه و صلح در بعضی از صور دوم ناقل عین تنها

چون [illegible] اجاره غیر باشد سیم ناقل منفعت چون اجاره و غیره

مسئله بیع بر دو قسم است اول ربوی دوم غیر ربوی و اینهم بر دو قسمست

لازم و معاطات مسئله بیع عقد بر چهار قسم است اول نقدی است دوم

نسیه

[illegible] سيم سلم

[illegible] است [illegible]

اين مسئله [illegible] بر چهار قسم است اول كلى بكلى مثل [illegible]

ده من [illegible] جزئى بجزئى مثل اين [illegible] معين بان [illegible] معين [illegible]

[illegible] بعتك هذا بهذا

[illegible] بكويد [illegible]

بايع و مشترى بايع بكويد بعتك [illegible] مشترى [illegible]

[illegible]

بهذا و مانند اين [illegible]

باشد و [illegible] مشترى بايع

بعتك [illegible] بكويد سيم كلى بجزئى است چهارم بيع جزئى بكلى

مسئله در راس المال است و آن بر چهار قسم است اول مرابحه كه خبر از

سرمايه ميدهد و زيادتر ميفروشد دوم توليه خبر از سرمايه ميدهد

و بهمان قيمت ميفروشد سيم مواضعه كه خبر ميدهد سرمايه را و كمتر ميفروشد

چهارم مساومه كه خبر نميدهد سرمايه را و ميفروشد اين قسم بهتر از

نباشد امّا تفاوت بر نیت است اوّل واجبست چنانکه حفظ نفس خود
و عیال خود که غیر از آن ممکن نشود احوط تمام اداء دین نیز واجبست
دوم مستحبست چنانکه وسعت دادن عیال و فقیران را و خیر کردن سیم
مباح است که قصد زیاد کردن مال باشد چهارم مکروه است چون
کفن فروشی و غله فروشی و قصابی و حجامی با شرط اجرت و بنده فروختن
و [illegible] بشرط اجرت و برزگری و کسب [illegible]
و [illegible] و مال الکنایه که از حرام [illegible] واجرت تعلیم دادن قرآن
و [illegible] حیوانات [illegible] معامله با ظلمه
و [illegible] اند و کتابت [illegible]
عیب [illegible] حرام و آن چند نوع است
اوّل بیع نجس [illegible] چیزهائی که مستثنا است در محل خود و مایعات
متنجسه که قابل تطهیر نباشد مگر چیزهائی که مستثنا است در محل خود دوم
بیع حرام است چون آلات عمل حرام مثل طبل و نی و سرنا و شطرنج و
بت و مانند اینها امّا با صورت و هیأت اینها است اینها را باید شکست
و اجاره دادن خانه را یا مال بارکش را برای چیزهائی که حرام است

قبیل

قبیل حمل شراب و سواری ظالم از جهت ظلم کردن و مانند اینها [illegible] مسئله بیع
چیزهائی که در آنها هیچ نفع نباشد چنانکه [illegible] حرام است [illegible] کشتی و مانند
[illegible] روح اگرچه [illegible] نبود باشد مطلقا مسئله قمار بازی مثل [illegible]
مرغ بازی و غیره حرام است مسئله غنا خواندن حرام است [illegible]
و روضه معصومین [illegible] مسئله نوحه کردن از برای
میت و اجرت گرفتن به نوحه [illegible] مسئله اجرت گرفتن از برای
تجهیز مؤمنین [illegible] از برای عیب کردن مؤمن [illegible]
و سخن چینی کردن [illegible]
یا بالعکس [illegible] مسئله اجرت [illegible]
[illegible] و مانند اینها [illegible] محرمه تماما حرام است
[illegible] حرام است اجرت گرفتن [illegible]
چه واجب عینی باشد مثل نماز یومیه و واجب کفائی باشد مثل غسل و کفن
و دفن میت مسئله حرام است اجرت گرفتن بر شهادت دادن و حکم کردن
و مانند اینها را آنچه از قبیل [illegible] از صناعات که نظام امر معاش
بسته است به آنها مسئله جایز نیست بیع و شرای [illegible]

تطهیر باشند مکروه نیست که ... باشد ... [illegible]
... که منتشر نشود ... مسئله ... باشد که ... [illegible]
... باشد ... مسئله پیه و دنبه ... [illegible]
نیست بنابر احتیاط مسئله ... قابل تطهیر ... مثل کرباس
بعض آن به اعلام ... نیست اما اعلام مشتری واجب است مسئله
اعانت ... [illegible] ... مسئله مسکرات جامد مثل
چرس ... نجس نیست ... مانند ... اگر بنای ... باشد
... [illegible] ... مسئله ... مال قمار خوردنش
حرام است ... [illegible] ... مسئله ربا و عمل خمر و مسکرات
و رشوه ... [illegible] ... و شراء مسکرات و آلات لهو
و امانت ... [illegible] ... بر ذات نماز واجب بر عمل حرام و اجرت
از برای نماز جماعت تماما حرام است مسئله غیبت مؤمن اثنا عشری
چه مرده و چه زنده بنوشتن یا گفتن باشد مگر مضطر باشد حرام است
اما هجو و بهتان و نمامی حرمتش اشد است از غیبت مسئله سب مؤمنین
و اذیت مؤمنین و غش و تدلیس کردن ... باشد بلکه با اهل ذمه هم

حرام است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مسئله اجیر در زمان معین هر گاه عمل کند از برای خود یا از برای

غیر جایز نیست و هر گاه [illegible]

بی اذن [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] ترک [illegible]

در تنگی و احتیاج خلق [illegible]

[illegible]

با لباس مخصوص زن پوشیدن [illegible]

حرام است مسئله تلقی رکبان که جلو قافله رفتن است که بعضی حرام

میدانند در بیع [illegible] است از چهار فرسخ گذشته حرام نیست

در ربوا است و حرمت او [illegible] است و کسیکه حرام نداند مرتد

واگر حرام بداند و بگیرد هر درهمی که نیم مثقال نقره باشد گناهش

بیشتر است از هفتاد زنا با محرم خود مثل مادر و دختر و خواهر

ور بقاع ما اشا... اذن كرده باشد ... و شفعه كه ... بيع
باقي ... دو روزه ان صاحب شرط ... هرچند در زمان معين
باشد مسئله اگر ملك ... ... در هر كيل و موزون بودن
ان چيزها ... معتبر است ... ... ولا بالي
... ... كند ...
... ... آنكه ... رامكر ...
... ... كند مسئله ...
... ... صحيح كند ...
با ... ... معلوم باشد ...
باشند ... ...
مختص و ما الاش و مسلمان و كافر حربي زيادتي كه ... ...
مسئله بيع برده و قسمت بيع شرطي و بيع قطعي و ابن كالي بروجه ...
هم ميشود و اما شرط بايد در زمان معين باشد مسئله در شرطهاء
صحت بيع و شراء است اول آنكه بايد فروشنده و مشتري بالغ باشند
و معامله اطفال صحيح نيست هرچند ... داشته باشد مكر ...

الش

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حال اختیار [illegible] مجلس [illegible] اما هرگاه [illegible]

بگیرند [illegible] خیار [illegible] ثابت است [illegible] خیار [illegible] است هرگاه

شخص مالی خرید و وجه از او [illegible] در شرط هم قرار نداد مثل گوشت و

میوه مثل آنکه به طول زمان فاسد میشود و نیامد که ببرد اما دیگر

اگر آن مال بماند ضایع میشود بایع اختیار فسخ دارد اگرچه به عذر هم

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فسخ قرار بدهد در زمان معینی از برای خود یا از برای مشتری یا ثالثی
صحیح است و شرط در زمان طویل هم جایز است حتی پانصد سال مثلا
هفتم خیار شرط است هرگاه شخصی مالی فروخت و اختیار فسخ قرار داد تا یکسال
با خود مثلا بشرط رد تمام ثمن در یکسال هم میتواند فسخ کرد مگر اینکه
معین سر سال قرار داده باشد فسخ را و همچنین میتواند قرار داد این شرط را

ازبرای

از بایع [illegible] هفتم خیار رؤیت است هرگاه شخصی مالی را
ببیند [illegible] اگر موافق نباشد فسخ دارد
[illegible] اگر [illegible] فسخ دارد بایع هشتم خیار عیب است
نقص یا زیادتی [illegible] بحسب خلقت معلوم شد که [illegible] بوده مشتری اختیار
دارد [illegible] الثمن [illegible]
[illegible] دارد [illegible] خیار [illegible]
[illegible] خیار [illegible]
[illegible] خیار [illegible]
[illegible]
[illegible] خیار [illegible]
[illegible] بایع اختیار فسخ دارد [illegible]
خیار تلف است هرگاه شخصی چیزی خرید و پیش از قبض یکی از آن
دو چیز نزد بایع تلف شد مشتری اختیار فسخ دارد چهاردهم
[illegible] هرگاه شخصی [illegible]
[illegible] فسخ دارد [illegible]

منفعت او ندارد شرعا پس مسئله هرگاه بیع باطل شد مشتری و بایع را

ثمن و مثمن مباح نباشد مسئله بیع باطل برضای طرفین مباح نمیشود

و در دست ایشان امانت است هرگاه قدرت بر رد آن نداشته باشند

وجه تفاوت حال [illegible] نظر کنند مسئله [illegible] از [illegible] احسن [illegible]

مستغرق [illegible] مسئله هرگاه فروشد شیء معینی بثمن معینی

[illegible] مسئله هرگاه مالی [illegible] شخص

[illegible] مثلا و در بیع او [illegible] و عدش حال [illegible] شود

[illegible] ثمن باقی [illegible] فروشد

و [illegible] مال بایع است مسئله هرگاه

شخص [illegible] فوقانی از نو ساخت در غیر آنجا

است آن فوقانی مال بایع است همچنین درخت و غیره که در آنجا

کار نفتاده است مسئله هرگاه شخص غلامی یا کنیزی فروخت بی ذکر

مال ایشان و لباس غیر از ستر ایشان مال بایع است و اما لباس عورتین ایشان

هم جزو فروخت مسئله هرگاه بایع حیوانی را با دیگری بفروشد بقیمتی که مجهول باشد

این بیع صحیح نیست مگر اینکه مصالحه کنند مسئله هرگاه صغیر بعض

[illegible] کسیکه معامله با او [illegible] باشد مگر از برای ولی آن

[illegible] آن کس [illegible] کند که این مبیع [illegible] آن مال

[illegible] الا

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میشود مسئله [illegible]

وزن و کیل بعضی [illegible]

و مسئله [illegible] بفروشند

مسئله چیزهائیکه بذرع و کیل و عدد باشد بدون ذرع و کیل و

عدد تقسیم کند و قرعه بزنند از نظر شرعی [illegible] مسئله [illegible]

بذرع و [illegible] معینی مجرد شخص و ناقص باشد ان [illegible] میتواند

[illegible] مسئله در [illegible] باشد [illegible] دو سال

لعب باوره و مسئله حیوان نوعنی و هر جنس خارجی ادخال [illegible]

ابنها و بونبر منتاج ابن لحون حیوانات العالم [illegible]

بحیوان نوعنی مسئله [illegible] الاول [illegible] سکه [illegible] بنکر در [illegible]

شرطینه کیما حکمند واحد طرازلانه بو حیوانات دره [illegible]

[illegible] اکر [illegible] شخص باشد [illegible]

[illegible] باشلاد [illegible]

[illegible] بالة بار [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] شاه دیکر شلادر

[illegible] مسئله [illegible] دره [illegible]

[illegible]

بالمناحبه [illegible] وزن هر دراوده با [illegible]

[illegible] المسائله مسئله [illegible] باشدی [illegible]

[illegible] کیه [illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] مسائله کند [illegible] صحیح

وانجه

برای ثمن بیع باطل است و هرگاه از برای بعض ثمن اجل قرار دهند
همان بعض باطل است و اما هرگاه تمام ثمن دین باشد و بایع بیع
بفروشد بآن دین چنین بیع السلف جایز است مسئله شرط است علم بو
جنس مسلم فیه که اگر نادر الوجود باشد در سر موعد باطل است و اما
جایز نیست بیع جنس مسلم فیه پیش از سر موعد مسئله هرگاه غیر جنس مسلم فیه
بدهد بعد از سر موعد [illegible] اخذ آن و اگر قدری از مسلم
فیه را بگیرد مشتری و باقی را مطالبه کند مسئله هرگاه
[illegible] و ثمن [illegible] تسلیم کند و اگر موعد
معین [illegible] هرگاه مشتری در بین موعد
بمیرد [illegible] موعد بر بایع لازم است
قبول کند و [illegible] موعد [illegible] نتوانست بگیرد خیار
از برای مشتری [illegible] مسئله بیع [illegible] و دین بدین جایز نیست
فصل در حجر است مسئله چیزهائی که موجب حجر میشود شش چیز است
صغر و جنون و سفه و مرض و فلس و رق است مسئله حجر مریض زیاده
از ثلث است بنا بر قولی و ثابت نمیشود حجر مفلس مگر باذن حاکم شرع مسئله

[illegible]

علامت بلوغ انسان شعر خشن است فی العانه یا دبر و انزال المنی
و روئیدن موی درشت بدون علاج در لحیه و در شارب و [illegible]
سال تمام و دختر نه سال تمام اما [illegible] سال قمریست نه سال شمسی مسئله
اما روئیدن موی در دماغ و گوش و زیر بغل و سینه و درشت شدن
ثدی مثل [illegible] و غلظت آواز و [illegible] حلقوم و درشت
شدن [illegible] اما حیض
حمل علامت [illegible] مسئله [illegible] هبه
بالغ و عاقل و رشید [illegible] باشد [illegible]
و صدقه اما ایجاب [illegible] هذا
و جواز [illegible] قبلت [illegible] باشد هبه کنند کفایت میکند
نمیتواند رجوع کند اگر قبض کند و نبت بوده یا ذی رحم بوده یا تصرف
عین شده اگر چه بعض از آن باشد اما هبه معوضه اگر چه عوض [illegible]
باشد که رجوع نمیتوان کرد مسئله هر گاه بکند درخت ثمر و غله یا
سایر میوه‌ها جایز است بخورد از آنها [illegible] بشرط آنکه
ضرر به درخت و میوه اش نکند و همراه نبرد چیزی از آنها اما در [illegible]

حرام باطله بر منذورون [illegible] اگر [illegible] باشد فسخ کند و [illegible] است
مسئله هرگاه شخص مال [illegible] نذر کند و بعد از آن [illegible]
[illegible] میتواند رجوع کند [illegible] و بعضی گفته اند میتواند [illegible]
و [illegible] را [illegible] مسئله [illegible] و بعضی [illegible]
[illegible] مسئله [illegible] ملک و بعضی [illegible]
[illegible] میتواند [illegible] کند و [illegible]
[illegible] و بعضی [illegible]
[illegible] کند و [illegible]
و اگر [illegible] و بعضی [illegible]
و [illegible] مسئله [illegible] و [illegible]
بوده که [illegible] شود [illegible] و بعضی گفته منفعتش زیاد شود [illegible]
[illegible] از این و بعضی گفته اند [illegible] نمیتوان داد اگرچه خود [illegible]
باشد [illegible] مسئله نذر زن [illegible] بی اذن شوهر [illegible]
[illegible] مسئله نذر ولد بی اذن [illegible]
[illegible] مسئله [illegible] و باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

شرح است بنابراینکه [illegible] است با ثلث حساب کنند [illegible]

هرگاه [illegible] کنند لازن [illegible]

از [illegible] است [illegible]

هرگاه [illegible] ثلث [illegible]

همان وصیت ثلث باقی است اگر مشاع بوده و اگر معین بوده باطل
است مسئله وصیت از برای معدوم کردن باطل است و از برای حمل صحیح
جایز است و هرگاه شخص وصیت بواجبات مالیه کند چون حج و خمس
و زکوة و رد مظالم از اصل مال باید برداشت مسئله هرگاه وصیت
بالنیه کرد ثلث [illegible] اسهل [illegible] مسئله اگر [illegible]
فاسق [illegible] حاکم شرع [illegible] با اطلاع [illegible] معروف
شد [illegible] مسئله هرگاه شخصی [illegible] بعد از موت [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه یکی [illegible]
[illegible] بعد از این ثلث را تصرف کند
هر قسم که [illegible] و وصی را متعدد قرار دهد
باید باذن یکدیگر تصرف کنند اگر هر یک مستقل نباشند مسئله
هرگاه یکی متعذر شد اگر مستقل نباشد اختیار با حاکم شرع است
مسئله وصی صغیر میتواند مال صغیر را قرض بردارد اگر مالدار باشد
مسئله هرگاه وصیت کند که شمشیر را فلان صرف کند مثلا غلاف
آنهم شامل است و زره و همچنین دیگر تابع عرف است مسئله هرگاه شخص

وصیت

وصیتی کند پس از آن بعد از آن وصیت کند عمل بثانی کنند فصل في
الارث مسئله مراتب وراث سه مرتبه است اول کسی وارث نسبی که
پدر و مادر و اولاد ند و دوم جد و جده و برادر و خواهر ند سیم
عمه و عمو و خاله و خالوند و اولاد ایشان یا اولاد اولاد ایشان
قائم مقام ایشان میشوند اگر [illegible] شوهر و زن [illegible]
[illegible] از ارث [illegible] اولاد [illegible]
[illegible] اگر شوهر [illegible] اولاد [illegible] باشد
[illegible]
مسئله اگر اولاد [illegible] پدر و مادر
هر یک ششیک [illegible] از [illegible]
از مادر و اما [illegible] پدر [illegible]
اورد با جبره [illegible] ایشان مسئله هرگاه [illegible]
دار مالی داشته باشد بر اولاد و وارث [illegible] مسئله هرگاه
طبقه سابق باشد یا اولاد ایشان بر طبقه لاحق [illegible] مسئله
هرگاه [illegible] وصیت کند که وصی [illegible] وصی دیگر قرار دهد که

بوصیت او عمل کند جایز است و هرگاه وصی [illegible] اختیار [illegible]

مسئله هرگاه شخصی بمیرد [illegible] از اشربات [illegible]

متوفی دارد با وصی [illegible] است و اگر ایشان نباشند

شرعی [illegible] مسئله [illegible] و انگشتر و لباس و [illegible]

مسئله هرگاه [illegible] در طبقات ارث داخل

و باقی [illegible] و شرایط ارث [illegible] باشد

از طبقات [illegible]

ذات [illegible]

مسئله [illegible]

مال [illegible]

مسئله هرگاه وصی مال در تصرف [illegible] باشد و بداند که [illegible]

[illegible] دیگر و وارث [illegible] و وصی [illegible]

هرگاه [illegible] جایز است مسئله هرگاه وصی باید [illegible]

[illegible] ممکن نشود که [illegible] داشته باشد که [illegible]

[illegible] باید [illegible] مسئله هرگاه بداند که [illegible]

ارث

[illegible] و وارث [illegible] بطلب کارش و الابوذ

ارث

یعنی مسئله را اگر خواهی [illegible] باشد [illegible] بازای

[illegible] مسئله هر یک [illegible] کند [illegible]

[illegible] باشد

[illegible]

[illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کرده [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] شود [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] حضرت

[illegible] صلی الله علیه [illegible] السلام [illegible] مسئله [illegible]

حقیقه یا نزد یا بازی دخانیه انشوانند ضرر ندارد اما خواندنش بهتر است

مسئله پیل یا بازی میخر خبر دانند بیاید بکر شود تقسیم کنند بالقسمة

النقد را برادرانه ضرر ندارد مسئله شرکاء شخص در تمر دارد ابریق کرده

قرب وسکری جمع میتوانند با آنکه اگرچه غیر احکام هم باشد مسئله کسیکه

وسائل [illegible] مسئله کوسفند اجنبی

دارد [illegible] کند کراهت دارد [illegible] اما حلال است مسئله

در [illegible] بخطا خوانند یا

ز [illegible] خواندن اند ندارد مسئله

عمل [illegible] آ شبهه مذکور است در

ندارد مسئله [illegible] یا اسم مذکر یا حضرت زهرا

مرتبانت و قلش بر تسبیح اذن بجهة مباز است مسئله هر گاه فرزند

فقیر باشد [illegible] یا حاجت شرعی آنست نفقه آن فرزند بر ایشان

واجبست و همچنین تکرار آن مسئله روا است حکم حرم دارد در حال

بودن مکث کردن جنب یا حائض یا نفساء بشایر احیاء مسئله با تو

تربت در [illegible] بلا استثناء میتوان کرد لیکن [illegible] انظر فی باعنی

تکند

نکند اما طنبور یا [illegible] زدن حرام نیست لکن ترکش اولیست مسئله

خون گوشت که با گوشت خورده شود حرام است مگر آنکه خون گوشت چون

شسته باشد پس شستن [illegible] خوردن [illegible] مسئله [illegible] مشتبه شده

مسلم با کافر که [illegible] خواهند میتوانند [illegible] اگر [illegible]

که میمانند با او نماز کنند احتیاطا تا [illegible] کنند و اگر انبوه شوند [illegible]

خبر کنند و [illegible]

خانه [illegible] کنند و اگر [illegible] باشد

باذن مجتهد [illegible]

شاید [illegible] خوان

دادن جایز است مسئله [illegible] الشان [illegible]

شرعی [illegible]

هر گاه [illegible] که ترکه مال دیگری را بغیر حق برد واجب نیست که [illegible]

[illegible] لازم [illegible] مگر آنکه [illegible]

نتواند بگیرد باید اعلام کند مسئله اما زیارت عاشورا در هر وقت از

اوقات میتوان کرد حتی در شب و در حال [illegible]

[illegible] نمی‌تواند [illegible] مسئله [illegible] در قضا

[illegible] مسئله [illegible] اصول [illegible]

[illegible] کتابت [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] بر [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] شهادت [illegible]

شود بخورد مسئله هر که ادعای [illegible] کند کفایت کنند از قضا

[illegible] اثبات [illegible]

ادعای سیادت کند کفایت نکنند مگر آنکه در [illegible] مشهور باشد

یا [illegible] حاصل شود مسئله [illegible]

و [illegible] مسئله

[illegible]

مسئله هرگاه سگ معلم شکاری را بکشد یا چند شی را که رها کننده
سگ مسلم باشد و بذکر اسم خدا باشد مثل بسم الله و بجهة شکار رها
کند از او شکار فوت کند از او بی مثل آن باشد حلال است مسئله
[illegible] و مثل اینها کشته شود
حلال نیست [illegible] مسئله هرگاه کافری ماهی را
زنده از آب [illegible] مسلم [illegible]
[illegible] مسئله
[illegible]
[illegible]
ذبح کند با شرایطی [illegible] باشد و بذکر نام خدا
و چهار رگ [illegible] حلال است اگرچه زن باشد ذبح کننده آن
مگر [illegible] که نام خدا بود [illegible]
[illegible] مسئله [illegible] ذبح [illegible] حلال است
[illegible] کنند و خون [illegible]
[illegible] مسئله هرگاه حیوانی را ذبح کردند بعد معلوم شد که [illegible]

[illegible]

توبه ایشان قبول کند و دفع خطاء ایشان بکند و اگر توبه نکند [illegible]

نمیشود [illegible] کشتن [illegible] است [illegible]

[illegible] اگر [illegible] باشد [illegible]

و اگر [illegible] توبه کند توبه ایشان قبول شود اما اگر [illegible]

کند [illegible] او حرام [illegible] میکردند و [illegible]

و [illegible] و اگر [illegible]

[illegible] کلام [illegible] بالانکار [illegible]

[illegible]

[illegible]

کند [illegible] اگر [illegible]

[illegible]

کند او را مستحق نار که هر [illegible] که جماع کرده باشد

کفر است مرویست که هر گاه کسی بوسیله [illegible] او را

میکنند او را بلجام آتش و لعنت میکنند او را ملائکه آسمان و زمین و

خشم و غضب و محبت میشود از برای او و جهنم [illegible] الا اگر توبه کند توبه اش

قبول

[illegible] مسئله [illegible] بظلم [illegible] کردن یا [illegible]
[illegible] پریشان کردن یا بر بار باز داشتن یا گرسنه
[illegible] یا [illegible] وگرما دادن ایشان بظلم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اما اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باشد و اگر [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
مثل [illegible] دارد از
از اینجا تا آخر کتاب جهة مناسبت حال [illegible]

جناب ملا [illegible] فارغ شده و بعد از آن اوراد [illegible] از [illegible]
بر بنده [illegible] از ایشان [illegible] و اما اگر توبه کنند [illegible]
[illegible] اگر [illegible] کنند [illegible] کرده شد [illegible] و قائل باشند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مساحقه
هم باشند [illegible] المساحقه در کتاب [illegible]
در [illegible] از جناب [illegible] که مساحقه بمنزله لواط کردن است [illegible]
[illegible] دو زن [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اگر [illegible] توبه کنند [illegible]
با ایشان [illegible] اما اگر بعد از حد [illegible]

[illegible] مساحقه کردن باشد [illegible] ایشان را کشت فصل در بیان [illegible]

هر کاه شخصی جمع کند میان هر دو زن از برای زنا یا مرد و پسر از برای

لواطه یا میان زن و زن از برای مساحقه باید [illegible] ایشان را [illegible]

قذف [illegible] ایشان را [illegible] فصل در بیان [illegible]

هر کاه [illegible] یا [illegible] بزنا یا لواطه یا [illegible]

که [illegible] حد [illegible]

[illegible] منکر شود باید [illegible] اما زن را باید برهنه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سرقت تازیانه است فصل [illegible] و مسئله هر کاه شخصی مال [illegible] دزدد که

چهار نخود و نیم طلای مسکوک بیرزد باشد انکشتان چهار انکشت او را

تا بیخ باید برید مکر ابهامش و اکر دیکر دزدی کند پای چپ او را

باید برید و دفعه سیم او را حبس کنند و اکر مال ندارد خرج او را از بیت

المال بدهند تا بمیرد و اکر در زندان دزدی کرد باید او را کشت بقول

تبعا

تعالى مسئله هرگاه [illegible] زوج كند دفعه اول [illegible]

[illegible] اكشتن [illegible] اشند [illegible]

[illegible] صكلس [illegible]

[illegible] مسئله هرگاه كسى [illegible]

[illegible]

[illegible] الكشتن [illegible]

[illegible] علما

مسئله [illegible]

[illegible]

او [illegible] علما مسئله هرگاه [illegible]

كرد جايز است كشتن او بقول علما مسئله هرگاه كسى خواسته باشد كه زن

با غير او عمل نا مشروع كند و بعد از كشتن دفع او نتوان كرد جايز است

كشتن او بقول علما فصل في القصاص مسئله هرگاه كسى امر كند كه

را كه بكشد [illegible] او هم بكشد و هر دو بالغ و عاقل باشند قاتل

زیان کرده باشد و اگر کسی زیان مال غیری کرده باشد ضامن است

اگر پدر فرزند خود را بکشد پدر را نکشند [illegible] ضامن

و پسر [illegible] زیان پدر کند و اگر اولاد عمداً پدر و مادر را بکشد

قصاص میکنند [illegible] [illegible] [illegible] ببرسانند

از شرع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کشته

دو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اشغال شرعی

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مشتمل

[illegible] [illegible] [illegible] و زیان را ضامن نیست

اگر زیان [illegible] [illegible] [illegible] ضامن است [illegible]

هرگاه کسی افشار مال را زیان کند اما مال [illegible] ضرر کند [illegible]

با انکار است [illegible] اقرار [illegible] [illegible] هرگاه شخص

ضرر باشد و مال را زیان [illegible] غیر را آزار کند [illegible]

است و اگر غیر مال زیان [illegible] دیگری را ضرر کند [illegible] زیان

بنداده

[illegible]

و هر چند ترك [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دير [illegible]

و انگشت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

بسيار بود [illegible] اشتغال [illegible] است و اگر چند [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] شکست [illegible] که [illegible] [illegible]

دير [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اول انگشت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اشتغال [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دير قبل [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و دير دو تا مفصل دير قبل [illegible] انگشتهاي پا [illegible] انگشتها

دست [illegible] انگشتها باشد که [illegible] دير [illegible]

دير زايل کردن مفصل دير قبل [illegible] و ذکر کردن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دير قبل است

اگر [illegible] [illegible] از آن [illegible] [illegible] [illegible]

که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شتر باشد و اگر دست شکسته شده و [illegible] ریزه ریزه شود [illegible] کنانند شتر
و نیم باشد و اگر شکسته باشد و نیکو شده شتر و اگر پیوسته باشد متصل
استخوان [illegible] شتر و اگر استخوان [illegible] شود پنج شتر و اگر
استخوان [illegible] کند ده شتر و اگر استخوان [illegible] ریزه ریزه شود ده شتر
[illegible] شتر و اگر [illegible] [illegible]
[illegible] جائفه زخمی [illegible] [illegible]
[illegible] شتر [illegible]
[illegible]
[illegible]
دو [illegible] مثقال شرعی [illegible] بر انست [illegible] علما [illegible]
آن [illegible] دیگری [illegible] سرخ شود یک مثقال و نیم شرعی طلا
[illegible] کبود شود سه مثقال و اگر سیاه شود شش مثقال [illegible]
[illegible] اگر [illegible] ظاهر شود [illegible]
[illegible] بقول علما [illegible] انست و اگر [illegible]
[illegible] کند [illegible] است بقول علما [illegible] اگر سقط کند

[illegible] اگر خانه [illegible] مثال [illegible]

مثال [illegible] باشد [illegible] مثال [illegible] دندان [illegible]

مثال [illegible] اگر [illegible] باشد [illegible] مثال [illegible]

[illegible] باشد اگر [illegible] باشد [illegible] مثال [illegible]

[illegible] و اگر [illegible]

[illegible] مثال [illegible]

[illegible] مثال [illegible]

[illegible] باز ان

[illegible] مثال [illegible]

ازاد [illegible] مثال [illegible]

باید که [illegible] بقول علما مسئله هرگاه کبوتر جوان [illegible] گوشت [illegible]

کنند باید قیمت [illegible] ازاله [illegible] و اگر اجزاء [illegible] کنند [illegible]

برا و تفاوت [illegible] و معتبر [illegible] بقول علما مسئله اگر [illegible] جوان

[illegible] گوشت اگر قابل ترکیب هستند [illegible]

معتبر [illegible] بقول [illegible] مسئله هرگاه [illegible]

[illegible] وارکسه‌لر پاسبان که مشقتنا [illegible]

[illegible] اکر [illegible] اشداء [illegible]

[illegible]

[illegible] اکر

[illegible] کرده در [illegible]

مسئله اکر [illegible] اعفو کسه [illegible]

قاتل [illegible]

[illegible]

کر اولنده [illegible]

[illegible] بقول [illegible]

دیه‌ر او لازم [illegible] اما كفاره لازم اسندر قول علما

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله

على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين وبعد چونكه [illegible]

که در رساله جناب حاجی شیخ [illegible] انصاری [illegible] الله تعالی مسطور

است [illegible] الاعلم [illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

اگر [illegible] تکبیر نماز [illegible] که بین [illegible] رکعت سیم [illegible]

[illegible] نمازش باطل است

و [illegible] سلام [illegible] نمازش صحیح است [illegible]

[illegible] نمازش صحیح است [illegible]

[illegible]

[illegible] شک [illegible]

اگر مشغول نشده باطل است و اگر بعد از نماز ملتفت شود و چیزی

از نمازش [illegible] مشغول نشده نمازش باطل است و اگر شده صحیح است

نمازش [illegible] مسئله اگر بعد [illegible]

و چهار رکعت [illegible] و سوره [illegible] مسئله سجده سهو مطلق

[illegible] و تشهد [illegible]

و شرایطش

نجس نمی‌شود اگر آب بیرون بدهد اگر کسی خون بالای [illegible] از بدن بیرون

و غسل را صحیح ندانند احتیاطاً و بعد ترک کنند با آن بیرون کنند یا فی الرئة

در اغوت آنکه از الیه جانب است که ترک کند در آن منع کنند و اگر نشد

ترک نمی‌شود با نجاست نماز کند احوط بعد از تطهیر قضا هم بکند مسئله

استصحاب طهارت [illegible] مسئله در حال الاستبراء

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بوده نماز صحیح [illegible] مسئله اجتناب

غیر معفو اگر چه [illegible] مسئله

نجاست [illegible] و لو [illegible] آب جاری [illegible]

کر [illegible] شود و لو [illegible] هم کفایت میکند و همچنین [illegible]

سه مرتبه و بول دو مرتبه غیر مخرج بول مسئله نجاست [illegible]

[illegible] ازاله عین [illegible] بودن [illegible] نماز [illegible]

صحیح است ولی ترک نشود مسئله ولی [illegible] اعتقاد کند [illegible]

صحیح منه

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] وضو کند مسئله روا نباشد [illegible]

مسئله اگر ایشان در جنابت باشند اغتسال کرده [illegible]

و غسل ایشان [illegible] مسئله در [illegible]

نماز [illegible] و غسل نکرده [illegible]

[illegible]

مسئله جنب و حائض چیزی در مسجد ننهند اما بگیرند روا بود مسئله
آب یافت بعد از انکه شروع کرده بود در نماز و نجس نیمم مشغول کرد سنکم
بر وضو باطل نشود و نیمم بعد از کرد مشغول اند و شود نماز
مسئله چیزی که خمر نجس باشد و اگر کثیر شود بالنور پاک نشود مسئله
در طهارت دست مال الخط اب که ببیند و بو اخر صلوة و مسل نماز [illegible]
و مسئله بسم [illegible] چیزی که [illegible]
چوبی [illegible] الا با التعود [illegible] نباشد [illegible]
مسئله [illegible] اگر [illegible]
مسئله [illegible]
نماز [illegible] مسئله اگر [illegible]
نماز باطل [illegible] مسئله نماز [illegible]
مسئله اگر بضاعتی که تمام قرض کند در ده مسئله نماز [illegible]
مسئله هر گاه بعد از سلام نماز اندیشه شک کرد [illegible] دو رکعت ایستاده
و دو رکعت نشسته و دو سجده سهو کند اگر [illegible] باطل
نباشد شک مسئله خمس سهم امام بی اذن مجتهد دادن اگر [illegible]

اجازت

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible] شود مسئله خون [illegible] مشتبه باشد

[illegible] که [illegible] باشد [illegible] ثابت

[illegible]

میشوند

[illegible] باشد [illegible]

مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

اگر [illegible] مسئله [illegible]

[illegible] نماز کند اگر [illegible]

مسئله [illegible] اختیار [illegible] از [illegible]

ذکر [illegible] واجب گوید و سر برداشته که [illegible] است مسئله [illegible]

[illegible] شک دارد که [illegible] رکعت نماز احتیاط [illegible] دو رکعت

[illegible] اعاده نماز است مسئله [illegible]

بیرون میکند [illegible] حد نصاب [illegible] زکوة [illegible]

[illegible]

کند بقصد اینکه [illegible] تشهد [illegible]

[illegible]

[illegible] دو [illegible] رکعت [illegible]

زیاد شده باز رکوع فراموش کرده نمیداند که رکعت [illegible] از برای [illegible]

[illegible] رکعت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سه و چهار شروع نمود از [illegible] بنا را [illegible] کرده [illegible]

از نماز [illegible] نماز احتیاط [illegible] احوط و اولی اعاده نماز است

مسئله تشهد و سجده هر دو فراموش شده نمیداند کدام مقدم

بوده مخیر است اما اگر تشهد را مقدم داشت بعد معلوم شد که سجده

مقدم

[illegible] مسئله و در [illegible] [illegible]
[illegible] در [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] سهو رکعت
[illegible] و رکعت چهارم [illegible] و تمام کند [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] و در رکعت [illegible]
مسئله در قیام [illegible]
[illegible] [illegible]
کند [illegible] [illegible]
برخواستن [illegible] قیام [illegible]
مسئله در حال [illegible] و فوت ثالث در رکوع کند تا سجده و تشهد
گردد و در رکوع الغا او و مسئله نماز [illegible] جماعت [illegible] کرده [illegible]
سلام واجب السلام علیکم و تشهد خفیفه از برای دو سجده سهو
کفایت میکند مسئله هر گاه ماموم در ذکر با امام جماعت باشد

[illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

[illegible]

[illegible]

مسئله [illegible] مسئله [illegible]

باشد [illegible]

[illegible]

قضا [illegible]

[illegible]

قضا [illegible]

شد نمازش قضا باید کرد مسئله [illegible] خلل

مستحبست مسئله مسح کردن استخوان آدمی که بی گوشت باشد غسل

مستحبست مسئله [illegible] ندارد بقاء وجوب

غسل ندارد مسئله از برای مضطر شهادت عدلین تقدم آب در

بیابان کفایت میکند ترک طلب را مسئله هرگاه نجاست مشتبه و

نماز باطل نشود [illegible] مسئله [illegible]
در سجده [illegible] مسئله [illegible]
[illegible] مسئله
مسئله [illegible] رجوع [illegible] مسئله [illegible]
[illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مسئله [illegible]
نماز و حمد یا تسبیح اربع [illegible] امام در رکوع [illegible]
[illegible] سبحان الله [illegible]
نماز [illegible] مسئله [illegible]
[illegible] مسئله [illegible]

تتمه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ركوع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ركوع [illegible]

[illegible] ركوع امام [illegible]

[illegible]

[illegible] ركوع [illegible] مشغول [illegible]

[illegible] احوط [illegible] اعاده [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] واجب [illegible]

يا عزيز

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... رکوع ... قرائت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

مسئله ... نماز ... اعاده ... [illegible]

... اگر رکوع یا ... از وقت ... [illegible]

... نماز صحیح است اما اعاده کند ... مسئله

سهوا یا جهلا ... کرد ... [illegible]

[illegible]

[illegible] مستعمل است و [illegible] از کار [illegible]

مسئله در کاسه [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible] مسئله وضو یا غسل پیش از وقت [illegible]

[illegible] واجب [illegible] است مسئله [illegible]

[illegible] حال [illegible]

[illegible] مسئله [illegible] لباس [illegible]

[illegible] بالاحتیاط [illegible]

[illegible]

[illegible] است و [illegible]

[illegible] واجب است مسئله [illegible]

[illegible] حرام است مسئله خون [illegible]

و [illegible] [illegible]

[illegible] مسئله [illegible]

باشد [illegible]

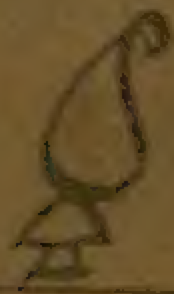
[illegible]

[illegible]

[illegible] مسئله
[illegible] باب قليل يا كثير
[illegible] والسلام
[illegible] ١٠١١

[illegible]





تاریخ تولد نور چشمی آقا محمد حسن

شب پانزدهم شعبان [illegible]



تاریخ تولد نور چشمی [illegible]

در شب [illegible] شعبان

سنه ۱۲۸۴











